

توحید محوری در بلایا
تحلیل شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با پدیده کرونا
تأملی در «بلایا»
از نگاه دین و دنیا

نگاهی به پدیده کرونا
با تأمل در آیات و روایات

کرونا، چالش دین یا علم؟
پاسخ‌های نقضی و حلی
به شبهه مطرح در بحران کرونا

تمدن غرب در چالش‌های کرونا
چالش‌های معرفتی، هویتی و کارکردی

کارکردهای فردی اخلاق دینی در مواجهه با بیماری‌های فراگیر
با محوریت کرونا

کارکردهای اجتماعی اخلاق دینی در مواجهه با بیماری‌های فراگیر
با محوریت کرونا

عاشورا از فقه و احکام جدا نیست!

کتابشناسی دین و کرونا

تأملاتی در دینداری در روزگار کرونایی
گزیده‌خوانی نقطه نظرات اندیشمندان

با آثاری از

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

دکتر علی نصیری

استاد محمدعلی مجد فقیهی

دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی

دکتر محمدهادی منصوری

دکتر علی رضا کمالی

دکتر ابودرجی

دکتر محمدجواد فلاح

و...



آزمون جهانی کرونا

نتایج تفاوت فرهنگ اسلامی ایرانی و تمدن مادی غرب



۲ استفاده از همه توان نیروهای مسلح

- در زمینه علمی و کشفیات
- در تولید امکانات بهداشتی و درمانی
- در ساخت بیمارستان ها و نقاط گاه ها

۱ فداکاری مجموعه درمانی کشور

- تحمل رنج دوری از خانواده
- به جان خریدن بی خوابی و فشار عصبی
- در خدمت مردم قراردادن جان و سلامت خود

نتیجه گیری

نشانه عمق و رسوخ
فرهنگ اسلامی در
دل مردم ما

به لطف خدا
کرونا را
شکست
می دهیم

۴ مشارکت های مردم



یک شهر

نامزدی که در انتخابات رأی نیاورده ستادش
خدمت مبارزه ی با کرونا سازمان دهی کرد

رزمندگان خط مقدم

- پزشکان
- بخشهای خدمات
- بخشهای تحقیقات
- پرستاران
- به ورزان خانه های بهداشت
- مدیریتهای فعال در این زمینه
- متخصصین علوم
- آزمایشگاهی و رادیولوژی

کشورهای غربی

• اولویت برای بیمارها
قائل شدند که بیمار پیر
را معالجه نکنند!



• آمریکا و چند دولت
اروپایی ماسک و دستکش
دولت دیگر را مصادره کرد



• برای خرید اسلحه
صف کشیدند



• کسانی برای چند
دستمال توالت به
جان هم افتادند



نتیجه گیری

نتیجه ی طبیعی فلسفه ی
حاکم بر تمدن غربی:
فردگرایی، مادی گری و
غالبابی خدایی



• مردم درمدت
کوتاهی، فروشگاه ها را
تخلیه کردند



• بعضی از ترس کرونا
خودکشی کردند!

می، در سخنرانی تلویزیونی مورخ
وس کرونا را یک ابتلا و آزمون عمومی
ست های جهان دانستند و به نمونه
ران و دیگر کشورها اشاره کردند.



۳ کمک رسانی های داوطلبانه

- طلاب جهادی
- دانشجویان جهادی
- هزاران بسیجی پرتلاش
- آحاد مردم



در طرح هر محله یک قربانی، اهل محل گوسفند
قربانی میکنند و به نیازمندان همان محل میدهند.

مادر شهیدی با جمعی از بانوان خانه هاشان را
خیاط خانه کرده اند، ماسک مجانی به مردم میدهند.

بانوانی که برای جبهه نان میبخشند برای
کمک به مهار بیماری فعال شدند.

طلاب قرارگاه تشکیل داده اند و خانه های
مردم را ضد عفونی میکنند.

معتمدین محلی با صاحبان املاک صحبت میکنند
که اجازه نگیرند، پانخفیف و مهلت بدهند.

رئیس حوزه ی علمیه به شکل میدانی
مشغول فعالیت است.

• سبزوار

• یزد

• نهاوند

• خوزستان

• شیراز

• تبریز

می



رادر



صاحب امتیاز: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها
معاونت آموزشی و پژوهشی استادان و دروس معارف اسلامی
مدیر مسئول: نیکزاد عیسی زاده
سر دبیر: سید مجتبی مجاهدیان
معاون سردبیر و مدیر اجرایی: سید مهدی میرمسیب
اعضای هیئت تحریریه: حجج اسلام محمد امراللهی، اکبر فرزادی، دکتر عبدالله حاجی علی، و آقایان دکتر محمدحسین دانش کیا، دکتر محمدجواد فلاح و دکتر علیرضا کمالی
امور رایانه، سایت، عکس، طراح گرافیک و صفحه آرا: حجت شعبانی

مشاوران این شماره:

دکتر حسین ارجینی، عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی
 استاد محمدعلی مجد فقیهی، عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی

نشانی: قم - بلوار امین - بلوار جمهوری اسلامی
 نبش کوچه چهارم، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، نشریه معارف
 صندوق پستی ۳۴۵۶-۳۷۱۸۵
تلفن سردبیر: داخلی ۱۱۴-۳۲۹۱۹۲۱۹-۳۲۹۰۳۵۳۱-۰۲۵
تحریریه: داخلی ۱۱۶-۳۲۹۱۹۲۱۹-۳۲۹۰۳۵۳۱-۰۲۵
امور مشترکین: داخلی ۱۱۵-۳۲۹۱۹۲۱۹-۳۲۹۰۳۵۳۱-۰۲۵
نمابر: ۳۲۹۰۳۵۳۱-۰۲۵

نشانی اینترنتی:
www.maarefimgs.ir

به صورت تمام متن و pdf قابل دریافت است.

آدرس کانال ها در پیام رسان های داخلی سروش و ایتا:
@maarefimgs.ir

رایانامه:
maaref.mag@gmail.com
 پیامک: ۱۰۰۰۲۱۱۰۱

قابل توجه مشترکین و خوانندگان گرامی:

۱. مقالات و مطالب منتشره از سوی معارف لزوماً بیانگر دیدگاه های این نشریه نیست.
۲. معارف از مقالات علمی و پژوهشی در حوزه اندیشه معارف اسلامی استقبال می کند.
۳. معارف در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.
۴. در صورت امکان مقالات و مطالب ارسالی را به همراه فایل حروفچینی شده آن به آدرس پستی و یا به آدرس الکترونیکی نشریه ارسال نمایید.
۵. با توجه به رویکرد نشریه اطلاع رسانی معارف در زمینه تولید علم، لطفاً از ارسال مقالاتی که قبلاً چاپ شده خودداری فرمایید.
۶. محتوای نشریه همزمان با چاپ، در سایت نشریه قابل دسترسی می باشد.
۷. از آنجا که این نشریه با هزینه بیت المال تهیه می شود برای جلوگیری از هدر رفتن آن در صورت تغییر آدرس لطفاً ما را مطلع فرمایید.
۸. اگر از تدریس دروس معارف به کلی منصرف شده اید یا از نشریه استفاده نمی نمایید مراتب را جهت قطع اشتراک به دفتر نشریه اطلاع دهید.
۹. ارسال پیشنهادات، موضوعات، پرسش ها و شبهات معارفی مطرح در دانشگاه ها نقش مؤثری در پربار شدن نشریه معارف دارد.

فهرست

- **توحید محوری در بلایا..... ۱**
تحلیل شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با پدیده کرونا
دکتر محمدهادی منصوری
- **تأملی در «بلا»..... ۴**
از نگاه دین و دنیا
استاد محمدعلی مجد فقیهی
- **نگاهی به پدیده کرونا..... ۹**
با تأمل در آیات و روایات
دکتر علی رضا کمالی
- **کرونا، چالش دین یا علم؟..... ۱۴**
دکتر ابوذر رجبی
- **پاسخ های نقضی و حلّی..... ۱۹**
به شبهه مطرح در بحران کرونا
دکتر علی نصیری
- **تمدن غرب در چالش های کرونا..... ۲۱**
چالش های معرفتی، هویتی و کارکردی
دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی
- **کارکردهای فردی اخلاق دینی در مواجهه با**
بیماری های فراگیر با محوریت کرونا..... ۲۵
دکتر محمد جواد فلاح
- **کارکردهای اجتماعی اخلاق دینی در مواجهه با**
بیماری های فراگیر با محوریت کرونا..... ۲۸
با محوریت کرونا
دکتر محمد جواد فلاح
- **عاشورا از فقه و احکام جدا نیست!..... ۳۱**
آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی
- **کتابشناسی دین و کرونا..... ۳۶**
دکتر ابوذر رجبی
- **تأملاتی بر دینداری در روزگار کرونایی..... ۳۹**
گزیده خوانی نقطه نظرات اندیشمندان

توحید محوری در بلایا

تحلیل شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با پدیده کرونا

دکتر محمد هادی منصوری

عضو هیأت علمی دانشگاه معارف اسلامی

درآمد



این ایام، جهان با پدیده شومی به نام کرونا (کووید ۱۹) مواجه است. ایران نیز از کشورهایی است که دچار این چالش گردیده است. رهبران جهان در مواجهه با آن گفتار و رفتار متفاوت داشته‌اند. در این میان بررسی شیوه مواجهه مقام معظم رهبری بر پایه آموزه‌های اسلامی، از ابعاد گونه‌گون می‌تواند برای جامعه راه‌گشا باشد.

از مجموعه بیانات و رفتارهای معظم له از زمان اعلام رسمی شیوع کرونا در ایران تاکنون می‌توان دانست، شیوه مواجهه ایشان متکی بر شاخصه‌های اسوه حسنه‌ای است که قرآن کریم برای مسلمانان ترسیم و آنان را به تأسی به آن فراخوانده است.

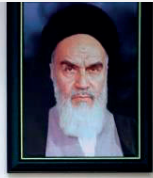
یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم، شیوه اسوه‌سازی و معرفی الگو برای جامعه بشری است. در هندسه آیات قرآن کریم، رهبران الهی همواره الگوهای ممتازی برای بشریت بوده‌اند. از این رو پیامبرانی همچون حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) به عنوان اسوه معرفی شده‌اند. 'خدای سبحان می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ... رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَتَيْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ* رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَافْعَلْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ». بر پایه این آیات علاوه بر حضرت ابراهیم (ع)، پیروان راستین ایشان که در عرصه اعتقاد و رفتار از ایشان تبعیت می‌نمایند، به عنوان «اسوة حسنة» معرفی شده‌اند.

بر اساس آیات یاد شده می‌توان به شاخصه‌های اسوه حسنه همچون «توکل بر خدا، توبه، دعا و معادباوری» دست یافت. اسوه حسنه همواره دارای اطمینان قلب و آرامش درونی است.

محور مشترک همه این شاخصه‌ها که ریشه اصلی و خاستگاه همه خوبی‌هاست، اعتقاد راسخ به توحید خدای سبحان است. بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی کسانی که به عنوان اسوه حسنه برای اهل ایمان معرفی شده‌اند، توحید محوری است که در عرصه نگرش، گرایش و رفتار تأثیرگذار است. یکی از بسترهای مهمی که نقش اسوه در آن بیشتر نمود و بروز دارد و پیروی از اسوه در آن بیش از سایر موارد بایسته است، سختی‌هایی است که در برهه‌هایی از زندگی اجتماعی انسان‌ها در زمینه اعتقادی، اقتصادی، اخلاقی، امنیتی و... پدید می‌آید. از ویژگی‌های بارز مقام معظم رهبری در مواجهه با مشکلات، تأسی به اسوه حسنه است.

توحید محوری، در شیوه مواجهه با کرونا

چنانچه بیان شد توحید محوری، وجه اشتراک همه شاخصه‌های اسوه



حسنة است. بر این پایه، هر آنچه در جهان رخ می‌نماید همه در نظام احسن حضرت حق تحقق می‌یابد و از آن خارج نیست. با این نگاه، در شیوه مواجهه مقام معظم رهبری با کرونا می‌توان به مصادیقی از توحید محوری به شرح ذیل دست یافت:

۱. مصداق ابتلاء دانستن کرونا

مسأله ضروری یکی از مسائلی است که فلاسفه و اندیشمندان درباره آن دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. اینکه کرونا از لحاظ فلسفی جزو ضروری است یا نه بحثی است که در جای دیگری باید تحلیل شود اما بر پایه اعتقادات اسلامی، یک مسلمان همواره خویش را در معرض ابتلائاتی می‌داند که زمینه‌ساز رشد و سعادت ابدی اوست. خدای سبحان بر خیال عافیت طلبی در سایه ایمان لفظی این گونه خط بطلان کشیده است: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ آیا مردم پنداشتند، همین که بگویند: «ایمان آوردیم» رها می‌شوند در حالی که آنان آزمایش نمی‌شوند؟!».۱

کلمه «فتنه» به معنای آزمایش است. یکی از سنت‌های الهی سنت آزمایش است. خدای سبحان در سوره بقره مصادیقی از ابتلاء را بیان فرموده است. مقام معظم رهبری با استناد به این آیه می‌فرماید: «این [بیماری] مصداق آیه شریفه «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بَشْيَءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ» است که هم با خودش خوف می‌آورد و عده‌ای واقعاً می‌ترسند، هم مسئله مشکل اقتصادی را به وجود می‌آورد، هم نقص اموال و انفس و ثمرات را همراه دارد؛ لکن در ادامه می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست و عاقلانه انجام دادن»۲.

چنانکه ابتلائات الهی فرصتی است برای نیل به مقام صابران، پدیده کرونا نیز با همه سختی‌هایی که برای جامعه ایجاد نموده، فرصتی برای قدرتمند شدن و تعالی ملت است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «این [مسأله کرونا] یک آزمون دشوار بود.... غلبه بر دشواری‌ها و عبور از دشواری‌ها با روحیه، این خود موجب قدرتمند شدن یک ملت است. یک ملت با راحت طلبی و رفاه جویی محض نخواهد [توانست] به جایی برسد؛ مواجهه با مشکلات و حفظ روحیه خود در مقابله با مشکلات و غلبه بر مشکلات - که ان شاء الله این غلبه را ملت ایران

کرده است و بعد از این هم خواهد کرد- است که به ملت‌ها اقتدار و اعتبار می‌دهد.^۶

۲. مسبب الاسباب دانستن خدا در مواجهه با کرونا

یکی از مصادیق توحید محوری در مواجهه با کرونا این است که انسان مؤمن، در همه امور خدا را مسبب الاسباب می‌داند و نتیجه و اثر به کارگیری اسباب را در پرتو عنایات حضرت حق معنا می‌نماید. از آنجا که در عصر کنونی پیشرفت‌های خوب و قابل توجهی در علوم پزشکی و مسائل بهداشتی در جهان رخ نموده است اما همراه از آفت‌های چنین پیشرفت‌هایی، فراموش نمودن نقش خدای سبحان در پدیداری آنهاست.

مقام معظم رهبری در پندی حکیمانه، با اشاره به این مهم فرموده‌اند: «همه ابزارهای عالم وسایل الهی هستند. او مسبب الاسباب است؛ با این اسباب باید کار کنیم، از این اسباب استفاده کنیم، اما نتیجه و اثر را از خدای متعال بخواهیم».^۷ این مهم برخاسته از تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) است؛ چنانکه امام سجاد (علیه‌السلام) خدا را چنین معرفی فرموده است: «ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ وَ تَسَبَّيْتُ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَتْ عَلَى إِزَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتِمِرَةٌ وَ بِإِزَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ. أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهْمَاتِ وَ أَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمَلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَ لَا يَنْكُشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ»؛ دشواری‌ها در برابر قدرتت آسان گردد و وسایل زندگی و اسباب حیات، به لطف فراهم آید و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد؛ و همه چیز بر اساس اراده‌ات می‌گذرد پس همه موجودات به خواست تو بی آن که فرمان کلامی دهی، فرمان برند و به اراده‌ات، بی آن که با گفتار نهی کنی از کار باز ایستند. تنها تو را در دشواری‌ها می‌خوانند و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی. بلاهای سخت و دشوار از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی و از گره‌های رنج‌آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی.

۳. باور به ضعف انسان در برابر خدا

نوع نگاه توحید محور چنین است که در مواجهه با مشکلاتی نظیر کرونا واقعیت‌نگر است و عقلانیتی که اسلام به آن دعوت نموده و از مواهب الهی برای زندگی فردی و اجتماعی برشمرده است را در شناخت مشکلات به کار می‌گیرد. بر این اساس مقام معظم رهبری با نگاه واقعی به مسئله کرونا تأکید دارند که مسئله کرونا را نباید کوچک شمرد؛ و نه آنکه دچار بزرگ انگاری گردید که در این صورت عامل ایجاد یأس و ناامیدی است. اما از دیگر سو پدیده کرونا می‌تواند اوج ضعف انسان در برابر خدای سبحان را نشان دهد.

این حوادث انسان را متوجه ضعف‌های خودش می‌کند؛ چه ضعف‌های طبیعی خودمان، که انسان بداند جای مغرور شدن نیست. ما همه ضعیف هستیم، آسیب‌پذیر هستیم، و چه ضعف‌هایی که در مواجهه با حوادث، انسان به طور قهری دچار آن می‌شود... ضعف‌های خودمان را بشناسیم؛ انسان از غرور و غفلت خارج بشود، متوجه خدا گردد.

۴. صبوری اندیشمندانه

یکی دیگر از مصادیق توحید محوری در مواجهه با کرونا توجه به دستور

حضرت حق در برابر ابتلائات دنیایی است. بر پایه آیاتی، پیامبر مأمور به بشارت دهی به صابرائی است که در ابتلائات صبوری می‌ورزند.

در هندسه آیات قرآنی، شرور یکی از عوامل جزع و فزع انسان آزمند است «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا»؛ در حقیقت انسان آزمند و کم طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند.

اما در مقابل صابران کسانی هستند که همه چیز را از آن خدا می‌دانند. از این رو پس از ابتلاء به «نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ» و هنگام مصیبت می‌گویند «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۸. مراد از گفتن (إِنَّا لِلَّهِ)، صرف تلفظ به این الفاظ و بدون توجه به معنای آن نیست و حتی با گفتن و صرف توجه به معنا هم نیست بلکه باید به حقیقت معنایش ایمان داشت؛ به اینکه آدمی مملوک خداست و مالکیت خدا به حقیقت ملک است و این که دوباره بازگشتش به سوی مالکش می‌باشد. اینجاست که بهترین صبر تحقق پیدا می‌کند، صبری که ریشه و منشا هر جزع و تأسفی را در دل می‌سوزاند و قطع می‌کند، و چرک غفلت را از صفحه دل می‌شوید.^۹

مقام معظم رهبری با استناد به بشارتی که خدای سبحان به صابران می‌دهد چگونگی صبر در مقابل پدیده کرونا را اینگونه بیان فرموده است: «خداوند می‌فرماید: «وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست و عاقلانه انجام دادن»^{۱۰}.

در این صورت است که صابران لیاقت رحمت خاص الهی را می‌یابند و خدای سبحان بر ایشان صلوات می‌فرستد: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ»^{۱۱}.

۵. تجلی تعاون اسلامی در جامعه

از مصادیق توحید محوری بروز روحیه ایثار و فداکاری در مواجهه با مسئله کروناست. جامعه اسلامی بر پایه اعتقادات و تعالیم رهبران الهی همراه در تحقق تعاونی که اسلام به آن سفارش کرده، کوشاست. مقام معظم رهبری تجلی تعاون اسلامی در مواجهه با کرونا را تبدیل کردن تهدید کرونا به فرصت دانسته و از آن به عنوان رزمایشی عمومی یاد کرده و در این باره فرمودند: تجربیاتی که ما در این زمینه به دست می‌آوریم و فعالیتی که مردم و دستگاه‌ها می‌کنند و در واقع یک رزمایش عمومی در این زمینه انجام می‌گیرد، این می‌تواند یک دستاورد باشد. اگر این دستاوردها را داشته باشیم، بلا برای ما تبدیل به نعمت و تهدید تبدیل به فرصت می‌شود؛ که خوشبختانه شنیدم در مردم هم از این قبیل همکاری‌ها و محبت‌ها زیاد هست. فرض بفرمایید که دکان دار بیرون دکانش در خیابان، شیر آب و وسایل شوینده گذاشته که رهگذرها اگر مایلند بیایند آنجا دست خود را صابون بزنند - من باب مثال - خب این‌ها خیلی با اهمیت است. یا فلان پرستار، عروسی خودش را عقب انداخته برای این که بتواند به این کار برسد؛ یا بعضی‌ها کمک‌های مالی مثلاً در مجموع می‌کنند؛ این‌ها بسیار کارهای خوبی است. این در واقع یک رزمایش عمومی مردمی و دستگاه‌های ذی ربط است»^{۱۲}.

از نشانه‌های تعاون اسلامی بروز فداکاری‌های چشمگیر مردمی است. مقام معظم رهبری با اشاره به این مهم فرموده است: «در قضیه این بیماری اخیر، [یعنی] کرونا، فداکاری‌ها به قدری چشمگیر بود که افرادی را که خارج از این

کشور هم هستند به تحسین وادار کرد؛ در درجه اول مجموعه‌های درمانی؛ پزشکان، پرستاران، بهیاران، مدیران، کارکنان حول و حوش بیمارستان‌ها. در کنار این‌ها مجموعه‌های مردمی داوطلب، دانشجویان، طلاب، بسیجی‌ها و عناصر گوناگون که رفتند در خدمت درمان و پرستاری از این بیماران قرار گرفتند، به یاری درمان‌کنندگان رفتند؛ همه این‌ها مایه عزت و آبرو است. مجموعه‌های پشتیبانی، کسانی که کارخانه‌های خود، حتی بعضی خانه‌های خودشان را در اختیار تولید وسایل و امکانات مورد نیاز مثل دستکش یا ماسک و از این قبیل برای بیماران یا برای عامه و آحاد مردم قرار دادند. مجموعه‌های خدماتی، مثل کسانی که رفتند درون خیابان‌ها برای ضدعفونی کردن خیابان یا حتی نقاطی که مردم به آن‌ها مراجعه می‌کنند. یا مجموعه‌هایی مثل جوان‌هایی که تصمیم گرفتند به افراد مسن کمک کنند، در خانه‌های آن‌ها بروند، خریدهای آن‌ها را انجام بدهند. یا آن‌هایی که اجناسی را تهیه کردند و مجانی به مردم دادند؛ دستکش مجانی، ماسک مجانی. بعضی به کسبه مشکل‌دار کمک کردند؛ اجاره نگرفتند، طلبکاری‌های خودشان را به تأخیر انداختند و از این قبیل خدماتی که انجام گرفت. این‌ها آن زیبایی‌هایی است که در خلال حوادث سخت خودش را نشان می‌دهد؛ ملت ایران، فضایل خودش را در این مجموعه‌ها و این کارهایی که من به اندکی از آن‌ها اشاره کردم نشان داد. من قلباً و صمیمانه از همه کسانی که اشاره کرده و نام بردم تشکر می‌کنم و مژده می‌دهم که پاداش الهی در انتظار آن‌هاست؛ چه پاداش دنیوی و چه اخروی^۱.

۶. فقط از خدا کمک خواستن

از مصادیق توحید محوری در مواجهه با مشکلات، کمک خواستن از خدای سبحان است. بر همین اساس از سفارشات مقام معظم رهبری در مسأله کرونا توجه خالصانه به درگاه الهی و تضرع و دعا است. ایشان در این باره تأکید دارند که فقط به در خانه خدا باید رفت؛ در خانه «دیگری» برویم، ناامید بر می‌گردیم؛ دست به طرف «دیگری» غیر از خدا دراز نکنیم، دستان تهی برخواهد گشت^۲. ایشان در جایی دیگر با استناد به آیات قرآنی به مسأله دعا و توجه به درگاه الهی اشاره نموده و می‌فرماید: «توسلات و توجهات به پروردگار و درخواست کمک الهی امر لازمی است و قرآن کریم به ما دستور می‌دهد: «قُلْ مَا يَعْبُودُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؟» در جای دیگری: «وَ أَنْيُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ؟» در جای دیگر: «وَ

اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً؟» موارد متعددی که ما را دستور می‌دهند در مقابل حوادث گوناگون دست توشل به سوی خدای متعال دراز کنیم^۳. بر همین اساس مقام معظم رهبری به خواندن ادعیه‌ای نظیر دعای هفتم صحیفه سجادیه که از دعا‌های امام سجاد علیه السلام در حوادث غم‌انگیز یا پیش‌آمدهای ناگوار است سفارش فرموده است.

انسان با دقت در مفاهیم والای چنین ادعیه‌ای می‌تواند توحید محوری را در زندگی خویش تقویت سازد. در فرهنگ امام سجاد علیه السلام است که می‌آموزیم خدای را چگونه بخوانیم و بگوییم: «أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهَمَّاتِ وَ أَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُلَمَّاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَهُ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ» تنها تو را در دشواری‌ها می‌خوانند و در بلاهای سخت و دشوار، تنها تو پناهگاهی. بلاهای سخت و دشوار



از انسان دور نمی‌شود، مگر آنچه را که تو دور کنی و از گره‌های رنج‌آور، چیزی گشوده نمی‌شود، مگر آنچه را تو بگشایی^۴.

در چنین مکتبی است که انسان فقط از خدا طلب یاری می‌کند و خدای را چنین می‌خواند: «وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ يَطْوِلُكَوْ اَكْبِرُ عَنِّي سُلْطَانُ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَ اَنْلِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ وَ اَذِقْنِي خِلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا

سَأَلْتُ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجاً هَيِّئاً وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَ حَيّاً» پس بر محمد و آلش درود فرست، ای پروردگارم! به توان و توانایی‌ات در گشایش و فرج را به روی من باز کن و به چاره‌سازی‌ات، تسلط غم و اندوه را از من بشکن و مرا در موردی که از آن شکایت دارم به تأمل و تدبیر نیک برسان؛ و در آنچه از تو درخواست می‌کنم، شیرینی اجابت را بچشان و از جانب خودت، رحمت و گشایشی گوارا به من ببخش و برای من از نزد خود، راه نجاتی سریع قرار بده^۵.

پی‌نوشت‌ها:

۱۲. طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۳۵۳.
۱۳. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۹۹/۰۱/۳.
۱۴. بقره: ۱۵۷.
۱۵. بیانات پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری ۹۸/۱۲/۱۳.
۱۶. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ شمسی.
۱۷. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ شمسی.
۱۸. فرقان: ۷۷.
۱۹. زمر: ۵۴.
۲۰. اعراف: ۲۰۶.
۲۱. بیانات پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری ۹۸/۱۲/۱۳.
۲۲. صحیفه سجادیه، دعای هفتم.
۲۳. همان.

۱. مجادله: ۴.
۲. ممتحنه: ۶.
۳. عنکبوت: ۲.
۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۹۹.
۵. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۹۹/۰۱/۱.
۶. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹.
۷. همان.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۳۷۱>

۸. صحیفه سجادیه، دعای هفتم.
۹. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ شمسی.
۱۰. معارج: ۲۰ و ۱۹.
۱۱. بقره: ۱۵۶.

تأملی در «بلا»

از نگاه دین و دنیا



استاد محمدعلی مجد فقیهی

عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی

درآمد

وقتی زندگی آرام یا آرامشی زندگی با طوفان حوادث ناگوار و بلایا متلاطم می‌شود، بشر با دوگونه سؤال ذهنی مواجه می‌شود:

۱. بلاست: چرا دنیا پر از رنج و بلا است؟

۲. چگونگی برون رفت از این بلاها: چه کنیم تا گرفتار بلاها نشویم؟ اگر گرفتار شدیم چگونه از آن‌ها و آثار ناخوشایندشان رهایی یابیم تا بلا در درون ما تأثیر مخرب و منفی نداشته باشد؟

اگر فلسفه زندگی را بدانیم پاسخ بسیاری سؤالات برای ما روشن خواهد شد. ما برای چه به دنیا آمده‌ایم؟ به دنیا آمدیم تا خوب باشیم یا خوش؟ خدا در قرآن می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا امتحانمان کند کدامین ما عملمان را نیکوتر و زیباتر انجام می‌دهیم. پس فلسفه زندگی، خوب شدن است نه خوش بودن! طبیعتاً وقتی از این زاویه نگاه کنیم تحلیل خوبی هم در مورد ابتلائات دنیا می‌توانیم داشته باشیم. اگر مبنای ما این باشد که در دنیا خوش باشیم در نتیجه از مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها غافل می‌شویم. کسانی که در پی خوش‌گذرانی در دنیا هستند و لذت‌گرایی آرزویشان است شکار لذت می‌شوند؛ لذا آرامش باطنی و اطمینان یک مؤمن را ندارد و فرصت عمر را هدر داده و به رنجی ابدی خود را گرفتار می‌کنند. ولی با خوب بودن انسان در درونش نهایت خوشی را دارد، در دنیا احساس آرامش دارد و در آخرت نیز به

خوشی و خوبی جاودانه می‌شود؛ چون خداوند در قرآن

می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند (یعنی خوب بودند)... نه ترسی بر آن‌هاست و نه اندوهی در آن‌ها ادامه پیدا می‌کند. این چیزی است که هیچ دانشی از دانش‌های بشری نمی‌تواند این اثر را بر انسان ایجاد کند. تنها فرمول رسیدن به مقام لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، ایمان و عمل صالح است. در واقع انسان‌هایی که به سوی خوب شدن حرکت می‌کنند در نهایت آرامش هستند.

امام هادی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَ الْآخِرَةَ دَارَ غُفْبَى وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِقَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَباً وَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضاً! خدا دنیا را سرای بلوا و آخرت را سرای عقبا قرار داده و این ابتلائات دنیا سبب پاداش اخروی است و پاداش اخروی عوض و اجر این بلاهای دنیاست. پس حکمت این ابتلائات این است که زمینه‌ساز دستیابی انسان به پاداشی ابدی است، رنجی کوتاه برای رسیدن به لذت و آسایش و آرامشی ابدی! امام علی علیه السلام در مورد متقین می‌فرماید: «صَبَرُوا آيَاماً قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً» ایام کوتاهی را صبر کردند و پیامدش این شد که راحتی و آسایش طولانی سراغ آن‌ها آمد.

امام علی علیه السلام در صفات متقین می‌فرماید: «نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّتِي نَزَلَتْ فِي الرَّخَاءِ» یعنی در شرایط ناخوشایند

الصَّابِرِينَ». ما حتماً شما را با ترس و گرسنگی و فقر و کاهش مال و کاهش نفس، مثلاً جوانی تبدیل به پیری شود یا مصیبتی بیاید یا به عزیزان انسان مصیبت یا بیماری وارد شود، امتحان می‌کنیم. در آخر می‌فرماید، «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»، بشارت باد بر کسانی که بر این بلاها صبر می‌کنند. در این آیه واکنش ما در برابر بلاهای عام را تعبیر به صبر می‌کند.

دوم بلاهای خاص: بلاهایی است که بر اهل ایمان وارد می‌شود؛ «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» آیا مردم گمان می‌کنند همین که بگویند ایمان آوردیم رها می‌شوند و آن‌ها را آزمایش نمی‌کنیم؟ (اینگونه نیست) ما قبلی‌ها را هم امتحان کردیم، آن‌ها را به بلا گرفتار کردیم برای این که بفهمیم چه کسانی صادق، و چه کسانی کاذبند. این بلا و ابتلای خاصی است، چون قبلی‌ها را هم بیان می‌کند، و آن ابتلای امت اسلامی است به این که باید در برابر امر الهی تسلیم شوند و بیان است از اینکه پس از پیامبر دچار ارتداد نشوند و از امام به حق او جدا نگردند. در بلاهای عام صابر بودن و در بلای خاص صادق بودن مورد سنجش قرار می‌گیرد.

نعمت هم نوعی بلاست

همانگونه که خوشی‌ها که در ظاهر لذت و آرامش هستند در باطنشان چه قرار دارد؟ این را انسان باید تحلیل کند. نعمت‌ها هم نوعی بلا و ابتلاست اما چون سطح ظاهر نعمت بسیار خوش و همراه با آرامش و آسایش هست فرد این را درک نمی‌کند که بلاست. اما خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُؤْتُهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَمَنِّينَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ» گمان نکنید کسانی که به آن‌ها ثروت و فرزند دادیم (در آن‌ها توسعه ایجاد می‌کنیم) خیرات به آن‌ها سرازیر می‌کنیم. اینگونه نیست، آن‌ها باید در نعمت هم توجه کنند که در حال آزمون هستند. در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِغْوَىٰ. أَن رَّاهُ اسْتَعْصَمَ». خیلی‌ها در نعمت دچار طغیان و سرکشی، دچار حرص و بخل و بسیاری از امور هلاک کننده می‌شوند. شهوت و قدرت و ثروت که در دید بعضی سه نعمت دنیایی هستند، بستری برای ابتلا هستند لذا از این‌ها هم صفات رذیله و هم صفات فضیلت و ارزشمند می‌جوشد و تابع این است که من با این‌ها چگونه برخورد می‌کنم.

بلاها در درون خودشان نعمت هستند. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَفِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا». هیچ بلیه‌ای نیست مگر اینکه در آن نعمتی وجود دارد.



همانگونه هستند که در شرایط خوشایند بودند. در طوفان بلاها دارای وقارند؛ یعنی عقاید و حالات و احساسات و رفتارشان متزلزل نمی‌شود. هم در آسایش شاکرند و هم در میانه بلاها صبر را با شکر می‌آمیزند، هر دو حالت و وضعیت را تبدیل به بهترین فرصت‌ها برای آخرت خودشان می‌کنند و در عین حال در آرامش کامل به سر می‌برند. علم‌گرایی و عقل‌گرایی و معنویت‌گرایی و خیرگرایی آن‌ها در شرایط بلا متوقف نمی‌شود. اگر انسان بلا و آسایش را از ناحیه خدا ببیند در هیچ شرایطی متزلزل نمی‌شود.

دنیا جایگاه بلا

زندگی دنیا همانگونه که در تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «دَاوُۥ بِالْبَلَاءِ مَخْفُوفَةٌ وَبِالْقَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَلَا يَسْلُمُ نَزَالُهَا». دنیا سربازی پر از بلا و بلاخیز است و به غدر و نیرنگ معروف و شناخته شده است. احوالش دوام ندارد (حال خوش و ناخوش آن دوام ندارد) و کسانی که در دنیا زندگی می‌کنند، از این دگرگونی‌ها در امان نیستند. روزی جوان هستند قطعاً پیر خواهند شد، سالم هستند بیماری سراغشان می‌آید. روزی باید از دلبستگی‌ها دل بکنند.

گونه‌های بلا

بلاهایی که در این دنیا وجود دارد به دو دسته قابل تقسیم است:

اول بلاهای عام: که برای همه انسان‌ها وجود دارد و هیچ انسانی نمی‌تواند در معرض آن‌ها قرار نگیرد؛ «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ

اسرار بلا در دنیا

اولین نکته: دنیا مضطرب قرار داده شده است، تا انسان به این دنیا دل نبندد. اگر انسان موقعیت‌های دنیایی دارد، ثروت و قدرت و زیبایی و... دارد، با داشتن تمام این‌ها، نباید اسیرشان شود بلکه باید امیرشان باشد و به این‌ها دل نبندد!

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَجَبٌ لِمَنْ يَرَى الدُّنْيَا وَ تَصَرَّفَ أَهْلِهَا خَالًا بَعْدَ خَالٍ كَيْفَ يَظْمَنُ إِلَيْهَا» عجب دارم از کسی که دنیا و دگرگونی مردم دنیا را مشاهده می‌کند چگونه به دنیا دل می‌بندد و می‌خواهد آرامش خاطر به دست بیاورد! انسان باید به خدا دل ببندد و با او به آرامش برسد. خدا در قرآن می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» تجار و مجرور مقدم شده که افاده حصر می‌کند، یعنی فقط یاد خدا دل‌ها را آرام می‌کند. هیچ چیزی در عالم به انسان آرامش نمی‌دهد، چون موقت هست و دوام ندارد و

غفلت‌زدایی دارد. زرق و برق دنیا انسان‌ها را از مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها و از پدیده قطعی مرگ غافل می‌کند؛ این بلاها به انسان این هشدار را می‌دهد که به مرگ توجه کند. این بلاها فرد را در آستانه این خطر قرار می‌دهد که می‌خواهند موقعیت‌های خوب زندگی را از او بگیرند و فرد در رنجی قرار بگیرد که گاه ممکن است به مرگ منتهی شود. قرار گرفتن انسان در آستانه این رنج‌ها باعث می‌شود جدی‌تر به پدیده مرگ فکر کند.

حضرت علی علیه السلام مثلثی را ترسیم می‌کند: اَمَل (آرزو)، عَمَل (عمل و اَجَل (مدت عمر). اگر فرد به اَجَل (زمان پایانی عمر انسان) نگاه کند یعنی به محدودیت عمرش توجه کند دو اتفاق خوب برایش می‌افتد: اول این‌که آرزوهای خودش را مدیریت می‌کند؛ یعنی در این فرصت محدود باید چه آرزوهایی را در سرپروانم تا برابیم مفید و ماندگار و قابل دسترس باشند! اتفاق دوم این است که تلاش می‌کند عمل صالح انجام دهد. با این درک از محدود بودن عمر و این‌که جاودانه نیست، عمرش را فرصت‌گاه می‌بیند نه تفرج‌گاه، دنیا را دار تکلیف می‌بیند نه دار تفریح؛ در نتیجه خیرگرا و از شر گریزان می‌شود. توجه به بلا و محدودیت دنیا ممکن است در مسیر زندگی ما تغییر ایجاد کند.

سومین نکته: این است که در بلاها انس انسان با خدا بیشتر و خداشناسی او قوی‌تر می‌شود. در بلاها به انسان فهمانده می‌شود که چقدر عاجز است و قدرت قاهره الهی را در بلاها متوجه خواهد شد. بلاها زمینه‌ساز است که انسان به خودش توجه کرده و خودسازی کند و متوجه خدای خودش شود و بداند که تمام آنچه در دنیا در جریان است گذراست و به آن‌ها دل نبندد. خدا در عین حال که دارای صفات جمال است، صفات جلال هم دارد. در این بلاها انسان متوجه قدرت قاهر خدا و عجز خودش می‌شود. انسان موجودی است که وقتی در موقعیت نعمت قرار می‌گیرد متکبر می‌شود، احساس استغنا و بی‌نیازی و طغیان می‌کند تا جایی که خودش را خدا تصور می‌کند؛ «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»^{۱۴} با بلاها و امواج طوفانی انسان متوجه می‌شود که چقدر عاجز است و در برابر خدا فقر محض است لذا زمینه پناه بردن به خداوند برای او فراهم می‌شود و می‌فهمد قدرت، قدرت الهی است و برای خودش قدرتی در برابر خدا قائل نمی‌شود.

امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «وَإِذَا أَخَذْتَ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَهْبَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانْظُرْ إِلَى عَظَمِ مُلْكِ اللَّهِ»^{۱۵} اگر این مقامی که داری در تو عظمت یا خودبینی و غروری ایجاد کرد به عظمت ملک الهی در بالای سرت توجه کن! عظمت

حضرت علی علیه السلام مثلثی را ترسیم می‌کند؛ اَمَل (آرزو)، عَمَل (مدت عمر). اگر فرد به اَجَل (زمان پایانی عمر انسان) نگاه کند یعنی به محدودیت عمرش توجه نماید دو اتفاق خوب برایش می‌افتد: اول این‌که آرزوهایش را مدیریت می‌کند، دوم این‌که تلاش می‌کند عمل صالح انجام دهد. با این درک از محدود بودن عمر و این‌که جاودانه نیست، عمرش را فرصت‌گاه می‌بیند نه تفرج‌گاه، دنیا را دار تکلیف می‌بیند نه دار تفریح؛ در نتیجه خیرگرا و از شر گریزان می‌شود. توجه به بلا و محدودیت دنیا ممکن است در مسیر زندگی ما تغییر ایجاد کند.

همه این‌ها روزی از انسان گرفته خواهد شد. اگر انسان در دام لذت‌های دنیا بیفتد اسیر می‌شود در نتیجه رنج‌ها و بلاها می‌آید که انسان در این دنیا بسیار آزار ببیند و به دنیا دل نبندد و دنیا را مایه آرامش نداند بلکه تنها خدا را مایه آرامش خودش بداند.

دومین نکته: دنیا محدود است، ولی انسان از این محدودیت زمانی غافل و احساس جاودانگی در دنیا می‌کند؛ و بلا نقش

خود خدا که برای ما قابل فهم نیست، پس عظمت هستی را بنگر، عقل رفته تو باز خواهد گشت! انسان وقتی توجه کند و بداند قدرت دست خداست و عظمت مال خداست، خودش را در پیشگاه خدا کوچک می بیند. این بلاها برای انسان درس توحید می آورد و انسان را با خدای خویش آشناتر و نزدیک تر می کند و انس بیشتری به او نسبت به خدا می دهد.

راه برون رفت از بلا و آثار مخرب آن

سؤال دوم این بود که چگونه از بلا و آثار مخرب آن نجات یابیم؟ قرآن می فرماید: «أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرُّعُونَ»^۱ ما اهل آن قریه را به حالت های ناراحت کننده و رنج آوری می گیریم شاید تضرع کنند؛ یعنی به دامن خدا برگردند. یکی از مطالبی که در بلاها و سختی ها انسان ها متوجه آن می شوند، دعا و روی آوردی به سوی خداست؛ به مخصوص جایی که همه سبب ها قطع می شود و هیچ چیزی نمی تواند پاسخ دهد، مثلاً دارویی برای فلان بیماری وجود ندارد!

یکی از نعمت هایی که در درون این بلاهاست، نعمت ارتباط با خداست. اگر نگاه توحیدی برای انسان پدید بیاید و دست به دعا ببرد و با خدا انس پیدا کند، می بیند که خداوند انس از هر وحشتی است.

نگاه به دعا در این شرایط دوگونه است؛ گاهی نگاه طریقی به دعاست، گاهی نگاه موضوعیتی. طریقت یعنی افرادی که دچار بلا شده اند باید دعا کنند که بلا از بین برود. امام علی علیه السلام می فرماید: «وَإِيمُ اللَّهِ مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَصٍّ نِعْمَةٍ مِنْ غَيْشٍ فَرَّالٍ عَنْهُمْ إِلَّا يَدْتُوِبُ اجْتَرَحُوهَا لَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزَلُ بِهِمُ الْيَقْمُ وَ تَزُولُ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَرَعُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصَدَقٍ مِنْ نِيَاتِهِمْ وَ وَلَّيَ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَ أَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ»^۲ به خدا سوگند که هیچ قومی در نعمت گوارا و تازه ای از زندگی دنیا نبودند که آن نعمت از آن ها زائل شد، مگر این که علت زوال نعمت گناهی بوده است که انجام داده اند، چون خداوند به شده به پروردگار فرع کنند، به دامن خدا پناه ببرند، به شرط این که با صدق نیت و با شوق و محبت قلبی به درگاه خدا بروند، هر نعمتی برمی گردد و هر فاسدی اصلاح خواهد شد.

نقش دعا این است که خداوند یا از طریق اسباب، سببی را فراهم می کند، تا بلا را دفع کند، مثلاً دانشمندی پیدا شود و دارو را کشف کند و این بیماری مرتفع شود یا به طریق معجزه آسایی خدا بلا را برطرف می سازد. این نقش طریقی دعاست. پس در زمان بلا انسان باید به خدا پناه ببرد و تنها نجات بخش همین است. البته

در یکی از دعاها امام سجاد علیه السلام می فرماید: «خدایا مرا از کسانی قرار نده که در بلا و مصیبت و اضطراب به تو روی می آورند و دعا می کنند»^۳ یعنی انسان باید در همه حال اهل دعا و ارتباط با خدا باشد. در روایات داریم که «به وسیله امام عصر علیه السلام بلا از زمین برطرف می شود»^۴. پس ما باید رابطه مان با امام عصر علیه السلام را تقویت کنیم.

نگاه موضوعیتی؛ دعا کردن یک نوع آرامش است و کسانی که در بلا گرفتارند علاوه بر رنجی که بر آن ها وارد می شود دچار اضطراب و ترس هم می شوند. چیزی نمی تواند این ها را آرامش دهد جز دعا و ارتباط با خدا. پس دعا در این شرایط نقش آرام بخش

نگاه به دعا در این شرایط دوگونه است؛ گاهی نگاه طریقی به دعاست، گاهی نگاه موضوعیتی. طریقت یعنی افرادی که دچار بلا شده اند باید دعا کنند که بلا از بین برود. نگاه موضوعیتی به دعا این است که دعا یک نوع آرامش است و کسانی که در بلا گرفتارند علاوه بر رنجی که بر آن ها وارد می شود دچار اضطراب و ترس هم می شوند. چیزی نمی تواند این ها را آرامش دهد جز دعا و ارتباط با خدا. پس دعا در این شرایط نقش آرام بخش برای این ها دارد. نقش دعا این است که خداوند یا از طریق اسباب، سببی را فراهم می کند، تا بلا را دفع کند، مثلاً دانشمندی پیدا شود و دارو را کشف کند و این بیماری مرتفع شود یا به طریق معجزه آسایی خدا بلا را برطرف می سازد. این نقش طریقی دعاست.

برای این ها دارد. قلب انسان در دنیا مشغول است وقتی بلا می آید از دنیا انصراف پیدا می کند و متوجه خدا می شود و طعم انس با خدا را می چشد. اینجا خود دعا و همین که انسان با خدا ارتباط برقرار کند برای وی مضوعیت پیدا می کند.

پنجمین نکته: بلاهایی که در بیرون سراغ انسان می آید نوعی آیه هست؛ همه عالم هستی آیه و نشانه است. آیه بودن یعنی یک پیامی دارد. بلاها پیامی برای ما دارند و حکایت از نکته ای می کنند. دو نوع بلا داریم که یکی از آن ها خطرناک تر از دیگری است؛ بلای درونی انسان از بلای بیرونی خطرناک تر و بلای اخروی از بلای دنیوی خطرناک تر است. وقتی یک ویروس تن ما را مورد

هجمه قرار می‌دهد، یا یک دشمن تن ما را مورد هجمه قرار می‌دهد ولی به جان ما نمی‌تواند آسیبی بزند. در این بلا تن ما در معرض خطر است که ما می‌لرزیم و می‌ترسیم و می‌خواهیم به هر نحوی این بلا را از خودمان دفع کنیم. اسم این بلاهای بیرونی و دنیایی، «طَوَارِقُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ» است. طوارق جمع طارق، یعنی کوبنده‌های شب و روز. این حوادث سخت و کوبنده شب و روز است. اما توجه کنیم که یک سری ویروس‌ها و بلاهای درونی داریم که کوبنده حقیقت انسانی است و وجود انسان را نابود می‌کند؛ مثل شک، شرک، کبر و عجب. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ الْبَلَاءِ الْفَاقَهُ وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْقَلْبِ» «همانا یکی از بلاها فقر است و سخت‌تر از بلای فقر بیماری بدن است (چون فرد وقتی بیمار شد حاضر است تمام اموالش را بدهد تا سالم شود، پس بلای مریضی بدتر از بلای بی‌پولی است) اما از این‌ها شدیدتر و سخت‌تر بیماری قلب است. بیماری است که رذایل اخلاقی را در وجود انسان پیاده می‌کند. حضرت امیر علیه السلام تعبیر عجیبی دارد که می‌فرماید: «إِسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِعِ الْكِبَرِ كَمَا تَسْتَعِيدُونَ مِنَ طَوَارِقِ الدَّهْرِ» «همان‌گونه که از کوبنده‌های روزگار و طوارق و بلاهای روزگار (مثل بیماری و زلزله و سیل و...) که بلاهای دنیایی و بیرونی هستند) به خدا پناه می‌برید، از تولیدات تکبر (بلاهای درونی) هم به خدا پناه ببرید. این بلا خطرناک‌تر است. فقیر ممکن است یک‌روزه غنی شود، بیمار ممکن است خوب شود؛ اما بخیل به این راحتی کریم نمی‌شود، بد خلق به راحتی خوش خلق نمی‌شود! ما هیچ‌گاه در دعاها و تضرعاتمان چنین

حسی نسبت به بلاهای درونی خودمان نداریم؛ این که از این بلاهای درونی به خدا پناه ببریم و از خدا بخواهیم که این‌ها را برطرف کند و بلای بزرگ‌تر که بلای آخرتی است. در دعای کمیل آمده است: «عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُهُ يَسِيرٌ بَقَائُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ إِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ ... وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَ يَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ»، بلای دنیا می‌گذرد و سختی آن کوتاه است اما بلای آخرت دوام‌دار و طولانی است.



بلاهای بیرونی و دنیایی به ما توجه می‌دهد که به بلاهای گریز ناپذیر و ماندگار و درونی و اخروی توجه کنیم. پس یکی از پیام‌ها و حکایت‌های بلاها و رنج‌های دنیا این هست که انسان طعم رنج را بچشد و از رنج‌های دائمی و درونی که خطرناک‌ترند به خدا پناه ببرد و از آن‌ها بگریزد.

پی‌نوشت‌ها:

۱۲. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۸.
۱۳. رعد: ۲۸.
۱۴. نازعات: ۲۴.
۱۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۱۶. اعراف: ۹۴.
۱۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.
۱۸. صحیفه سجاده، دعای ۲۱.
۱۹. «بِهِ يَذْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ». بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴.
۲۰. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۱.
۲۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۱. ملک: ۲.
۲. بقره: ۲۷۷.
۳. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۶۵، ح ۱.
۴. نهج البلاغه خطبه همام.
۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.
۶. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶.
۷. بقره: ۱۵۵.
۸. عنکبوت: ۳ و ۲.
۹. مؤمنون: ۵۵ و ۵۶.
۱۰. علق: ۶ و ۷.
۱۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴.



نگاهی به پدیده کرونا

با تأمل در آیات و روایات

دکتر علی رضا کمالی

مدیر گروه پژوهشی معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی

درآمد

دنیا در پایان قرن چهارده شمسى شاهد تحولی عظیم است و ویروسی به ظاهر بسیار کوچک و بی مقدار به شدت اوضاع جهان را تکان می دهد. ویروس کوئید ۱۹ که به کرونا مشهور گشت، کمتر از یک سال است که تمام نقاط کره خاکی را در نوردیده و افزون بر تلفات انسانی، خسارات بی شماری را در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پدید آورده است. تاریخ تاکنون چنین اپیدمی که به سرعت قابل انتقال باشد و

میزان خسارات آن چنین فزاینده باشد، به خود ندیده است.

کرونا، آزمونی عمومی

خدای متعال، حکیم است و جهان هستی را بر پایه حکمت آفریده است. همچنین خدای متعال قدرت، اختیار و اراده را در وجود انسان نهاده و مصائب و سختی ها را لازمه نظام احسن قرار داده و جهان بدون سختی ها، مشکلات و امتحان ها مکانی مناسب برای تکامل برآمده از اختیار و اراده نیست. از این رو ابتلاءها و مصائب بر اساس حکمت است و

جوهر کمال انسان در مسیر این بلاها و سختی ها شکوفا می شود.

سلامتی، بیماری، فقر و رفاه از جمله ابتلائاتی است که هر انسانی با آن مواجه می شود؛ حتی انبیاء، امامان و اولیای الهی نیز از این قاعده و سنت الهی مستثنا نیستند. فقر و بیماری حضرت ایوب علیه السلام، غم و اندوه حضرت یعقوب علیه السلام در فراق یوسف علیه السلام، ابتلائات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول مدت رسالت، رنج فراوان امیرمومنان علیه السلام در طی ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مصیبت جانکاه

قیام کربلا . که بر سیدالشهداء (علیه السلام) و اهل بیت و یاران او وارد شد و امام حسن مجتبی (علیه السلام) در پیش‌گویی از این مصیبت فرمود: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام)» را می‌توان نمونه‌های بارز آن دانست.

سنت الهی بیانگر آن است که آدمیان همواره در معرض آزمایش‌های الهی قرار دارند، چنانکه بر پایه آیات قرآن کریم خداوند گاهی انسان‌ها را به وسیله ترس،

گرسنگی و کاهش اموال و جان‌ها می‌آزماید: «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ...». کرونا

در طول مدت شیوع خود توانسته است تمام آنچه در این

آیه شریفه ذیل واژه «مِنْ» به آن اشارت رفته

است را به منصه ظهور بنشاند؛ چرا

که با شیوع این ویروس ترس بر اغلب مردم جهان حاکم گشت،

حتی آن‌هایی که در ظاهر وانمود می‌کنند که هیچ هراسی از کرونا ندارند،

هنگام بروز آثار ابتلا به کرونا و مثبت شدن تست آن، گاه ترس از کرونا چنان بر جان

آن‌ها مستولی می‌گردد که جانشان را از ترس، به جان آفرین تسلیم می‌کنند. از

این‌رو اگر آمار کسانی که بیماری‌شان از ترس کرونا تشدید شد و به وضعیت وخیم

رسید یا جانشان را به این سبب از دست

دادند، ارائه گردد، آماری بس قابل‌توجه خواهد بود.

کرونا باعث گرسنگی عده‌ای از مردم شد؛ افراد زیادی از جامعه به واسطه شیوع این بیماری، بیکار یا ورشکسته شدند و سفره خانه آنان از غذا تهی گشت.

کرونا موجب کاهش اموال بخش زیادی

بنابر این عامل اصلی انتشار این ویروس در جهان هر چه باشد؛ (انسانی و از روی عمد و انسانی به غیر عمد و ...) شیوع این ویروس یک آزمون بزرگ را در کل جهان به اجرا درآورده است. آزمون همیشه ابزاری برای محک زدن افراد است. در آزمون می‌توان میزان راست‌آزمایی مدعیان را سنجید.

سؤال‌های آزمون کرونا، جهانی و فهم آن برای همگان با هر نوع زبان، ملیت، مذهب و نژاد، یکسان است؛ از این‌رو از طریق میزان ابتلا و جان باختن

افراد هر جامعه می‌توان شکست یا

پیروزی آن جامعه بر

کرونا را تجزیه و

تحلیل نمود و به‌عنوان معیار در

این راستا قرار داد.

«غربی‌ها در این آزمون

بین‌المللی انصافاً شکست

خوردند! ... غربی‌ها در این امتحان بزرگی

که در همه دنیا- از شرق و غرب- پیش آمد،

در چند عرصه شکست خوردند ... می‌بینید

آمار جان‌باختگان در آمریکا چقدر بالاست،

در بعضی از کشورهای اروپایی چقدر

بالاست؛ مشکلات گوناگون زندگی در این

کشورهایی که از لحاظ ثروت و توانایی‌های

گوناگون در سطح خیلی بالایی هم هستند

سلامتی، بیماری، فقر و رفاه از جمله ابتلائی

است که هر انسانی با آن مواجه می‌شود؛ حتی انبیاء،

امامان و اولیای الهی نیز از این قاعده و سنت الهی

مستثنا نیستند. سنت الهی بیانگر آن است که آدمیان

همواره در معرض آزمایش‌های الهی قرار دارند،

چنانکه بر پایه آیات قرآن کریم خداوند گاهی انسان‌ها

را به وسیله ترس، گرسنگی و کاهش اموال و جان‌ها

می‌آزماید: «وَلْتَبْلُوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ

نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ...». کرونا در

طول مدت شیوع خود توانسته است تمام آنچه در

این آیه شریفه ذیل واژه «مِنْ» به آن اشارت رفته

از

مردم به دلایل مختلف گردید. همچنین

مطابق آمار سازمان‌های بهداشتی، کرونا

روزانه جان هزاران نفر از مردم را در اقصی

نقاط جهان می‌گیرد. همچنین این ویروس

خطرناک باعث کاهش تولیدات باغی،

زراعی و صنعتی به شکل فزاینده‌ای شده

است.

اما این‌ها در زمینه رفتاری‌های زندگی برای مردم - چه بیکاری‌ها، چه ابتلای به بیماری، چه جا پیدا نکردن در بیمارستان‌ها و پشت در بیمارستان خوابیدن - مشکلات فراوانی پیدا کردند.^۳

کرونا، نشانه قدرت و علم الهی

یکی از پایه‌های قدرت، علم است، از این‌رو هر چه علم بیشتر باشد، قدرت هم فزون‌تر خواهد بود. چنانکه بلوک غرب به واسطه در اختیار گرفتن علم و حفظ آن برای خویش توانسته‌اند برتری خویش را اثبات کنند و به استعمار دیگر کشورها بپردازند.

بر پایه آیات و روایات اسلامی خدای متعال از هر آنچه که در جهان هستی - با آن عظمت و گستره بزرگش - در حال رخ دادن است، آگاهی دارد و هیچ ذره و حرکتی، از دایره علم او خارج نیست. از این‌رو

هیچ زبانی قادر به توصیف دقیق علم لایزال الهی نمی‌باشد؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا يَصِفُهُ لِسَانٌ وَلَا يَغْزُبُ عَنْهُ عَدَدُ قَطْرِ الْمَاءِ وَلَا نُجُومُ السَّمَاءِ وَلَا سَوَافِي الرِّيحِ فِي الْهَوَاءِ وَلَا ذَيْبُ التَّمَلُّ عَلَى الصَّفَا وَلَا مَقِيلُ الذَّرِّ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلُمَاءِ يَعْلَمُ مَسَاقِطَ الْأَوْرَاقِ وَخَفِيِّ ظَرْفِ الْأَخْدَاقِ»^۴؛ و هیچ زبانی وصف او نیارد، و از علم او پنهان نیست شمار قطره‌های باران، و نه ستارگان آسمان، و نه آن خاکریزه‌ها که باد با خود به هوا بردارد، و نه موری که بر سنگی صاف پای گذارد، و نه آرام جای

مورچه‌ای خرد و باریک در شبی سیاه و تاریک. می‌داند جای افتادن برگ‌های درختان را و آهسته باز و بسته شدن دیدگان را.

کرونا با جثه بسیار ریزش، نمایشی از قدرت خدای متعال را به نمایش گذارده است؛ چرا که این ویروس توانایی جهان غرب که یک‌ه‌تاز میدان علم و تکنولوژی است و غرور علمی سراپای او را فراگرفته را به چالش کشاند. این ویروس

بحران کرونا، صحنه عقلانیت دینی مسلمانان است. این امر نشان‌دهنده آن است که دین برای جان مردم ارزش زیادی قائل است به حدی که حتی همه مناسک خود یا بخش اعظم آن را تعطیل می‌کند. تعطیلی نمازجمعه و جماعات، تعطیلی زیارت اماکن مقدسه و تجمعات مذهبی و اتفاقاتی از این قبیل نمونه‌هایی از عملکرد دین در حیطه حفظ جان مردم است که در این دوره اتفاق افتاده است. طبیعی است چنین تدابیری بدون نظر بزرگان نظام و مراجع بزرگوار نمی‌توانست رخ دهد. حتی رهبری فراتر از آن توجه به نگاه کارشناسی در این باره را حسنه و بی‌توجهی به آن را سینه دانست.

تمام عالم را درگیر خود ساخت و همگان را مبهوت و مغلوب خود گرداند و نزدیک به یک‌سال است که عجز و ناتوانی ابرقدرت‌های علمی و اقتصادی جهان در دستیابی به ساخت واکسن برای پیشگیری از ابتلا به آن و دارو برای درمان قطعی مبتلایان را بر همگان آشکار ساخته است.

بحران کرونا، صحنه عقلانیت دینی مسلمانان

یکی از منابع احکام شریعت اسلام، «عقل» است. همان‌گونه که ما برای بازشناسی احکام الهی از آیات قرآن و سنت معصومان علیهم السلام بهره‌مند می‌شویم، از عقل و دستاوردهای آن نیز در این مسیر استفاده می‌کنیم. یعنی هرچه را که عقل با تحقیق عاقلانه و معتبر به آن برسد، دین از آن استفاده می‌کند، به نحوی که قاعده «کلما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع» در لسان اصولیان وضع گردیده است. بر این پایه عقلانیت در دین مبین اسلام موج می‌زند. بر همین اساس است که جهت پیشگیری از شیوع کرونا در میان مردم، مناسک و برنامه‌های دینی که گاه با حضور میلیون‌ها نفر از مسلمانان برگزار می‌گردد، برای نخستین بار در تاریخ تعطیل شد.

این امر نشان‌دهنده آن است که دین برای جان مردم ارزش زیادی قائل است به حدی که حتی همه مناسک یا بخش اعظم آن را تعطیل می‌کند. تعطیلی نمازجمعه و جماعات، تعطیلی زیارت اماکن مقدسه و تجمعات مذهبی و اتفاقاتی از این قبیل نمونه‌هایی از عملکرد دین در حیطه حفظ جان مردم است که در این دوره اتفاق افتاده است. مواردی از این قبیل تاکنون در طول دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جز این دوره تحت هیچ شرایطی وجود نداشته است. حتی در دوران دفاع مقدس و حملات موشکی نیز با اتفاقی مانند تعطیلی نمازجمعه یا جماعات مواجه نبوده‌ایم.

طبیعی است چنین تدابیری بدون نظر بزرگان نظام و مراجع بزرگوار نمی‌توانست رخ دهد. در حقیقت نظرات مرجعیت شیعی و رهبر انقلاب اسلامی به خصوص تأکیدات ایشان بر اجرای دستورات کارشناسی و توجه به نظرات متخصصان باعث شد چنین تصمیماتی برای حفظ جان مردم اتخاذ گردد. حتی رهبری فراتر از آن توجه به نگاه کارشناسی در این باره را حسنه و بی‌توجهی به آن را سیئه دانست. این موارد نشان می‌دهد در حقیقت یک تبلور و تجلی عقلانیت تفکر انقلابی، دینی و شیعی در نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با پدیده کرونا صورت گرفته است.

بر پایه عقلانیت است که وجود اطباء و پزشکان در زمان پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ هیچ‌گاه مورد مخالفت واقع نشد. از این رو شاهد آنیم که حتی طبیبان برای مداوای ائمه ﷺ بر بالین آنان حاضر می‌شدند، چنانکه داستان حضور طبیب بر بالین امیرمومنان ﷺ پس از ضربت خوردن مشهور است.

این امر به خوبی جایگاه درخشان تمدن اسلامی را در میان تمدن‌ها نشان می‌دهد، تمدنی که ولی‌فقیه آن هنگامی که حکمی را صادر می‌کند و به چیزی امر یا از انجام کاری نهی می‌کند، خود نخستین کسی است که به آن جامه عمل می‌پوشاند. چنانکه معظم‌له نظر ستاد ملی مبارزه با کرونا در شیوه برپایی آیین‌های مذهبی را فصل الخطاب نظرات قرار می‌دهد و افزون بر این که کوچک‌ترین مداخله‌ای در این باره نمی‌کنند، برنامه‌های خود را نیز بر پایه آن تنظیم می‌نمایند. این روش برگرفته از سیره امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ است که می‌فرمود: «إِنِّي وَ اللَّهِ مَا أَحْكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْفِكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَأَكُم عَنْ

مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَنتَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا؛ ای مردم به خدا من شما را به طاعتی بر نمی‌انگیزم، جز که خود پیش از شما به گزاردن آن برمی‌خیزم و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه خود پیش از شما آن را فرو می‌گذارم».

کرونا و رعایت بهداشت فردی و عمومی

رعایت مسائل بهداشتی جزء لاینفک آموزه‌های اسلامی است. شعار «النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ» بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در آموزه‌های اسلامی تبلور یافته و جزء جدانشدنی دستورات اسلام قرار گرفته است. در دین مبین اسلام افزون بر باب وضو و غسل، بر استحمام و شستن دستان به شیوه‌های مختلف توصیه شده است. چنانکه امام جعفر صادق ﷺ در روایتی به نقل از اجداد طاهری نشان از پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا فَلَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِيَّتِي ... وَ غَسَلُ الْيَدَيْنِ». بر اساس دستورات و سفارش‌های دینی، انسان موحد و متشرع روزانه در چند نوبت برای اقامه نماز به وضو می‌پردازد و ممکن است در طول هفته چندین غسل واجب و مستحبی را انجام دهد.

افزون بر دستورات صریح، قواعد مختلفی نیز بر لزوم رعایت مسائل بهداشتی تصریح دارد، مانند: قاعده «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» که بر پایه آن ما نه حق ضرر رساندن به خود را داریم و نه به دیگران را. در این شرایط کرونایی که با بیماری مسری مواجه هستیم، عدم رعایت بهداشت در حد متعارف، اگر مصداق ضرر زدن به خود یا دیگران باشد، حرام شرعی به شمار می‌آید. بر این پایه، این نکته درخور توجه است: در حالی که بیش از ۱۴۰۰ سال رعایت نظافت جزوی از دینداری مسلمانان است، در

اروپای ۴۰۰ سال پیش هیچ خبری مبنی بر وجود حمام به ثبت نرسیده است!

کرونا، نمایش همدلی مردم نسبت به یکدیگر

آموزه‌های اسلامی همواره مسلمانان را نسبت به احوال‌جویی و گره‌گشایی از مشکلات دیگران ترغیب نموده است؛ چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ هر کس صبح کند و نسبت به رسیدگی به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست».

قرآن کریم، تقوا را تنها معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها نزد خدا می‌داند؛ از این رو زبان، نژاد، رنگ، دارا و ندار بودن نشانه تفوق بر دیگران نیست، و تنها معیار در برتری انسان‌ها نزد خدا، تقواست که: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».

تقوا در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارای نمود است. از این رو توجه و رسیدگی به احوال مسلمانان را می‌توان لازمه تقوای الهی دانست و لازم است کسانی که بیش از دیگران از نعمت‌های الهی برخوردارند، به اندازه وسع و توان خویش به یاری برادران و خواهران که برخوردار بشتابند و با کمک‌های خویش‌یاری را از دوش آن‌ها بردارند تا در قیامت که از نعمت‌ها سؤال می‌شود: «ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» زبان، به آسانی پاسخ‌گوی پرسش‌های الهی باشد.

بر اساس این بینش، ما شاهد روانه سیل کمک‌های مؤمنانه، بی‌منت و گاه در کمال گمنامی انسان‌های فهیم و رشدیافته در عرصه‌های مختلف هستیم که نظیر آن را نمی‌توان در جای دیگر جست‌وجو کرد. این کمک‌های صادقانه تنها به حیطة مالی

اختصاص ندارد و در عرصه‌های مختلف دیگر مانند: پزشکی، پرستاری، حمل و نقل بیماران، تغسیل و تدفین فوت‌شدگان و... نیز نمود می‌یابد و این یاری‌کنندگان گاه آگاهانه و عاشقانه جان خویش را در طبق اخلاص نهاده و در مسیر بهبودی و سلامت هموطنان، به جان آفرین تقدیم می‌کنند. نمونه‌های عینی این امر را می‌توان در کادر درمانی و دفاع‌کنندگان از حریم سلامت جست‌وجو نمود. رهبر معظم انقلاب اسلامی با قدردانی از زحمات و تلاش‌های کادر درمانی، فرمود: «کارتان بسیار با ارزش است؛ هم ارزش جامعه پزشکی و پرستاری را در جامعه بالا می‌برد. که برده هم مهم‌تر از این، ثواب الهی است که خدای متعال قطعاً به شما اجر خواهد داد و ثواب خواهد داد.»^{۱۲}

گرچه در ایام شیوع ویروس کرونا عده‌ای در جهت تکاثر و مال‌اندوزی به احتکار کالاهای مورد نیاز مردم پرداختند و در افزایش بی‌حد و حصر قیمت‌ها کوشیدند و با این‌گونه اعمال، پای خویش را بر گلوی هموطنان وامانده در زیر خط فقر فشردند، اما در آن سوی دیگر افراد مؤمن و مردم دوست زیادی از اقشار مختلف را می‌توان مشاهده نمود که با مجاهدت و بذل مال و وقت و جان خود در این آزمون بزرگ افتخار آفریدند و خوش درخشیدند، که اوج این افتخار ملی متعلق به مجموعه درمانی کشور است.

کرونا، نشانه سنجش صبوری و استقامت

تاریخ معاصر تاکنون چنین ویروسی که در تمام جهان منتشر شده باشد و همه مردمان را دچار گرفتاری و بلا نموده باشد، به خود ندیده است. مردمی که یک عمر آزادانه در رفعت و آمد و گشت و گذار و حضور در اجتماعات و محافل و... بودند، به یک‌باره باید در خانه‌ها می‌نشستند، از برگزاری هر نوع اجتماعی اجتناب می‌ورزیدند و حضورشان در اجتماعات بر پایه رعایت مفاد آیین‌نامه‌های بهداشتی باشد و....

برای قطع زنجیره اتصال و ارتباط افراد سالم و مبتلا و پیشگیری از شیوع این بیماری راهی جز رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی وجود ندارد و پشتوانه مهم اجرای این امر و کلید موفقیت در این آزمون بزرگ اتخاذ صبوری و شکیبایی است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَبْلُوْكُمْ حَتّٰی نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَ الصّٰبِرِيْنَ»^{۱۳} و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم.

به هر حال با گذر زمان این بلا و گرفتاری نیز مانند هر حادثه سخت دیگری رخت بر خواهد بست و آن چیزی که تحمل گذر از این مرحله را بر انسان آسان می‌کند، توکل به خدای متعال و صبوری در رعایت دستورات بهداشتی است. با استقامت و شکیبایی ورزیدن در این مسیر، افراد سالم از ابتلای خویش به این ویروس پیشگیری

خواهند نمود و مبتلایان دوره درمان را به خوبی سپری خواهند کرد و از ابتلای دیگران به این بیماری ممانعت به عمل خواهند آورد.

آموزه‌های اسلامی مبتلایان به بلا را به تضرع و دعا و توسل به درگاه باری تعالی دعوت کرده و از آنان خواسته است تا راه صابران را در پیش گیرند و برای هموار شدن راه صبوری اسوه‌های صبر و مقاومت را به مردم معرفی نموده است؛ چنانکه حضرت ایوب علیه السلام در تحمل مصائب و بیماری‌ها، اسوه جهانیان گشته است: «وَ اَيُّوبَ اِذْ نادٰی رَبَّهُ آَنّٰی مَسْنٰى الصُّرُّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا يَبِىْ مِنْ صُرِّ وَ اَتَيْنَاهُ اَهْلَهُ وَ مَثَلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِزِّنَا وَ ذِكْرٰى لِّلْعٰبِدِيْنَ * وَ اِسْمَاعِيْلَ وَ اِذْ رِيسَ وَ ذَا الْكِفْلِ كُلٍّ مِنَ الصّٰبِرِيْنَ»^{۱۴} ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: «به من آسیب رسیده است و تویی مهربان‌ترین مهربانان». پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم، و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد]. و اسماعیل و ادريس و ذو الكفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند.

پی‌نوشت‌ها:

۱۱. تکاثر: ۸.
۱۲. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۵۰۳۳>
۱۳. محمد: ۳۱.
۱۴. انبیاء: ۸۵ - ۸۳.

content?id=۴۵۰۷۶.
۶. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵.
۷. مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.
۸. صدوق، من لایحضره‌القیه، ج ۴، ص ۳۵۵.
۹. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.
۱۰. حجرات: ۱۳.

۱. صدوق، الامالی، ص ۱۱۶.
۲. بقره: ۱۵۵.
۳. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۵۶۲>.
۴. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۸.
۵. <https://farsi.khamenei.ir/speech->

کرونا

چالشِ دین یا علم؟

دکتر ابوذر رجبی

استادیار دانشگاه معارف اسلامی



درآمد

جهان پس از کرونا، به ناچار در خیلی از امور، از جمله سیاست‌های علمی نیازمند تجدید نظر است. به نظر می‌رسد دیگر تابوی قطعیت علم و یکه‌تازی آن که سال‌ها در غرب مدرن به خصوص از سوی فیلسوفان پوزیتیویست ایجاد شده بود، در هم کوبیده شده است چنان که اکنون بی‌رمق از راه رفتن، باید از مسئله انحصارگرایی روشی دست بردارد. اقتدارگرایی علم که چند قرن همه ساحت‌ها و از جمله دین را تحت تأثیر خود قرار داده بود، دیگر توان مقابله با ساحت‌های معرفتی دیگر را ندارد.

کرونا استیضاح کننده علم‌گرایی مدرن

کرونا یا بیماری کوئید ۱۹ را می‌توان بهترین استیضاح کننده علم‌گرایی مدرن دانست. روزگاری علم به ناصواب همه عرصه‌های معارف بشری را به استیضاح می‌کشاند و قدرت‌گری برای یکه‌تازی و میدان ندادن به معرفت‌های متافیزیکی داشت. اگر چه همان زمان نیز متفکرانی با این امر به مخالفت برخاستند، اما هیمنه عالمان تجربی و شعارهای پوزیتیویستی مانع مقابله آنان با علم می‌شد. اما امروزه به صراحت می‌توان گفت کرونا این هیمنه را به هم ریخت. در واقع باید گفت ویروس کرونا بیش و پیش از آنکه برای دین و الهیات و اخلاق چالش درست کرده باشد، برای خود علم دردسرساز شده است. آیا واقعاً انسان امروزی برای نجات خود، دست‌کم در حوزه سلامت و بهداشت - به علم، قطع و یقین دارد؟!

معناشناسی علم

مراد از علم، معنای عام آن نیست بلکه به معنای ساینس (Science) است. علم در این معنا مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی، قابل اثبات باشد. در قرن نوزدهم پوزیتیویست‌ها این معنا را رواج داده و سایر معارف بشری از جمله الهیات را دیگر به معنای علم تلقی نمی‌کنند.^۱

علم در دوره رنسانس



غرب بعد از رنسانس با تحولات صنعتی و پیشرفت‌های توسعه محور توانست برتری علم را بر دین مسیحیت و نگاه قرون وسطایی از دین برافرازد؛ به وزان پیشرفت و اکتشافات علمی، قلمرو دین را روز به روز محدودتر کرد. این امر از قرن هیجده سرعت گرفت و در قرن بیستم شعار رسمی حذف دین و دفن و تشییع جنازه آن از ناقوس علم به صدا درآمد. البته تلاش‌هایی برای دین مسیحی در غرب صورت گرفت و راهکارهایی در مقابل مسئله تعارض و ضدیت علم و دین ارائه گردید. آنچه مطرح می‌شود صرف ادعا نیست، بلکه مستندات آن از ناحیه خود متفکران غربی ارائه می‌شود.^۲ اشاره مختصری به این تاریخچه برای نشان دادن ناتوانی علم در دوران کرونا بی‌خالی از لطف نیست.

در دوره‌ای از تاریخ مغرب زمین شاهد آن هستیم که توجهی به علم و تجربیات بشری نمی‌شود و با وجود حضور دین، سخن گفتن از علم را بی‌فایده می‌دانستند.^۳ در قرون وسطی چالش جدی برای غربیان در عرصه علم و دین مطرح نبود. باربور با بیان ویژگی‌های این دوره، اخلاقی بودن قوانین به جای مکانیکی دیدن آن و همراهی فلسفه و علم با دین مبتنی بر عقل و وحی، همچنین نقش محوری داشتن انسان در جهان خلقت را از اوصاف این دوره برمی‌شمارد.^۴

اقدام‌های کپلر، کپرنیک، گالیله، تیکو براهه، بویل و فرانسیس بیکن آغاز چالش جدی علم و دین و طرح مسئله تعارض این دو بود.^۵ در قرن هیجدهم این نزاع خود را آشکار ساخت و به صراحت بر مقابله دین و علم سخن رانده شد.^۶ از این قرن که به عصر روشنگری یاد می‌شود، عقل‌ابزاری به میدان آمد و ابزار توسعه برای بشر قرار گرفت. دیگر وحی و خدا جایگاهی نداشت و یا نهایتاً در حد خدای ساعت‌ساز لاهوتی بود. حتی در این حد نیز برخی خدا را برنتافته و آن را کاملاً کنار گذاشتند.^۷ اگر از خدایی یاد می‌کنند، خدایی طبیعی در برابر خدای وحیانی است. خداپرستان طبیعی با کلیسا درافتاده و این معارضه زمینه را برای رشد شکاکیت و الحاد فراهم ساخت.^۸

مدعای قطعیت علم

در این مجال قصد ندارم به تحلیل انواع رابطه علم و دین و نوع نگاهی که در میان غربیان مطرح است، اشاره کنم. ضمن این که به مسئله تأثیر ارزش‌ها بر دانش نیز بنای پرداختن ندارم؛ اگرچه جزو مسائل بسیار مهم در حوزه اخلاق علم و حتی فلسفه علم است و به گونه‌ای در به چالش کشیده شدن دیدگاه عالمان تجربی قرن هیجده و نوزده غربی تأثیر جدی دارد. در این فرصت صرفاً به تحلیل مدعای

با طرح نظریه داروین، تعارض علم و دین جدی‌تر شد و حتی پاره‌ای از کشتیان نیز از تعامل و هماهنگی علم با دین دست برداشتند. زیست‌شناسی در این دوره به عنوان دانش قابل توجه برای دین مسیحی چالش جدی درست کرد:

- مناقشه در برهان نظم (بر وجود خدا)، از طریق توصیف نظم موجود در جهان موجودات زنده، با انتخاب طبیعی داروینی؛
- مناقشه در تمایز واقعی انسان‌ها از حیوانات دیگر؛
- مناقشه در دستور العمل‌های اخلاقی دین؛
- مناقشه در خلقت خاص انسان.^۹

چالش علم با دین در حوزه علوم انسانی

در قرن بیست و بیست و یک، بیش‌ترین چالش میان علم و دین در حوزه علوم انسانی تجربی با مسائل و گزاره‌های دینی بود. این امر خود را در عرصه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و ... نشان داد. بحث فروید در طرح ریشه و منشأ دین در حوزه روان‌شناسی است. او زندگی دینی را نوعی آرزواندیشی و سرکوب امیال و شهوات می‌دانست. او دین را نوعی روان رنجوری می‌دانست که در گذشته انسان ریشه داشته و از عقده ادیپ ناشی می‌شد. مطابق نظریه فروید، تمایل افراد به پذیرش و اعتقاد به خدای فوق طبیعی انسان‌وار، دست کم تا حدودی، معلول تمایل به فرافکنی تصویر پدر در دوران کودکی است که در ناخودآگاه انسان قرار دارد.

در حوزه جامعه‌شناسی نیز از دیدگاه دورکیم، منشأ همه ادیان توتم‌پرستی است و پرستش توتم نیز نمادی از پرستش جامعه است. بنابراین آنچه در همه ادیان مورد پرستش قرار می‌گیرد و ویژگی‌های فراطبیعی به آن نسبت داده می‌شود، چیزی جز جامعه نیست. جامعه از همه ویژگی‌های خداوندی برخوردار است: در اندیشه پرستندگان بر آن‌ها برتری دارد، در آن‌ها احساس وابستگی ایجاد می‌کند و از آن‌ها فرمان‌برداری می‌طلبد. جامعه نیازمند تبعیت افراد از خویش برای حفظ وحدت و انسجام اجتماعی است و وحدت و انسجام جامعه اقتضا می‌کند که هرکس از منافع و علایق فردی خود بگذرد و تسلیم خواست جامعه گردد.

تحلیل مارکس از دین، ساده‌انگارانه است و بسیاری از ابعاد و جنبه‌های اساسی دین را نادیده گرفته است. او با فروکاستن این جنبه‌های اساسی، به تعمیم‌های بسیار بعید، ناگزیر شده است. او نقش دین را در معنا دادن به زندگی، مرگ و رنج و هدف‌دار کردن آن‌ها، که بسی فراتر از منافع طبقاتی است، نادیده گرفته است.^{۱۰} با حضور شخصت‌های یادشده، شرایط برای طرح مهم‌بودن گزاره‌های دینی از سوی پوزیتیویست‌ها فراهم شد.^{۱۱} این مسئله در عصر کنونی نیز



قطعیت علم اشاره خواهیم کرد و اینکه مدعای فلاسفه علم غربی با آسیب جدی از این منظر مواجه است.

متأسفانه علم تجربی (به معنای اعم آن که شامل علوم انسانی نیز می‌شود) زیربنای اساسی خود را نفی ساحت‌های معرفتی و حیاتی قرار داد. این امر نه تنها حوزه وحی که حتی فلسفه و متافیزیک را هم دربر گرفت. به همین جهت سردمداران جریان‌های علمی امروزه به صراحت از نفی دین و فلسفه هم سخن می‌گویند. اینان تنها راه رسیدن به حقیقت را علم می‌دانند.^{۱۲} ریچارد داوکینز، زیست‌شناس شهیر انگلیسی معاصر، به صراحت بیان می‌دارد: «اگر علم نتواند برخی پرسش‌های غایی را پاسخ گوید، چرا باید فکر کنیم که دین می‌تواند؟!»^{۱۳} یا در جایی دیگر می‌گوید: «الهی‌دانان چه مهارتی دارند که دانشمندان ندارند؟»^{۱۴} او در کتاب «پندار خدا» بیان می‌دارد که برای هر چیزی اگر نتوان تبیین علمی ارائه کرد، باید از پذیرش آن سر باز زد. به هیچ‌وجه برای امور مختلف نباید تبیین مافوق طبیعی و الهی ارائه کرد. به این جمله او توجه کنید: «کسانی که به خاطر سردرگمی شخصی در مقابل یک پدیده طبیعی فوری به فراطبیعی بودن آن می‌رسند، دست کمی از احمق‌هایی ندارند که وقتی می‌بینند یک شعبده‌باز قاشقی را خم می‌کند فوری نتیجه می‌گیرند که با یک پدیده فراطبیعی روبرو هستند».^{۱۵}

استیون هاوکینگ هم دست کمی از داوکینز نداشته و در عرصه

دانش فیزیک، نفی خدا و الهیات و غیب را سرلوحه فعالیت‌های علمی خود قرار می‌دهد. وی نیز پذیرش خدا را در تعارض با علم می‌بیند و بیان می‌دارد: «اگر مانند من بپذیرید که قوانین، ثابت و تغییرناپذیر هستند، بلافاصله خواهید پرسید که: پس نقش خداوند چیست؟ این یکی از مهم‌ترین تضادهای بین علم و دین است».^{۱۶}

شرایط علمی تلقی کردن گزاره‌ها

شاید تلقی شود که افرادی مانند هاوکینگ و داوینز به جهت تفکرات الحادی چنین سخن می‌گویند و دیگران این‌گونه نیستند؛ اما

تعارض و تقابل در غرب صرفاً ناشی از درک

نادرست از رابطه علم و دین بوده است. اگر مرزهای واقعی این دو به درستی شناخته می‌شد، هیچ‌گاه تعارضی شکل نمی‌گرفت. علم و تجربه در مسیر شناخت به انسان قدرت محدودی می‌دهد؛ اما قادر نیست او را به حقیقت مطلق برساند. اگر خودخواهی‌ها و سلطه‌گری‌های بشر در دوران بعد از رنسانس نبود، علم و دین مسیر همکاری خود را برای سعادت بشر به درستی و تعامل طی می‌کردند.

این تلقی درست نیست. چرا که در فضاهای آکادمیک غربی، علم بودن امر و گزاره‌ای منوط به داشتن شرایطی است و در صورت برحذر بودن از این شرایط دیگر علمی به حساب نمی‌آید. اولاً علم بودن گزاره‌ها به یقین روانی شخص بستگی ندارد، ثانیاً کلی بودن در آن‌ها لحاظ شده، ثالثاً موضوع در آن‌ها مشروط به عینی بودن است. ولی علاوه بر این شرایط، قید دیگری نیز در آن شرط شده و آن عبارت است از این که اثبات محمول برای موضوع باید از راه تجربه حسی مستقیم، امکان پذیر بوده، قابل ارائه به دیگران هم باشد. بنابراین، براساس این اصطلاح، تنها قضیه‌ای علمی است که به وسیله تجربه حسی ثابت شود، و به گونه‌ای باشد که نتیجه تجربه را بتوان به دیگران ارائه داد؛ اما در صورتی که راه اثبات آن چنین نباشد، بلکه از راه قیاس عقلی، وحی، یا شهود عرفانی اثبات شود، از حوزه علم خارج است و معتبر نخواهد بود. و جالب‌تر آنکه این اصطلاح شامل فرضیه‌ها و تئوری‌هایی هم می‌شود که امکان اثبات آن‌ها به وسیله تجربه وجود دارد، هرچند هنوز تجربه دقیقی روی آن‌ها انجام نگرفته باشد، یا وسایل تجربه آن‌ها در دسترس نباشد!^{۱۷}

به همین خاطر در غرب معاصر تحت سیطره این اندیشه‌ها بحث

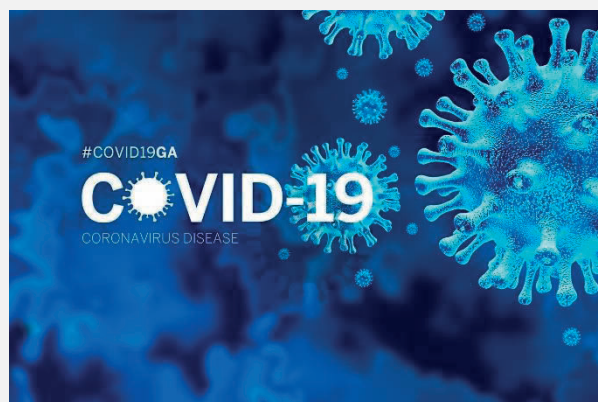
از وحی و غیب و خدا، بحثی غیر علمی و برخلاف مد علمی سخن گفتن محسوب می‌شود؛^{۱۸} چرا که شرایط یادشده در آن‌ها وجود ندارد. برخی از متفکران غربی مانند هولباخ، فیلسوف عصر روشنگری به صراحت بیان کردند باید از روش تجربی نه تنها در فیزیک و شیمی، حتی در دین و اخلاق و سیاست و هنر نیز بهره برد.^{۱۹} البته تا زمان پوپر این امر قطعی تلقی می‌شد، اما بعد از او به خصوص با ظهور شخصیت‌هایی مانند توماس کوهن و فایرابند در فلسفه علم، دیگر از آن نگاه انحصارگرایانه تجربی و مشاهده‌پذیری خبری نبود. تعبیری را برخی از فلاسفه علم به کار می‌برند و آن این که علم امروزه به ضد علم تبدیل شده است. دقیقاً همین نکته‌ای که تاکنون اشاره کردیم در این نگره آمده است. انحصارگرایی و تک‌نگری علم و تأکید صرف بر ساحت تجربی در خود علم سبب تعارض شد و فروپاشی علم را فراهم آورد.^{۲۰} علم دیگر قهرمان عصر روشنگری نیست و با آسیب‌ها و چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند.^{۲۱}

نقد تلقی انحصارگرایی روش علم

ویروس کرونا نشان داد که علم، بسیار آسیب پذیرتر از آن است که بتواند برای بشر سعادت آفرین باشد. اگر بشر داعیه بلندپروازی در سر نمی‌پروراند و به علم آنگونه که شایسته و بایسته این ساحت معرفتی است می‌نگریست، امروز سربلند از آزمون‌هایی مانند کرونا بر می‌خواست؛ اما متأسفانه یک‌جانبه‌نگری و انحصارگرایی روشی، او را با چالش‌های جدی مواجه ساخت. استاد شهید مطهری در دهه پنجاه هم به عالمان تجربی مغرب زمین و هم روشنفکران داخلی این امر را گوش‌زد کرده و آنان را به بازنگری در هستی‌شناسی علم فراخواند. ایشان جهان‌بینی علمی را اگرچه در حد خود درست، اما نارسا دانستند. معرفت تجربی اگرچه با ابزارهای اندازه‌گیری که در اختیار دارد، دقیق و مشخص و توانایی بخش است، اما به جهت محدودیت در ساحت شناخت نمی‌تواند از جهان ماده عبور کند و به انسان، معرفتی کلی و خطاناپذیر ارائه کند. علم حتی در قوانین خود نیز نمی‌تواند به این کلیت دست یابد و باید از ساحت‌های معرفتی دیگر کمک و بهره گیرد و در کلیات به «نمی‌دانم» می‌رسد.^{۲۲}

در رویکرد عالمان مسلمان، هیچ‌گاه نگاه مطرح شده در غرب مطرح نبود. عالمان مسلمان در عین اقرار به ضعف حیطة و ساحت علم، آن را به عنوان یکی از حوزه‌های معرفتی بشر قبول کردند و برتافتند تا سخن از تعارض و تقابل علم با دین به میان آید. علم ابزاری در دست انسان برای رشد و تعالی روحی است، نه اینکه از آن برای فضل فروشی و کسب امتیازات اعتباری و سلطه بر دیگران استفاده شود. دقیقاً آن چیزی که امروزه در «حیات طبیعی» علم را برای تخریب انسان و غلبه قدرت برحق می‌خواهند.^{۲۳} اسلام معتقد است که در ارتباط انسان با

خویشتن در هر دو قلمرو شناخت خویشتن آن چنان که هست و اصلاح خویشتن آن چنان که باید، باید از هرگونه علم و معرفت که به وسیله تجارب عینی، تعقل منافع اصل دین و اکتشافات در گذرگاه زمان به دست می آید بهره برداری شود».^{۲۵}



تعارض و تقابل در غرب صرفاً ناشی از درک نادرست از رابطه علم و دین بوده است. اگر مرزهای واقعی این دو به درستی شناخته می شد، هیچ گاه تعارضی شکل نمی گرفت یا دعوا و نزاعی مطرح نبود تا جانب یکی گرفته شود. علم و تجربه در مسیر شناخت به انسان قدرت محدودی می دهد؛ اما قادر نیست او را به حقیقت مطلق برساند. اگر خودخواهی ها و سلطه گری های بشر در دوران بعد از رنسانس نبود، علم و دین مسیر همکاری خود را برای سعادت بشر به درستی و تعامل طی می کردند.^{۲۶} علم مدرن بدون توجه به بسیاری از مسائل فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی، برای غرب مشکلاتی به وجود آورد.^{۲۷} از آنجایی که روش تجربی قادر به درک و کشف رابطه علی انحصاری میان پدیده های حسی و همچنین کشف و مطالعه علل غیر محسوس و

تأثیر آن ها بر پدیده های مادی نیست، لذا یافته ها و دستاوردهای آن یقینی و ابطال ناپذیر نیستند؛^{۲۸} عبارتی نمی توان به مطابقت آن ها با واقع، قطع و یقین داشت. به باور خود فلاسفه علم، قضیه علمی باید کلی باشند و این کلیت در علم حاصل نمی شود. بیشتر قضایای کلی در علم هم ظئی هستند نه قطعی. با این وضعیت چه داعیه ای بر برتری قضایای علمی بر فهم دینی وجود دارد؟^{۲۹}

از آن رو که تجربه گرایان ادراکات حسی را نقطه اتکاء خود قرار داده اند و این شناخت ها بی اعتبارترین شناخت ها می باشند، درک و شناخت به وسیله تجربه، بیشتر از هر شناختی در معرض اشتباه و خطا خواهد بود.^{۳۰}

نکته قابل توجه آن است که نباید تلقی حاکمیت معرفت علمی بر دیگر ساحت های معرفتی شکل گیرد. معرفت تجربی محدود و محصور به حس و عالم ماده است. به اذعان فلاسفه علم این معرفت مبتنی بر فرضیه است و هر فرضیه ای زمانی اعتبار پیدا

می کند که مشاهده پذیر و قابلیت تکرار داشته باشد. بنابراین مبتنی بر احتمال است و بر آن تأیید و ابطال همواره سایه می افکند؛ از این جهت یقین آور نیست تا برای بشر قطع به دنبال آورد.

به آن سبب که در علوم تجربی، ابزار دستیابی به شناخت، فقط حس و تجربه است، زمانی می توان رابطه بین دو پدیده را کشف کرد که شرایط تحقق آن دو پدیده، کاملاً تحت کنترل باشد و یقین حاصل کنیم که هیچ عامل دیگری در این رابطه دخالتی ندارد، در حالی که چنین چیزی به هیچ عنوان قابل اثبات تجربی نیست؛ زیرا عوامل مؤثر بر پدیده ها آن قدر متنوع و گسترده هستند که کنترل همه آن ها برای انسان مقدور نیست و حتی ممکن است عواملی بر ارتباط بین پدیده ها مؤثر باشند، که برای ما ناشناخته اند. بنابراین نمی توان از آزمایش های حسی، نتیجه یقینی به دست آورد^{۳۱} یا به عبارتی نمی توان از مطابق بودن نتیجه آزمایش تجربی و حسی با واقع، یقین حاصل کرد.

نتیجه

دانش تجربی به معنای عام آن با تمام تلاشی که برای رفاه آدمی داشته، مشکلات و آسیب های فراوانی نیز برای او به دنبال آورده است. از مهم ترین آن ها عدم برطرف کردن نیازهای درونی و معنوی اوست. با اینکه الحاد رویکرد رسمی در جهان امروز است و به دنبال حذف باورهای معنوی از حیات آدمی؛ اما به اقرار محققان، معنویت با اقبال فراوانی مواجه بوده است و مکاتب بشری نتوانسته اند در کاستن گرایش

چالش های عرصه فلسفه علم و هستی شناسی علمی نیز مهم است. اگرچه این امر سالیانی است که برای متفکران غربی مطرح شده است، اما ویروس کرونا بر ابهامات حوزه دانش بشری افزود. دانش پزشکی نتوانست بشر را به نجات برساند. بحرانی که در این زمینه به وجود آمده سبب تغییر نگرش در پارادایم علم جدید خواهد شد. بنابراین چالش ها و آسیب های حاصل از بیماری کرونا برای علوم تجربی بشر به مراتب بیش از آنی است که برای حوزه متافیزیک و الهیات درست شده است. ابهامات و چالش ها محدود به دانش پزشکی نیست. تمامی علوم جدید که با پارادایم های فلسفه علمی معاصر دنبال می شوند با این امور مواجهند. آسیب های کرونایی در حوزه های روان شناسی، جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی و... ما را به تأمل و بازنگری جدی در علم جدید و فاصله گرفتن از انحصارگرایی روشی آن و می دارد.

آسیب‌ها و مشکلات روحی و روانی برای بیماران و خانواده‌های درگیر با این مسئله از جمله چالش‌هایی است که علم پزشکی و دیگر شاخه‌های تجربی مرتبط با آن امروزه دست و پنجه نرم می‌کنند. بحرانی که در این زمینه به وجود آمده سبب تغییر نگرش در پارادایم علم جدید خواهد شد. بنابراین چالش‌ها و آسیب‌های حاصل از بیماری کرونا برای علوم تجربی بشر به مراتب بیش از آنی است که برای حوزه متافیزیک و الهیات درست شده است. بدون شک ابهامات و چالش‌ها محدود به دانش پزشکی نیست. تمامی علوم جدید که با پارادایم‌های فلسفه علمی معاصر دنبال می‌شوند با این امور مواجهند. آسیب‌های کرونایی در حوزه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی و... ما را به تأمل و بازنگری جدی در علم جدید و فاصله گرفتن از انحصارگرایی روشی آن وامی‌دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱۸. گلشنی، فیزیکدانان غربی و مسئله خداآوری، ص ۶۵.
۱۹. گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی، ص ۲۱.
۲۰. حقی، «گذر از روش‌شناسی علم به روش ستیزی علم»، ص ۲۳.
۲۱. لاوسن، خوداندیشی پسامدرن، ص ۶۳-۵۵.
۲۲. لیوتار، وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش، ص ۱۹-۱۵.
۲۳. مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۲۸.
۲۴. جعفری، علم و دین در حیات معقول، ص ۳۸-۳۴.
۲۵. جعفری، همگرایی دین و دانش، ص ۱۴۳.
۲۶. جعفری، فلسفه دین، ص ۴۰۳.
۲۷. احمدی، معمای مدرنیته، ص ۲۹۶.
۲۸. مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ص ۱۴۸.
۲۹. لاریجانی، معرفت دینی، ص ۱۰۳.
۳۰. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۲۰۵.
۳۱. لازمی، درآمدی تاریخی به فلسفه علم، ص ۱۷۹.
۳۲. مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ص ۶۶.
۳۳. هیلنر، ادیان زنده جهان، ج ۲، ص ۱۲۸۲؛ مظاهری سیف، جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور، ص ۲۲-۲۱؛ حمیدیه، مقاله «بازخوانی انتقادی تحولات اخیر دین‌داری و معنویت‌گرایی»، نشریه قیسات، ش ۵۶، ص ۱۸۸.



انسان‌ها به معنویت کاری پیش ببرند.^{۳۳}

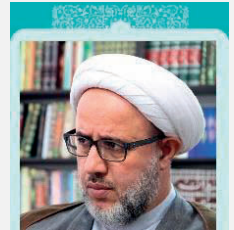
فارغ از اشکال مطرح شده در حوزه معنویت، چالش‌های عرصه فلسفه علم و هستی‌شناسی علمی نیز مهم است. اگرچه این امر سالیانی است که برای متفکران غربی مطرح شده است، اما ویروس کرونا بر ابهامات حوزه دانش بشری افزود. دانش پزشکی نتوانست بشر را به نجات برساند. مرگ و میرهای حاصل از بیماری کرونا به تبع آن

۱. مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۷-۶۶ چالمرز، چپستی علم، ص ۹.
۲. پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۳۵۹.
۳. ربانی گلپایگانی، «رابطه علم و دین در مسیحیت»، ص ۱۴۱-۱۲۳.
۴. باربور، علم و دین، ص ۲۷-۱۸.
۵. همان، ص ۳۶.
۶. ویلیامز، «عقل‌گرایی»، ص ۱۰۹.
۷. باربور، علم و دین، ص ۹۸-۶۹.
۸. مهدوی‌نژاد، دین و دانش، ص ۸۰.
۹. گلشنی، آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد، ص ۶-۵.
۱۰. علی زمانی، علم عقلانیت دین، ص ۱۸۳-۱۸۱.
۱۱. پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۲۶۲-۲۶۱؛ دونالداتول، فلسفه سیاسی قرن بیستم، ص ۱۴۰.
۱۲. هات، علم دین از تعارض تا گفت‌وگو، ص ۴۲.
۱۳. Dawkins, The God Delusion, 56.
۱۴. Ibid.
۱۵. Ibid, p 128, 129.
۱۶. Hawking, Brief Answers To The Big Question, p28.
۱۷. مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ص ۶۱.



پاسخ‌های نقضی و حلی

به شبهه مطرح در بحران کرونا



دکتر علی نصیری

استاد دانشگاه علم و صنعت

اخيراً به عنوان تحلیل پدیده کرونا سخنانی از برخی اهل علم منتشر شده است؛ که از یک جهت مثبت و چند جهت منفی دارد و قابل نقد است.

در بخشی از صحبت‌ها گفته می‌شود: «این ویروس، علم و دانش بشر را به عجز و ناتوانی وادار کرده و مدعیان نجات بشریت را به زمین زده است». این حرف متین و نکته مثبت کلام است. می‌توان گفت این ویروس که می‌گویند کل وزنش در دنیا به اندازه ۵ گرم هم نیست، واقعاً دانش بشر را به سخره گرفته است! اما در بخشی از صحبت‌ها، مسئله متافیزیک مطرح می‌شود و کرونا از منظر دینی و فلسفه دینی مورد بحث قرار می‌گیرد که در واقع، تشیع و به یک معنا جهان اسلام مورد خطاب است. مطرح می‌شود که «اگر یک ژاپنی یا کره‌ای یا چینی به سمت جهان اسلام بیاید و بگوید شما چه چیزی دارید که ما به سمت شما بیاییم؟! نه اقتصاد درستی دارید نه مسائل اجتماعی و فرهنگی درستی دارید» پاسخ این بخش از صحبت روشن است، به قول حافظ:

هر چه هست از قامت ناسازی بی‌اندام ماست

ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست

ما چه زمانی مدعی شده‌ایم که اسلام و ارزش‌های دینی را درست پیاده کرده‌ایم؟ کدام کشور اسلامی می‌تواند مدعی باشد که نظام اقتصادی و

«پندار خدا» دارد. او در آنجا به صراحت می‌گوید: خدای شما پنداری بیش نیست! باد می‌آید و ابرها را به هم می‌زند و باران می‌بارد. کشت و زراعت می‌کنیم و خودمان محصول را تولید می‌کنیم. ما آب را جاری می‌کنیم و سرزمین‌هایمان را سیراب می‌کنیم. ما از آب برق تولید می‌کنیم. پزشک می‌آید و بیمار را معالجه می‌کند. پس همه کارها را خودمان

انجام می‌دهیم! این خدای شما چه کار می‌کند؟! پاسخ قرآن دقیق است: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَلَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ»

خواجہ پندارد کہ روزی ده دهد

او نمی‌داند کہ روزی ده دهد

ما خدا را با نگاه متافیزیکی و ایمان به غیب پذیرفتیم نه آن خدایی که مستقیماً بیاید دست خودش را نشان دهد که ابرها و بادهای جابه‌جا کرده و باران باریده است.

ما خدا را با تمام حضور و وجود پذیرفته‌ایم، اما نه حضور و وجودی مادی و محسوس و با چشم سر! تمام سخن مؤمنان به غیب این است که خدا به تمام معنا از آفتاب هم روشن‌تر و تابناک‌تر است به جهان اما باید آن نگاه و آن چشم باشد؛ در واقع ایمان به غیب باشد. بنای خدا این نیست که دستش را آشکارا از آستین در بیاورد و نشان بدهد که در جهان چه می‌کند. اگر لحظه‌ای فیض او نباشد هستی بر باد می‌رود. چنین نگاهی را ما به حضرت حجت داریم، یعنی وقتی آقا فرمودند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ» ما ایشان را واسطه فیض می‌دانیم و معتقدیم: «يُؤْمِنُ زَرْقُ الْوَرَاءِ وَ يُؤْجِدُهُ ثَبَتُ الْأَرْضِ

اجتماعی و عدالتی که اسلام می‌گوید را پیاده کرده است؟ کسی ادعا نکرده که ما توانسته‌ایم اسلام را در روند جاری کشور مجسد و متبلور کنیم. ما ضعف‌ها فراوانی داریم ولی اگر ایرادی هست از زمام‌داران و مدیران جامعه و خود مسلمانان است. در واقع از این منظر اشکالی متوجه اسلام و بنیان‌گذاران و پیشوایان دین نخواهد بود.

اما بخش اساسی و بنیادین کلام او که محل چالش اساسی صحبت اوست مورد خطاب قرار دادن شیعه و حوزه‌های علمیه شیعه و امام عصر عجل الله تعالی فرجه له است؛ «شما که مدعی هستید امام عصر عجل الله تعالی فرجه له دارید و می‌گویید حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه له حضور دارد و مراقب و مواظب شماست، اثر و نقش و حضورش کجاست؟! فرق من منکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه له با شما چیست؟!». یک پاسخ نقضی و دو پاسخ حلی برای این سخنان قابل طرح است.

پاسخ نقضی

اگر قرار باشد ما این گونه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه له برخورد کنیم و بگوییم: شما الان نزدیک ۱۳۰۰ سال است حضور دارید و حیات دارید، پس نقش و کار و فعالیت شما کجاست و اصلاً در این خطرات و بلایا شما کجا هستید؟ اگر کمی بالاتر بیاییم، تمام کسانی که ملحد و کافر هستند می‌توانند به دین‌داران همین گونه استدلال کنند و بگویند: شما که می‌گویید خدا هست، شما که خدا را به علم و حکمت و درایت و مصلحت و خیرخواهی و... می‌ستایید، پس این خدای شما کجاست؟! چه نقشی در جهان بازی می‌کند؟! آقای ریچارد داوکینز کتابی به نام

و السَّمَاءَ ما این نگاه را به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه داریم. اگر کسی ایشان را باور ندارد، ما نمی توانیم بگوییم پرده غیب را کنار بزن و بین در جهان چه خبر است! اینکه غیب را چگونه باور کردیم و چگونه پذیرفتیم، مسئله مهمی است.

پاسخ حلی

پاسخ اول؛ اساساً دین و انبیا نیامده اند پدیده ای به نام ویروس و باکتری و بیماری بدن را علاج کنند. قلمرو ادیان مسئله ای به نام طب، بهداشت بدن، تغذیه و سلامت بدن نیست! اساساً انبیا خودشان طبیب داشتند و به پزشک مراجعه می کردند. در مدینه، طبیبی به نام بخت شیوع بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله به او مراجعه می کرد. اهل بیت علیهم السلام کسانی داشتند که آن ها را حجامت و فصد می کردند. حضرت امیر علیه السلام وقتی سر مبارکش را شکافتند، طبیب بالای سرشان آوردند. نمونه های فراوانی از این دست در تاریخ وجود دارد.

البته این به آن معنا نیست که انبیا و اهل بیت علیهم السلام به چنین علومی آگاهی نداشتند. علم ائمه و انبیا، علیهم السلام به حسب مراتبشان علم بی کران است. طبق روایات کتاب کافی اگر علم الهی ۷۰ بخش باشد، ۶۹ بخش به این بزرگواران داده شده است. اما مسئله این است که قرار نیست علمشان را آشکار کنند و بروز و ظهور دهند. چون اگر بروز دهند نقش آن ها تغییر می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله اگر برای مردم نسخه می پیچید یک طبیب حاذق می شد ولی دیگر پیامبر نبود! تعلیم و تربیت و پرورش روان سخت ترین و دشوارترین کاری است که انبیا به عهده گرفتند. مباحث طب و بدن و بهداشت و برای کارهای این دنیا خدا در قرآن می فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ» کنایه از اینکه برای کارها و امور دنیایی من از دور به شما کمک می کنم و نیاز نیست انبیا را

بفرستم که پزشک شوند و برای شما نسخه طب و بهداشت بپیچند! بنابراین اساساً نباید این توقع را از امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشت که برای کرونا یا هر بیماری یا مسئله بهداشتی دیگر نسخه بپیچد؛ چون این جزء وظایف حضرت نبوده و نیست. در مدینه النبی، در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وقتی بیماری آمد همه مردم خیلی طبیعی به پزشک مراجعه کردند. در مدینه سیل آمد برای جلوگیری از آن راه طبیعی را طی کردند. یا در مدینه حوضچه های آب بود که هزار آفت و آسیب برداشته بود و برای برطرف کردن آن راه طبیعی را طی کردند.

پاسخ دوم؛ در عین اینکه ما تأکید می کنیم قلمرو دین، طب و بهداشت و صحت و سلامت نیست اما اگر چنین بیماری و آفتی بیاید اینگونه نیست که خدا و اولیای الهی بیکار نشسته باشند. وقتی زکریا بن آدم به امام رضا علیه السلام نامه نوشت که جوانان قم جهالت دارند، من از این شهر بروم، امام رضا علیه السلام فرمودند: «بمان، تو برای مردم قم امن هستی، همانگونه که پدرم برای مردم بغداد امن بود». در تاریخ هزار و چند صد ساله که حضرت حضور داشتند بلاها و گرفتاری های بسیار فراوانی علیه شیعه وجود داشت، یکی از آن ها حمله مغول در سده هفتم بود که سرزمین های اسلامی را ویران کردند، اما همان کسانی که وارد این سرزمین ها شدند و همه را با خاک یکسان کردند، عاقبت مسلمان شدند. همان ها گورشادها و سلاجقه شدند، مساجد و پل ها و ساختمان ها و منابر را آن ها ساختند و همان ها بزرگ ترین مدافعان تبلیغ دین و اسلام گشتند. بهترین مغزهای ما، مغزهای متفکر اسلامی در خدمت در آمدند، خواجه نصیر در خدمت هلاکوخان درآمد. چون این ها در اسلام ذوب شدند. آیا این ها نقش نیست؟ شیعه چطور با این همه

دشمن باقی ماند؟ همین الان زمین و زمان را به هم

قرار نیست انبیا و اولیا همه علمشان را بروز و ظهور دهند؛ چون اگر بروز دهند نقش آن ها تغییر می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله اگر برای مردم نسخه می پیچید یک طبیب حاذق می شد ولی دیگر پیامبر نبود! تعلیم و تربیت و پرورش روان سخت ترین و دشوارترین کاری است که انبیا به عهده گرفتند. خدا می فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ» کنایه از اینکه برای کارها و امور دنیایی از دور به شما کمک می کنم. بنابراین نباید این توقع را از امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشت که برای کرونا یا هر مسئله بهداشتی دیگر نسخه بپیچد.

دوخته و بافته اند که اثری از شیعه و اهل بیت و ولایت نماند. چطور جهان لبریز است، چطور بیست میلیون آدم پیاده به کربلا می روند؟ آیا دست ولی عصر عجل الله تعالی فرجه نیست؟ انتظار داریم نقش حضرت را چگونه ببینیم؟ امام جعفر صادق علیه السلام به آن زندیق فرمود: «خواب و بیداری تو از خدا است، نفس تو از اوست، چشم و بینایی و شنوایی تو از اوست، همه وجود تو از اوست...» اگر درست ببانددیشیم دست حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه هم دست پنهانی نیست. چه بسا اگر پرده کنار برود، با این همه ضعف ها و عیب هایی که داریم، بر ما بسیار آشکارتر خواهد شد که حضرت چه دفاعی از شیعه و کیان شیعه و کشور شیعه می کنند.

پی نوشت ها:

۶. طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۳۱، احتجاج ابي عبد الله الصادق علیه السلام فی انواع شتی من العلوم الدینیة علی اصناف کثیرة من أهل الملل و الدیانات.

۴. مائده: ۳۱.

۵. «لَا تَقْعَلْ فَإِنَّ أَهْلَ قَوْمٍ يَدْفَعُ عَنْهُمْ بِكَ كَمَا يَدْفَعُ عَنْ أَهْلِ بَعْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام». بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۷۸، ح ۳۲.

۱. واقعه: ۶۳ و ۶۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

۳. مفاتیح الجنان، دعای عدلیه.

تمدن غرب در چالش‌های کرونا

چالش‌های معرفتی، هویتی و کارکردی

دکتر سید ضیاءالدین میرمحمدی

عضو هیأت علمی گروه تاریخ و تمدن دانشگاه معارف اسلامی



درآمد



این سؤال در حالی مطرح است که بخشی از انحطاط تمدن‌های بزرگی که در قرآن از آن‌ها نام برده می‌شود، بر اساس سنت‌های طبیعی رقم خورده است. بنابراین کرونا یک فرصت است که ما فضای جهان طبیعی و پدیده‌های طبیعی را وارد حوزه مطالعات تمدنی کنیم. اما در مطالعات تمدنی در ایران، کمتر بین جهان طبیعی و جهان انسانی و جهان تمدنی نسبت برقرار می‌کنیم.

یک آسیب جدی که در مطالعات تمدنی ما و جهان اسلام وجود دارد این است که وقتی وارد مباحث پیدایش، گسترش، تعالی و انحطاط تمدنی می‌شویم، معمولاً اینها را با پدیده‌های انسانی و جهان انسانی گره می‌زنیم؛ اما چیزی که امروز اتفاق افتاده یک پدیده طبیعی است و این پدیده نظام نیازهای

ممکن است در آینده تمدن غرب، این تمدن فعال جهانی، تحولاتی ببینیم که بخشی از آن به خاطر این پدیده طبیعی کرونا، باشد. سه محور چالش‌های معرفتی و هویتی و کارکردی که این پدیده طبیعی برای تمدن غرب ایجاد کرده در این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد. این نوشته درآمد و مقدمه‌ای است بر اینکه چگونه پدیده‌ای طبیعی، که در جهان طبیعی شکل می‌گیرد، می‌تواند پدیده‌های انسانی و تاریخی و تمدنی را تحت الشعاع قرار دهد.

سه نکته در انحطاط تمدن غرب

قبل از ورود به اصل مطلب به بیان سه نکته به عنوان مقدمه پرداخته می‌شود:

نکته اول؛ اینکه می‌توانیم چالش‌های کرونا برای تمدن غرب را با رویکردهای مختلف تمدنی از جمله رویکرد فلسفی، راهبردی، الهیاتی، نظریه‌های علوم انسانی، تاریخی، میان رشته‌ای و فرا رشته‌ای مورد بررسی قرار دهیم؛ که در ایران معمولاً با رویکرد تاریخی مطالعات و مباحث تمدنی انجام می‌شود. این مقاله در حد درآمد و مقدمه‌ای است که با رویکرد فلسفی و راهبردی به این چالش‌ها می‌پردازد و پرداختن بیش از این نیاز به کاری پژوهشی و تأمل مضاعف دارد.

نکته دوم؛ سؤال از انحطاط تمدن غرب مانند دیگر تمدن‌ها، قبل از جنگ جهانی اول و دوم، بین فیلسوفان نظری تمدن غرب مطرح بوده است؛ اما جواب این سؤال تابع مبنای اتخاذ شده است؛ انحطاط تمدن غرب تابع کدام یک از جبر فلسفی یا جبر تاریخی است؟ اگر مبنا جبر فلسفی باشد، انحطاط تمدن‌ها قطعاً یک فرایند جبری و ذاتی است و تمدن غرب هم از این قاعده مستثنا نیست. اگر مبنا جبر تاریخی باشد، انحطاط و عدم انحطاط تابع عوامل و شرایط تاریخی است. در نبود برخی علل و عوامل و شرایط تاریخی، ممکن است تمدن به سمت انحطاط برود و با وجود این علل و عوامل و شرایط تاریخی ممکن است جلوی این انحطاط گرفته شود.

پدیده‌های طبیعی، مخصوصاً بعد از رنسانس، به ندرت توانستند جهان انسانی و تاریخی و به طریق اولی جهان تمدنی را تحت الشعاع قرار دهند. آیا این پدیده طبیعی، تمدن‌ها و از جمله تمدن غرب را که بعد از رنسانس تا امروز یک تمدن فعال جهانی بوده و معادلات عمده سیاسی فرهنگی اجتماعی در دنیا توسط آن رقم خورده، می‌تواند دچار انحطاط کند؟

یکی از فلسفه‌های اصلی چالش غرب با

انقلاب اسلامی ایران در این چهل سال، چالش تمدنی است. جهان بینی تمدنی که انقلاب اسلامی ایران ایجاد می‌کند و توسعه می‌دهد کاملاً با جهان بینی تمدنی غرب در تضاد است و این نکته را هانتینگتون نیز تأکید می‌کند. بنابراین تمدن غرب در وضعیت چالشی با تمدن‌های کشورهای آسیای شرقی و روس‌ها و کشورهای اسلامی با محوریت ایران و انقلاب اسلامی قرار دارد و این چالش به واسطه کرونا سرعت و شتاب بیشتری می‌گیرد.

رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با استاد ملی کرونا تأکید کردند: توانایی مدیریت، فلسفه اجتماعی و اخلاق سه عرصه شکست غرب در کرونا



مهم‌ترین چالش کرونا در جامعه غرب،
چالش‌های کارکردی است. در چالش‌های کارکردی
پاسخ‌های تمدن غرب به نیازهایی که در جهان
تمدنی پیش می‌آید پاسخ‌های کاملی نیست و این
پاسخ‌های ناقص یک چالش کارکردی جدی برای
تمدن غرب ایجاد می‌کند. کرونا یک پدیده طبیعی
است ولی کارکرد نظام تمدنی، کارکرد نظام
فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تمدن غرب را نشانه
گرفته و در این نشانه‌گیری با عدم پاسخ‌های جدی
از طرف نظام‌های تمدنی غرب مواجه هستیم.

غرب ایجاد می‌کنند. تمدن‌های در جریان و چالش‌ها برای تمدن غرب از جمله
تمدن اسلامی به محوریت انقلاب اسلامی ایران، تمدن روس‌ها با محوریت یک
تمدن مسیحی ارتدوکس، تمدن آسیای شرقی با محوریت چین هستند که اگر
برخورد تمدنی اتفاق نیفتد مسیر انحطاطی تمدن غرب رقم می‌خورد. او در این
کتاب دهه ۶۰-۷۰-۸۰-۹۰ میلادی را با هم مقایسه می‌کند و می‌گوید هر دهه
میلادی که جلو می‌رویم نشان از کاهش قدرت تمدنی غرب هست. این کاهش
قدرت را در عرصه اقتصاد و سیاست و فرهنگ با یک سری آمارها و استقراءهای
تاریخی نشان می‌دهد.

نکته سوم؛ وضعیت موجود تمدن غرب است. براساس دو نکته قبلی تمدن
غرب، تمدن مسلط رایج جهان است، رایج از این حیث که تمدن فعال جهانی
است. بعد از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد تا ۲۰-۳۰ سال اخیر تمدن غرب با
محوریت اروپای غربی و آمریکا یک‌تازی می‌کرد و رقیبی نداشت. اما در ۲۰-۳۰
سال اخیر با حضور چینی‌ها و کشورهای آسیای شرقی از یک طرف و کشورهای
اسلامی با محوریت ایران از طرف دیگر وضعیت فرق کرده است. هانتینگتون
می‌گوید: چالش غرب در آینده به لحاظ تمدنی با تمدنی است که انقلاب اسلامی
ایران ایجاد کرده است و دلیل او هم مبتنی بر استدلال تاریخی است؛ چون ایران

تمدن غرب را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. از این حیث فرصتی ایجاد
شده که مؤلفه‌ها و ارکان جهان تمدنی را صرفاً از نوع انسانی و تاریخی نبینیم و
پدیده‌های طبیعی (این پدیده طبیعی چه مستقیماً به واسطه خدا اتفاق افتد و
چه براساس یک اسباب طبیعی، که الان در دنیای امروز شاهد آن هستیم اتفاق
افتد) را نیز بخشی از اجزا و مؤلفه‌های درون جهان تمدنی به حساب آوریم که
می‌توانند در پیدایش و تعالی یا انحطاط تمدن نقشی، حتی مستقیم، ایفا کنند.
نمونه‌های تاریخی و قرآنی این بحث نیز کاملاً قابل بررسی است.

کرونا به عنوان یک پدیده طبیعی تمدن‌های شرقی را کمتر از تمدن غرب
تحت الشعاع قرار داده است، یعنی تمدن غرب بیشترین آسیب را از این پدیده
طبیعی دیده است. چه کرونا به وجود می‌آید، چه نمی‌آید، بر مبنای جبر فلسفی
یا جبر تاریخی انحطاط تمدن‌ها، فرضیه‌ای جدی بوده است. بخش مهمی از
فیلسوفان نظری تمدن غرب مقوله انحطاط تمدن غرب را مطرح کرده‌اند که
گویا کرونا این بحث را شتاب بخشیده و انحطاط تمدنی غرب را با شتاب بالاتری
در آینده خواهیم دید. نتیجه این شتاب در انحطاط تمدنی غرب، جابه‌جایی در
کانون‌های فعال تمدن جهانی است. البته قبل از کرونا هم این جابه‌جایی در
حال انجام بود ولی کرونا، به عنوان یک پدیده طبیعی، این جابه‌جایی
کانون‌های فعال تمدنی از مغرب زمین به مشرق زمین را، تسریع کرده است.

آن دسته از متفکران آمریکایی که نظراتشان در اخبار رسمی و پایگاه‌های ما
منتشر می‌شود اخیراً بحث جابه‌جایی کانون‌های تمدنی را مطرح کرده‌اند. برخی
از فیلسوفان نظری غرب مثل اشپنگلر، آلبرت شوابتز، سوروکین، کروبرو
دانلیفسکی، بدیلر شخصیت‌هایی هستند که حتی قبل از جنگ جهانی دوم
تأکید داشتند تمدن غرب یک مسیر انحطاطی را شروع کرده و دهه به دهه قدرت
و توان تمدنی غرب کاهش پیدا می‌کند. آقای هانتینگتون، رئیس مرکز
استراتژیک کاخ سفید، با رویکردی راهبردی تمدن‌های موجود جهان، از جمله
تمدن غرب را مورد تحلیل قرار می‌دهد و تزوی این است که تمدن غرب به سمت
انحطاط می‌رود.

هانتینگتون تز نظم «نوبین جهانی و برخورد تمدن‌ها» را ارائه می‌دهد تا
جلوی انحطاط تمدن غرب را بگیرد. اساساً کتاب «نوبین جهانی و برخورد
تمدن‌ها»، با نگاهی راهبردی به تجویز سیاست‌های تمدنی برای کاخ سفید
پرداخته است تا جلوی انحطاط تمدن غرب را بگیرد. تمام حرف این کتاب این
است که تمدن‌هایی که در جریان هستند چالش‌هایی را برای توان تمدنی تمدن

سه دوره تجربه تمدن جهانی را دارد و دوره چهارم نیز با محوریت ایران اسلامی و انقلاب اسلامی در جهان اسلام اتفاق می‌افتد.

یکی از فلسفه‌های اصلی چالش غرب با انقلاب اسلامی ایران در این چهل سال، چالش تمدنی است. جهان‌بینی تمدنی که انقلاب اسلامی ایران ایجاد می‌کند و توسعه می‌دهد کاملاً با جهان‌بینی تمدنی غرب در تضاد است و این نکته را هانتینگتون نیز تأکید می‌کند. بنابراین تمدن غرب در وضعیت چالشی با تمدن‌های کشورهای آسیای شرقی و روس‌ها و کشورهای اسلامی با محوریت ایران و انقلاب اسلامی قرار دارد و این چالش به واسطه کرونا سرعت و شتاب بیشتری می‌گیرد.

تمدن معیار در بوته نقد

اگر بخواهیم تحلیل جامعی از تمدن غرب ارائه دهیم باید به تحلیل پارادایمی که شامل تحلیل هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تمدن غرب است، بپردازیم. تمدن غرب خود را به عنوان تمدن معیار معرفی می‌کند یعنی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی خود را معیار می‌داند. البته از نظر ما و جهان شرق، نه این تمدن و نه سه گانه مذکور هیچ کدام معیار نیستند و شاهد ما بر این ادعا ناکارآمدی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تمدن غرب نسبت به تحلیل و رویارویی با پدیده طبیعی کروناست.

اولین چالشی که کرونا در حال حاضر برای تمدن غرب ایجاد کرده، چالش معرفتی است. کرونا حیثیت معرفتی و بالتبع حیثیت وجودی تمدن غرب را تحت الشعاع قرار داده است. تمدن غرب در دنیا به این شناخته می‌شود که توان پاسخ‌گویی به هر چالش و نیازی را دارد. تمدن غرب مدعی است در حوزه نیازهای معرفتی قدرت پاسخ‌گویی به چالش‌هایی که در حوزه‌های معرفتی و وجودشناسی و هستی‌شناسی ایجاد می‌شود را دارد اما نظام معرفتی تمدن غرب تاکنون در برابر شناخت و مهار این ویروس ناتوان بوده است!

در حوزه معرفتی بحث مهم به لحاظ چالش تمدنی، تمدن معیار است. در دهه‌های اخیر، آن چیزی که تمدن غرب در دنیا روی آن تأکید می‌کند این است که فرهنگ و تمدن غرب، فرهنگ و تمدن معیار است! جهانی‌سازی را اساساً بر این الگو بنیان نهاد. در پایان تاریخ هم از منظر فلسفه نظری تاریخ، هم از منظر فلسفه نظری تمدن، تمدن غرب به این رسید که پایان تاریخ و پایان تمدن، حاکمیت تمدن غرب است. با همین مبنا الگوهای مطالعاتی را دستکاری کردند، الگوهایی که اینها درست کردند به این شکل است که در پایان تمدنی تنها حاکمیت از آن غرب است.

حتی غربی‌ها در پیدایش و استمرار و پایان تمدنی اصل‌های جعلی به نام اصل وحدت تمدنی بر ساختند. به این معنا که شروع و استمرار و پایان تمدن، صرفاً با تمدن غربی است. معیارهایی را برای بررسی تمدن‌ها، به عنوان الگوهای مطالعاتی برای تحلیل و درک تمدن‌های جهانی، طراحی کردند که نهایت آن معرفی تمدن غرب به عنوان تمدن معیار می‌شد! در مرحله بعد می‌خواستند

تمدن معیار را در دنیا به عنوان قاعده معرفی کنند که تمدن‌های دیگر تابع و پیرو این تمدن شوند، اما یک پدیده طبیعی مثل کرونا معیار معیار بودن تمدن غرب را به هم زد. یعنی به دلیل عدم پاسخگویی به خیلی از نیازهای تمدنی که الان در جهان غربی ایجاد شده، غرب به شدت با چالش جدی معیار بودن تمدن غرب برای جهان شرق و جهان اسلام و حتی خود غرب، مواجه است.

محور اصلی تمدن غرب نظم مدنی و نظم مکانیکی است که در جهان تمدنی خود ایجاد کرده؛ اما یکی از عوارض و چالش‌های جدی کرونا در اروپای غربی و آمریکا، بر اساس مستندات که خودشان ارائه کرده‌اند، بر هم خوردن همین نظم مدنی و نظم مکانیکی تمدن غرب است. یک پدیده طبیعی توانسته یک تمدن با قدرت و دامنه چهارصد ساله را زمین‌گیر کند.

در کمترین مدت بین چند ماه تغییر وضعیت فرهنگی، حتی به لحاظ نظام توزیع و مصرف، در آمریکا و کشورهای اروپای غربی اتفاق افتاد. باید توجه شود منظور از اختلال در نظام توزیع و مصرف، صرفاً ایستادن در صف مواد غذایی نیست. منظور این است که یک پدیده طبیعی مثل کرونا، تعاون به معنای همبستگی اجتماعی را کلاً از بین می‌برد. همبستگی اجتماعی حتی از نوع مکانیکی آن که یکی از کارکردهای اصلی تمدن غرب برای جامعه غربی بوده است، در کوتاه مدت به گسست اجتماعی منجر شده است. اینکه ناگهان فروشگاه‌ها خالی می‌شود و صف‌های کیلومتری برای تأمین مایحتاج ابتدایی تشکیل می‌شود نشان می‌دهد این تمدن با کمترین پدیده طبیعی با چالش‌های تمدنی مواجه است؛ نظم مکانیکی و مدنی خودش را از دست می‌دهد و به جای همبستگی اجتماعی جبری و ماشینی حاکم در جامعه غربی، شاهد گسست اجتماعی هستیم.

چالش هویتی

دومین چالشی که تمدن غرب در مواجهه با کرونا با آن مواجه است چالش هویتی است. هانتینگتون در کتاب خود می‌گوید: جنگ آینده در جهان تمدنی، هویت‌های تمدنی است. در آینده وقتی از یک حوزه یا شخص یا گروه انسانی سؤال می‌شود که شما به کجا تعلق دارید، هویت تمدنی پاسخ این تعلق است و اصلاً نژادها و برخوردها با هویت تمدنی است و در نهایت یک هویت تمدنی واحد در جهان تمدنی حاکم خواهد شد! هویت تمدن غرب مبتنی بر خیلی مؤلفه‌ها و شاخص‌هاست که در کتاب نام می‌برد و به نوعی هویت تمدنی غرب را یک هویت تاریخی اتصالی تصویر می‌کند که اصلاً نمی‌شود آن را زیر سؤال برد! حال آنکه با همین پدیده کرونا نظم ظاهری مدنی و نظم ماشینی غرب که منشاء هویت تمدنی غرب بود به شدت با چالش جدی مواجه شده است. کرونا یک پدیده طبیعی در جهان طبیعی است که بازتاب‌ها و کارکردهایی در جهان انسانی و جهان تمدنی ایجاد می‌کند.

مهم‌ترین چالش کرونا جدا از خیلی از کمبودهایی که در جامعه غرب ایجاد شد، چالش‌های کارکردی است که برای تمدن غرب پیدا شده است. در چالش‌های کارکردی پاسخ‌های تمدن غرب به نیازهایی که در جهان تمدنی پیش می‌آید پاسخ‌های کاملی نیست و این پاسخ‌های ناقص یک چالش

کارکردی جدی برای تمدن غرب ایجاد می‌کند. کرونا یک پدیده طبیعی است

غربی‌ها در پیدایش و استمرار و پایان تمدنی، اصل‌های جعلی به نام اصل وحدت تمدنی برساختند؛ به این معنا که شروع و استمرار و پایان تمدن، صرفاً با تمدن غربی است. معیارهایی را برای بررسی تمدن‌ها، به عنوان الگوهای مطالعاتی برای تحلیل و درک تمدن‌های جهانی، طراحی کردند که نهایت آن معرفی تمدن غرب به عنوان تمدن معیار می‌شد! در مرحله بعد می‌خواستند تمدن معیار را در دنیا به عنوان قاعده معرفی کنند که تمدن‌های دیگر تابع و پیرو این تمدن شوند، اما یک پدیده طبیعی مثل کرونا معیار معیار بودن تمدن غرب را به هم زد. یعنی به دلیل این عدم پاسخگویی به خیلی از نیازهای تمدنی که الان در جهان غربی ایجاد شده، غرب به شدت با چالش جدی معیار بودن تمدن غرب برای جهان شرق و جهان اسلام و حتی خود غرب، مواجه است.

ولی کارکرد نظام تمدنی غرب، کارکرد نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تمدن غرب را نشانه گرفته و در این نشانه‌گیری با عدم پاسخ‌های جدی از طرف نظام‌های تمدنی غرب مواجه هستیم.

اساساً تمدن تنها نظامی است که قدرت پاسخ‌گویی به نظام نیازهای انسان را دارد. انسان‌ها به سمت تمدن می‌روند چون تمدن عالی‌ترین سطح نظام

اجتماعی است. خیلی از نیازهای انسانی در سطح فردی یا خانوادگی یا اجتماعی یا منطقه‌ای، باید بر اساس یک نظام پاسخ داده شوند و تنها نظامی که قدرت پاسخ‌گویی نظام نیازهای انسانی در تمام سطوح را دارد، نظامی است که تمدن ایجاد می‌کند. بنابراین تمدن یک نظام سیاسی دارد برای اینکه به نیازهای سیاسی انسان از سطح فرد تا مقیاس جهانی پاسخ دهد. تمدن ایجاد می‌شود برای اینکه به نظام نیازهای اقتصادی انسان‌ها پاسخ دهد؛ یعنی انسان‌ها یک نظام سیاسی و فرهنگی و اقتصادی دارند که بر تمدن متمرکز می‌شود برای اینکه به نیازهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی انسان تمدنی پاسخ داده شود.

قدرت تمدن غرب برای اینکه به نیازهای سیاسی‌اش پاسخ دهد، به شدت کاهش پیدا کرده و این کاهش قدرت را هم کرونا به شدت تحت الشعاع قرار داده است. خیلی از نیازهای فرهنگ تمدن غرب و جامعه غرب که باید نظام فرهنگی به آنها پاسخ دهد، به دلیل سیطره کرونا تحت الشعاع قرار گرفته است. بنابراین کرونا باعث شده که قدرت پاسخ‌گویی نظام‌های اقتصادی سیاسی فرهنگی تمدن غرب به نظام نیازهایی که ایجاد کرده بود به شدت مختل و با چالش‌های جدی مواجه شود. مهم‌ترین شاخص ارزیابی کارکردی یک تمدن فعال میزان توانمندی آن تمدن در پاسخگویی به نظام نیازهای سیاسی فرهنگی اقتصادی است. کرونا باعث شد تمدن غرب با چالش کارکردی مواجه شود و توان کارکردی‌اش در جامعه غرب و جهان تمدنی به شدت کاهش پیدا کرده است.

چیزی که اکنون در عینیت تمدنی اتفاق می‌افتد این است که چالش طبیعی به نام کرونا، قدرت و توان تمدن غرب را به شدت تحت الشعاع قرار داده و با چالش جدی مواجه کرده است.

کرونا به عنوان چالشی طبیعی، چالش‌های تمدنی برای تمدن غرب ایجاد کرد که حداقل می‌شود نتایج این چالش‌ها را در حوزه چالش‌های معرفتی و هویتی و کارکردی برای تمدن غرب مشاهده نمود. در مباحث تمدنی سه عامل می‌تواند نقش مهم و اساس داشته باشد ولی در مطالعات تمدنی تنها عامل انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ اما دو عامل دیگر که غالباً نادیده گرفته شده، یکی عوامل طبیعی و دیگری عامل متافیزیکی است و جا دارد که در مورد این دو عامل مهم و مغفول پایان‌نامه‌ها و مقالاتی نگاشته شود.



کارکردهای فردی اخلاق دینی

در مواجهه با بیماری‌های فراگیر با محوریت کرونا

دکتر محمد جواد فلاح

دانشیار دانشگاه معارف اسلامی

تأثیر خداوند در زندگی انسان است. خدایی که در تمام افعال و سکنا و حرکات همه فعل و انفعالات هستی و انسان حضور و ظهور دارد؛ نه خدایی که نظاره‌گر صرف است و جهان را کوک کرده و این جهان است که بدون دستکاری و دخالت الهی کار خودش را انجام می‌دهد. اخلاق دینی را باید به منابع دینی پیوند داد که منعکس‌کننده و معرفی‌کننده مبانی نیز هست و با هم پیوند وثیقی دارند. این منابع شامل منابع اصلی یعنی آیات و روایات اسلامی و منابع تبعی شامل تفسیر سایر علوم مرتبط است که منابع اصلی از طریق ابزارها و منابعی مثل عقل بر اساس معیارهای مشخص قابل داوری است. این مبانی که شامل مبانی الهیاتی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است خط و مشی اصلی اخلاق را رقم زده و زمینه‌ساز رفتارهای ما خواهد شد. لذا کارکردهای اخلاق دینی را می‌توان بر اساس مبانی ذکر شده تفسیر نمود.

در ادامه به کارکردهای دین در حوزه‌های اخلاق فردی خواهیم پرداخت و تا حدی نشان خواهیم داد اخلاق مبتنی بر دین به ویژه در شرایط دشوار و بحرانی که خودمحوری فزونی می‌یابد کاراتر و مؤثرتر عمل می‌کند.

کارکردهای فردی اخلاق دینی

۱. **حوزه اخلاق بندگی؛** یکی از مسائلی که انسان همواره نسبت به آن دغدغه دارد، نوع ارتباط او با خداست این ارتباط بستگی به نوع نگرش افراد دارد و ممکن است در شرایط مختلف متفاوت باشد؛ به ویژه در بحران‌ها ممکن است تعامل و ارتباط انسان با خداوند دستخوش تغییر شود. گاهی انسان بلاها و مشکلات را از جانب خدا می‌داند لذا لب به اعتراض گشوده و از چرایی چنین مصیبت‌ها و بلایایی سخن می‌گوید. زندگی اخلاقی و معنوی انسان نیز در چنین شرایطی گاه دستخوش تغییراتی می‌گردد. این حوادث گاهی منشأ دوری و بغض به حق و گاه اسباب نزدیکی و قرب به خداوند می‌شود و انسان را به عنوان موجودی نیازمند بیش از پیش به خداوند نزدیک می‌کند. گزارش مواجهه انسان در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در سوره فجر آمده است: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِي * وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِی؛ آری، آدمی این‌گونه است که وقتی پروردگارش او را می‌آزماید به این طریق که عزیزش می‌دارد و نعمتش می‌بخشد، گوید پروردگار مرا عزیز داشته و

درآمد

دیدگاه‌های اخلاقی زمانی توانمندی و اعتبار خود را نشان می‌دهند که در شرایط بحرانی و دو راهه‌های اخلاقی، کارایی و اثر بخشی لازم را داشته باشند. امروزه ما با نظریات مختلف اخلاق هنجاری (Normative ethics) مواجهیم. دیدگاه‌های غایت‌گرا، وظیفه‌گرا و فضیلت‌محور هر کدام برای حل مسائل اخلاقی پیشنهاداتی را طرح و بر اساس نظریه خود نسخه‌های اخلاقی را تجویز می‌کنند. در رویکرد فضیلت‌محور، فضایی هستند که معیار عمل‌کرد اخلاقی‌اند. در نگاه غایت‌گرایانه نیز دیدگاه‌ها متفاوت است. غایت‌گاهی سود، لذت، منافع و گاهی نیز سعادت و فوز است؛ دیدگاه اسلامی به موارد اخیر نزدیک‌تر است. در وظیفه‌گرایی معیار کار اخلاقی انطباق با وظایف است؛ البته اینکه وظایف اخلاقی اعتبارشان از کجاست، خود مسئله‌ای مجزا است. این نظریات رابج اخلاقی در صحنه عمل باید نشان دهند که چقدر می‌تواند موجب پیشبرد اهداف اخلاقی در فرد و جامعه شوند.

پدیده کرونا ویروس یکی از میدان‌هایی است که دیدگاه‌های اخلاقی به شکل عینی و ملموس مورد محک قرار می‌گیرند و می‌توان کارایی و اثربخشی هر کدام از نظریات موجود را بر اساس آن ارزیابی کرد. این رصد می‌تواند با نگاهی کارکردگرایانه در دو حوزه اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی باشد. نکته‌ای که در این مجال بر آن پای می‌فشاریم اذعان به این است که دیدگاه اخلاقی برخاسته از دین می‌تواند با داشتن مبانی و مؤلفه‌های واقعی نسبت به دیگر رویکردها، موفق‌تر عمل کند به ویژه توجه و تمرکز ما بر آموزه‌های اخلاق اسلامی است که نشان می‌دهد چگونه مبانی، معیارها و نوع ضمانت اجرای اخلاقیات در شرایط بحرانی مثل بیماری‌های فراگیر کاراتر و مؤثرتر عمل می‌کنند.

مقصود از اخلاق دینی

وقتی از اخلاق دینی گفت‌وگو می‌کنیم، مقصود ما واقعاً چیست؟ در نگرشی اسلامی محوری‌ترین عناصر این نوع اخلاق توجه به مبدأ و معاد است که می‌توان بر مدار آن به همه عناصر و اجزای اخلاق دینی پرداخت. از سویی این دو نگره در مبانی ما تأثیر به‌سزایی دارد به ویژه این که این مبانی از منابع اصلی دین گرفته شده باشد. در اخلاق دینی - در اینجا اسلام - سهم عمده، توجه به مبدأ و حضور و

انجام هر کاری را بر من روا دانسته است و اما وقتی او را می‌آزماید به این طریق که روزی را بر او تنگ می‌گیرد، گوید: پروردگارم مرا خوار شمرده است.»

بر اساس آیه فوق حالات انسان‌ها در برابر بلا یا متفاوت است از این رو در مواجهه با بلایی چون کرونا این پرسش مطرح است که در مواجهه با این بیماری ارتباط ما با خداوند چگونه است؟ تفسیری که از نوع مواجهه با خداوند در شرایط این بیماری صورت می‌پذیرد این است که این بیماری در ارتباط با خدا می‌تواند در زیست اخلاقی افراد تأثیرگذار باشد، کسی که این بیماری را جلوه رحمت خدا می‌داند در تعامل با خودش، هستی و جهان، نسبت به کسی که این بلا را جلوه غضب خداوند می‌بیند، متفاوت است. به هر روی کرونا و بیماری‌های فراگیر شبیه آن، همواره افراد را وارد چالش‌های مذهبی و دینی می‌سازد و افراد پرسش‌های مختلفی را در این زمینه به میان می‌آورند: آیا خداوند نسبت به انسان‌ها غضب کرده است؟ آیا این بیماری اسباب تنبیه و بیداری معنوی و دینی جوامع است؟ آیا این بیماری مظهر رحمت الهی است؟ آیا خدایی که این بیماری را به جان بشر انداخته، عادل است؟ انسان‌های ضعیف و فقیر چگونه می‌توانند با این بیماری کنار بیایند؟ آیا خداوند ناظر این بندگان نیست؟ این‌ها بخشی از سؤالاتی است که در حوزه دینی و الهیاتی قابل طرح است.

البته نکته دیگر حضور مردم در اماکن مذهبی مثل مساجد یا مراسم‌های معنوی برای انجام فرائض دینی و ارتباط با خداست. آیا انسان می‌تواند به خاطر چنین شرایطی از حضور در این اماکن پرهیز کند؟ نیاز معنوی و روحی با مسئله حفظ سلامتی چگونه قابل جمع است؟ یکی از چالش‌های اخلاقی مؤمنان در این شرایط، مسئله حضور در اماکن مقدس برای تسکین معنوی یا نشستن در خانه برای حفظ سلامتی و عدم انتقال بیماری است.

۲. خودشناسی اخلاقی؛ حوادث و اتفاقات ناگوار همیشه زمینه‌ساز ظهور خلیقات و ویژگی‌های درونی افراد است. به تعبیر حضرت امیر (علیه السلام): «فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ». بیماری مثل کرونا باعث می‌شود افراد به خودشناسی اخلاقی دست یابند؛ این که: چقدر صبورند، به چه اندازه ایثارگرند، تا چه حدی ترسو و خائفند، چه میزان راجی و امیدوار هستند و در نهایت در مواجهه با چنین شرایطی از چه ویژگی‌های اخلاقی و روحی برخوردارند و چگونه می‌توانند چنین شرایط دشواری را مدیریت کنند.

در شرایط عادی ما همواره اخلاقی عمل می‌کنیم؛ ولی در شرایط بحرانی مثل عصبانیت در محیط خانه، برآورده نشدن انتظارات و بسیاری از حوادث از جمله مرگ و رنج و نیز بیماری مثل کرونا بیشتر محک اخلاقی خواهیم خورد:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

یعنی وقتی میدان ابتلا و امتحان پیش آید براساس فرموده امام حسین (علیه السلام): «فَإِذَا مُحْضُوا بِالْبَلَاءِ قُلَّ الدِّيَانُونَ». اتفاقاتی را که در جوامع مختلف از جمله جامعه غرب مشاهده می‌کنیم، نشانه نوعی خودخواهی و خودمحوری است که

هر کس می‌خواهد تنها گلیم خود را از آب بیرون بکشد و عنایتی به حقوق دیگران ندارد. اما در نگاه دینی چنین خودمحوری مطرود است و این گونه نیست بلکه ما به حکم وظیفه باید مراقب دیگران باشیم و صفاتی چون احسان، گذشت و ایثار در چنین شرایط بحرانی سرلوحه امور ما باشد از این جهت افراد می‌فهمند که تا چه حد می‌توانند اخلاقی رفتار کنند. در اصل مسئله دین می‌تواند موجب چنین رفتاری باشد چرا که در چنین شرایطی ضمانت اخلاق حائز اهمیت است از این جهت ما در فضای کرونا با نوعی محک اخلاقی مواجهیم که در اخلاق فردی است مثلاً با توجه به شرایطی که پیش می‌آید، در معرض خدمت‌رسانی به کسانی واقع می‌شویم که از این وضعیت آسیب دیده‌اند هر چند که خودمان در معرض ابتلا به بیماری قرار بگیریم.



۳. خود مراقبتی؛ یکی از مشکلاتی که این روزها جامعه کرونازده ما را تهدید می‌کند، بی‌تفاوتی نسبت به خود و سلامتی خویش است. برخی افراد سهل انگارانه خود را در معرض این بیماری قرار داده و اصلاً توجهی به توصیه‌های ایمنی نمی‌کنند. این افراد جدای از این که خود را در معرض بیماری قرار می‌دهند، باعث می‌شوند دیگران نیز دچار مشکلاتی شده و به جهت اجتماعی نیز به دیگران لطمه می‌زنند. ما در تعامل با «خود» باید ارزش و قدر خویش را در نظر گرفته و با یک «خود احترامی» و «خود ارزشمندی» دوست باشیم. مهربانی با خود و مراقبت از سلامتی جسمی و روحی یکی از بایدهای اخلاق دینی است که همواره مورد توجه قرار دارد. این که قرآن می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ» و «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» هم دلالت بر مراقبت روح و نفس دارد و هم دلالت بر مراقبت جسمی؛ که به عنوان یک اولویت در این کتاب الهی یاد شده است. عدم چنین مراقبت معنوی و روحی افراد را دچار افسردگی کرده، باعث می‌شود- آن چنان که در گزارش‌های رسانه‌ها آمده- افراد به‌خاطر خسته شدن از شرایط محدود کننده کرونا و حالت‌های وسواسی و افسردگی، خودکشی کنند یا به خود آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کنند یا این که برخی افراد خود را از ترس این بیماری به شدت حبس و زندانی کرده‌اند.

۴. **دل آرامی و اطمینان قلب؛** یکی از مسائلی که همواره می‌تواند افراد را در شرایط سخت و بحرانی آرام کند توجه به خداوند به عنوان عنصر امیدبخش است.

گزارش‌ها از شرایط روحی و روانی افراد در کشورهای مختلف، حاکی از بحران‌های روحی شدید مثل اضطراب، استرس، افسردگی و نگرانی به واسطه ظهور این بیماری است از این جهت دین می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط معنوی انسان و خدا شده و با تفسیری که از ابتلائات و رنج‌های انسان ارائه می‌کند، زمینه‌ساز معنابخشی به زندگی و آرامش افراد گردد. بخش مهمی از اضطراب افراد در شرایط دشوار زندگی به ویژه کرونا، عدم دستیابی به معنای صحیح از زندگی است که در پرتو دین قابل تحقق است.

۵. **امیدواری؛** یکی از مسائل مهمی که در شرایط بحرانی به ویژه در بیماری کرونا مهم است، مسئله امیدواری و عدم یأس است. این مسئله به ویژه درباره کسانی که گرفتار بیماری شده‌اند بیشتر حائز اهمیت است؛ افراد مسئولند از ایجاد حس ناامیدی برای چنین بیمارانی به شدت پرهیز کنند. اخلاق دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در این زمینه نیز می‌تواند کارگشا باشد. البته روح امیدی که در تعالیم اسلامی آمده مبتنی بر رحمت و عنایت الهی است و در جهان بینی اسلامی مؤمنان همواره باید خود را در سایه رحمت الهی بدانند؛ چنانچه در آیه شریفه «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ» را «أَيُّ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِهِ»^۷ یعنی از رحمت خدا ناامید نشوید» معنا کرده‌اند.

در این صورت افراد به واسطه شرایط بحرانی همه چیز را تمام شده نمی‌انگارند و چشمشان به روزنه‌های خیر و رحمت از جانب خداوند است که زمینه فرج و گشایش را در سخت‌ترین شرایط فراهم می‌کند. معنای این سخن آن است که افراد در دشواری‌ها همواره نیازمند حمایت فوق‌العاده و برتر هستند که در نگاه دین این عنصر، خداوند است که می‌تواند امیدبخش افراد در این شرایط باشد. از این جهت در ایام کرونا میل به دینداری و ذکر و یاد خدا بیش از پیش به چشم می‌خورد.

نتیجه

از مهم‌ترین مسائلی که در بحران کرونا می‌توان از منظر اخلاقی به آن

پرداخت، ارتباط افراد با خود و مدیریت تنهایی و مقابله با مسائلی چون ترس، ناامیدی، یأس و ایجاد انگیزه و امیدواری است. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند منجر به بهبود رابطه افراد با خودشان



در شرایط کرونا شود عنصر دین است. دین بر اساس مبانی الهیاتی و انسان‌شناختی، با ایجاد باورهای بنیادین به خداوند و تنظیم حیات انسان با حضور خداوند در صحنه زندگی، افراد را امیدوار و از ترس، استرس و نگرانی‌های بی‌جا می‌رهاند.

در اخلاق دینی ارتباط معنوی انسان با خداوند و تکریم خویش، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود وضعیت روحی افراد شده و در مدیریت تنهایی و اضطراب مهارت‌های بیشتری کسب کنند. این ویژگی در اخلاق مبتنی بر دین نمود بیشتر و پایاتری دارد. از طرفی شرایط کرونا زمینه‌ساز محک اخلاقی افراد است تا بر اساس قرار گرفتن در چنین شرایط دشواری، نگرش‌ها و نقاط ضعف و قوت اخلاقی خود را بازشناسند.

پی‌نوشت‌ها

۵. مائده: ۱۰۵.
۶. یوسف: ۸۷.
۷. مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۴.

۱. فجر: ۱۵ و ۱۶.
۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۳، خطبة الوسيلة.
۳. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳.
۴. تحریم: ۶.

کارکردهای اجتماعی

اخلاق دینی

در مواجهه با بیماری‌های فراگیر با محوریت کرونا

دکتر محمدجواد فلاح

دانشیار دانشگاه معارف اسلامی

درآمد

ثمرات فردی که دین در مواجهه با بلایا پیش روی ما قرار می‌دهد باعث شکوفایی اخلاق فردی، نجات از تنهایی، امیدواری و دوری از ترس و اضطراب در شرایط بحرانی کروناست که در مقاله قبل، بیانش گذشت. اما کارکردهای اجتماعی کرونا نیز مهم است؛ چرا که نمونه‌های ایثار و گذشت یا فداکاری، بخشش، مددکاری، همدلی، همراهی، تعاون یا مشارکت و خیرخواهی در جامعه دینی و سکولار از منظر اخلاقی متفاوت است.

امروز در شرایط کرونا بخش مهمی از مدیریت این بحران را در گرو مواجهه اخلاقی مطلوب با این مسئله می‌دانیم که باور به دین و معتقدات مذهبی در این باب مؤثرند. قبل از ورود به کارکردهای اجتماعی دین دو نکته حائز اهمیت است:

نخست: انگیزه اخلاقی؛ در اخلاق اجتماعی که با رویکرد دیگرگرایانه مواجه هستیم انگیزه اخلاقی بسیار مهم است. چه چیزی ما را وادار می‌کند تا نسبت به دیگران از خود محوری فاصله گرفته و فارغ از منافع خود به دیگران ببینیم؟ در وضعیت کرونا مصادیق بسیاری را می‌توان یافت که ما در آن نیاز به گذشت، ایثار، احسان و فداکاری نسبت به دیگران داریم. آنچه می‌تواند انگیزه اخلاقی انسان را در این باب سامان دهد، اخلاق مبتنی بر دین است چرا که در تعالیم دینی، مراعات دیگران مورد سفارش قرار گرفته و مورد رضایت الهی است. شخص دیندار که در صدد تأمین رضایت خداوند است و اخلاقی زیستن را نوعی فرمان برداری و عبادت تلقی می‌کند از انگیزه

بیشتری در مواجهه با مسائل اخلاقی برخوردار است. دیگرگرایی سطوحی دارد، سطح اولیه آن رعایت حقوق طرف مقابل است و در جایگاهی بالاتر و فراتر از رعایت حقوق آمران آن است که حق دیگری را بر خود مقدم داری و این اوج اخلاق است که عمل این سطح از اخلاق بدون وجود انگیزه‌های متعالی دشوار است.

دوم: ضمانت اجرای اخلاق؛ بسیاری از افراد در مقام عمل، داعیه دیگرگرایی و اخلاقی زیستن را دارند ولی در عمل به دام خودگرایی و منفعت‌گرایی فردی می‌افتند از این رو به نظر می‌رسد در میان نظریات اخلاقی، اخلاق دینی دست برتر را دارد چرا که آنچه ضمانت زیست اخلاقی افراد است حمایت دین و عمل کرد اخلاقی افراد مبتنی بر واقع‌گرایی اخلاقی است که بر اساس آن اعمال اخلاقی از حقائق ذاتی برخوردار و دارای اثر وضعی و حقیقی هستند.

مهم‌ترین اثر وضعی اخلاق، توسعه نفس و رسیدن به کمال حقیقی است. در کنار این مهم، ثمرات و نتایج مادی، معنوی، دنیوی و اخروی را نیز به همراه دارد. از این رو در قرآن بیان شده است که: «إِنَّ أَحْسَنَهُمْ أَحْسَنُكُمْ لَأَنْفُسِكُمْ» و یا آمده است: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» چرا که اثر واقعی در خیرات و عمل

خیر بر اساس مشیت و اراده الهی است و خداوند چنین اثر وضعی را در افعال اخلاقی قرار داده که عاملین به آن به سمت سعادت هدایت شوند و کسانی که به آن عمل نمی‌کنند زمینه گمراهی خود را فراهم کنند.

به هر روی در اخلاق دینی، ضمانت اخلاق امری فراتر از عوامل انسانی است؛ از این رو افراد در عمل کرد اخلاقی‌شان مقاوم‌تر و وفادارتر هستند به ویژه در شرایط کرونا که نیاز بیشتری به عمل کرد اخلاقی تضمین شده داریم؛ در غیر این صورت معمولاً افراد در بحران‌ها دچار نوعی خودگرایی برای نجات خویش هستند و ممکن است حقوق دیگران را تضییع کنند چه رسد به آنکه بخواهند دیگران را بر خود مقدم دارند.

با توجه به این دو نکته، مهم‌ترین آثاری که عنصر دین به عنوان دستاورد اخلاقی در عرصه اجتماع در شرایط دشوار بیماری به ما ارزانی داشته را مرور می‌کنیم:

۱. امنیت عمومی؛ چگونه می‌توان به امنیت

عمومی دست یافت؟ آیا سازمان‌ها و نهادهای نظامی و انتظامی می‌توانند چنین شرایطی را فراهم کنند؟ امروزه میزان فروش اسلحه در شرایط کرونا در کشورهای غربی بالا رفته است

زیرا در چنین شرایط بحرانی و کمبود مواد اولیه مورد نیاز، افراد در معرض سرقت و یا حمله‌های مسلحانه قرار می‌گیرند! این که افراد در چنین شرایطی خویشتن‌داری کنند و به اموال دیگران دست اندازی نکنند و دیگران را در معرض ناامنی قرار ندهند، مرهون چیست؟ البته مسئله امنیت هم نگاهی فردی و هم اجتماعی و هم رویکردی حاکمیتی و سیاسی دارد. در این بخش نیز دین می‌تواند به خویشتن‌داری و مراقبت دیگران کمک کند و افراد را نسبت به دارایی‌ها و اموال و داشته‌های دیگران مسئول و مورد بازخواست قرار دهد.

امنیت عمومی زمانی محقق می‌شود که افراد نه تنها به دیگران تعدی نکنند بلکه دیگران را بر خود مقدم بدارند. توحش، تعدی، حمله، دزدی و غارت، محصول تفکری است که تنها منافع خود را منظور می‌کند و به دیگران به عنوان ابزار رسیدن به اهداف مادی می‌اندیشد. چنین تفکری را تعلق‌ناگاه دینی بر نمی‌تابد و برای انسان‌ها ارزش و جایگاه کریمانه قائل است.

۲. تکریم و احترام؛ در نگاه انسان‌شناختی

دین، کرامت انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. انسان تعریف و تصویر شده در قرآن بر اساس آموزه: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، و «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» تفسیری ارزش‌مدارانه در بردارد و انسان را در هر شرایطی از ارزش ذاتی کرامت بهره‌مند می‌داند. البته ممکن است این ارزش ذاتی به واسطه اعمال اختیاری خود انسان دستخوش نابودی شود. از سویی در قرآن بر اساس آموزه: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ» انسان امانتدار الهی است چیزی که «فَأَيُّبِنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» به جز انسان نتوانست آن را حمل کند:

باری که حملش ناید ز گردون

جز ما ضعیفان حامل ندارد^۶

یعنی این بار امانتی که آسمان و زمین و کوه و هستی نتوانست، انسان حامل آن شد و چنین ارزشی در گرو فرا زمان و فرا مکان بودن انسان معنا می‌یابد.

چنین انسانی در بحران و شرایط سخت و دشوار نیز برخوردار از کرامت است چه بیمار باشد، چه سالم، حتی جسد چنین انسانی نیز دارای حرمت و احترام است. اما برخی دیدگاه‌های اخلاقی به ویژه سودگرایانی چون جرمی بنتام و جان استوارت میل، بر اساس سود و نفع در این زمینه درباره انسان‌ها تصمیم می‌گیرند، بر این اساس با سالمندانی که ممکن است منافعی به همراه نداشته بلکه ضرر و زیان برای جامعه داشته باشند چگونه باید تعامل کرد؛ به ویژه در شرایط سخت و بحرانی کرونا.

یکی از مصاحبه‌هایی که از جانب برخی متفکران غربی طرح شد بیانگر این مطلب بود که ما باید به خاطر آیندگان و نوادگانمان عرصه را خالی کنیم و فرصت‌های سلامتی را در اختیار آنان قرار دهیم ولی در نگاه دینی ما این گونه نیست. سالمندان، به ویژه وجودشان، آثار وضعی خاصی دارد. به عنوان نمونه پیامبر خدا ﷺ فرمود: «کهنسال در میان خاندانش همانند پیامبر در میان امت خویش است». و در جای دیگری فرمود: «بزرگ شمردن ریش سفید مسلمان، بزرگ شمردن خداست». و نیز می‌فرماید: «هر کس برتری پیر را به دلیل سنش بشناسد و او را احترام کند، خدا وی را از هراس روز قیامت در امان می‌دارد». این مسئله در کلام امام علی علیه السلام نیز گوشزد شده که: «با خردسالان خانواده‌ات مهربان باش و پیرانشان را بزرگ بشمار». این ارزش‌گذاری در کلام امام زین‌العابدین علیه السلام این گونه آمده است: «از حقوق هم‌کیشان این است که (در نگاه تو) پیرمردان همانند پدر و جوانان نشان بیان برادران و پیرزن‌هایشان همانند مادر و کودکان‌شان همانند فرزندان باشند». از سویی امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «سه گروهند که حقشان را جز منافقان شناخته شده نادیده نمی‌گیرند: ریش سفید مسلمان، حافظ قرآن و پیشوای دادگر». اما در جوامع سودگر بر اساس منافع ممکن است سالمندان به فراموشی سپرده شوند و مشاهده می‌کنیم که در این ایام کرونا برخی کشورها آشکارا از دادن خدمات به سالخوردگان و ناتوانان سر باز می‌زنند! در این زمینه باز اخلاق دینی نسخه متفاوتی را می‌پيچد چرا که نمی‌توان به بهانه اولویت جوانان جامعه، سالمندان را رها کرد و در مرگ آن‌ها تسهیل نمود. البته در موارد چالشی نیز

باید به مسائل دینی در این زمینه توجه کرد. بخشی از کارکردهای اخلاق دینی اتفاقاً در همین دوره‌ها و چالش‌های اخلاقی است.

مسئله دیگر تکریم نیازمندان است که در شرایط دشوار کنونی نیازمند توجه بیشتری هستند در تعالیم اسلامی آمده است که به آن‌ها کریمانه کمک کنید بدون آنکه ابروی آن‌ها را در معرض خطر قرار دهید. این نگاه برخاسته از ارزش و کرامت انسانی است. در فرهنگ اسلامی باید با احترام و تکریم، مایحتاج نیازمندان را به خانه و منزل آن‌ها برد نه آنکه آنان را در صف‌های طولانی مورد توهین و تحقیر قرار داد. در باب اخلاق اجتماعی و نموها و کارکردهای اخلاق دینی در این زمینه مسائل دیگری نیز مشهود است و می‌توان به تفصیل از آن یاد کرد.

ویژگی‌های اخلاقی از جمله، ایثار و از خودگذشتگی، بخشش و انفاق، مددکاری، مشارکت و تعاون، خیرخواهی، شفقت و دل‌سوزی از مواردی است که بر اساس آموزه‌های اخلاقی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند و حد و مرز اخلاقی انسان اخلاق‌مدار در شرایط بحرانی را به درستی ترسیم نموده است.

۳. کارکردهای سیاسی-حاکمیتی؛ این قسم را نیز می‌توان در بخش اجتماعی در نظر گرفت. مسئولیتی که حکومت‌ها نسبت به مردم خود و دیگر ملت‌ها دارند رفاه عمومی، ایجاد شرایط امنیت، مراقبت از مستضعفان، رسیدگی به بیماران و مبتلایان، توزیع منابع بیمارستانی و بهداشتی و پزشکی از مواردی است که بیشتر تحت مدیریت حکومت‌ها و سازمان‌های دولتی است که باید نسبت به آن اهتمام کافی داشته باشند.

نکته دیگر پای‌بندی اخلاقی به قراردادهای بین‌المللی در شرایط کنونی است که منافع‌های برخی کشورها گاهی در چنین شرایطی مشهود است. دزدیدن محموله‌های ماسک توسط برخی کشورهای به اصطلاح مترقی مثال‌زدنی است که حتی رسانه‌ای شد یا اینکه برخی دولت‌ها آزمایش‌های لازم برای دستیابی به داروی کرونا را روی مردمان کشورهای فقیر آفریقایی تجویز و توصیه می‌کنند! این‌ها مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

آنچه می‌توان از کارکردهای سیاسی و حکومتی دین در این شرایط دانست مسئولیت اخلاقی است که دین به عهده حکمرانان قرار داده است. در دیدگاه اسلامی ظلم به هر شکلی ناپسند و زمینه افول یک حاکمیت را رقم خواهد زد، چه این ظلم به مردم تحت حکومت باشد چه مردم دیگر کشورهای ضعیف و مظلوم.

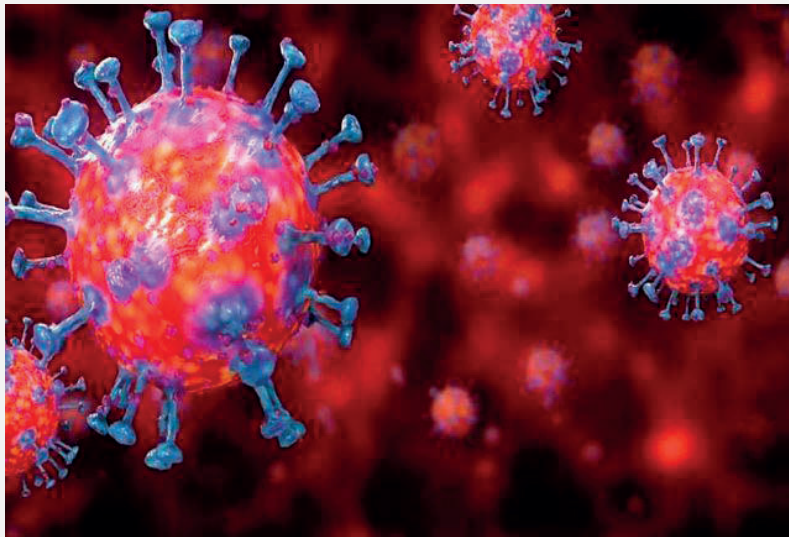
اگر حاکم و حکومتی مرتکب ظلمی بشود در حق امتی، ملتی یا کسانی، اثر وضعی آن اضمحلال آن حکومت و آن جامعه است. این که فرمودند: با کفر، ممکن است حکومتی باقی بماند ولی با ظلم در حق دیگران بقا و دوامی ندارد^{۱۲} این نیز نشانه‌ای از سرچشمه اندیشه و نگرش دینی ماست.

نتیجه

اخلاق دینی به واسطه مبانی تأثیرگذار در حوزه معرفتی و عاطفی انسان‌ها تأثیر متفاوتی نسبت به دیگر رویکردهای اخلاقی دارد از این رو کارکردهای اخلاقی رویکرد دینی در مواجهه با مسئله کرونا در مقام عمل و کنش‌های فردی و اجتماعی نیز متفاوت است. جدای از آرامش بخشی فردی و امیدواری به در مان بیماری در حوزه اجتماعی نیز اخلاق دینی می‌تواند موثر واقع شود.

مدیریت بحران که در چهار مرحله پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازتوانی باید صورت بگیرد در گرو رفتار اجتماعی مردم، جامعه و شهروندان است که این نیز محتاج آموزه‌های متعالی دینی است تا بتواند زمینه نوعی همگرایی فردی و اجتماعی را رقم بزند. اخلاق مبتنی بر حوزه دین با دو عنصر انگیزه بخشی اخلاقی و تأمین ضمانت لازم برای رفتارهای اخلاقی می‌تواند در این زمینه کارگشا باشد از این رو بخش

عظیمی از رفتارهای اخلاقی در قبال خود و دیگران در گرو انگیزه‌های اخلاقی است که این انگیزه از آبخشور دین می‌تواند منجر به عزم و تصمیم اخلاقی و در نهایت رفتار اخلاقی شود؛ لذا افرادی که از توشه و توان کافی در حوزه ایمان و عمل صالح برخوردارند و



این جهان کوه هست و فعل ما ندا

سوی ما آید نداها را صدا.^{۱۶}

کرونا با همه مشکلاتش می‌تواند زمینه محک نظریه‌های اخلاقی در میدان عمل و تجربه باشد؛ از این رو حتی بر اساس آنچه درمیدان مبارزه با این ویروس در سرتاسر جهان ملاحظه می‌گردد، کارایی لازم در صحنه عمل از آن اخلاق مبتنی بر دین است؛ به ویژه آموزه‌های اسلامی که جایگاه ویژه‌ای در این زمینه دارند که ما بخشی از آن را به اختصار مرور کردیم.

پی‌نوشت‌ها:

به تعبیر قرآن به حیات طیبیه نایل شده‌اند، انگیزه و توان اخلاقی و به تعبیری انگیزه اخلاقی بیشتری برای حضور در عرصه‌های اخلاقی را دارند، به‌رغم دیدگاه‌هایی که اخلاق را مبتنی بر منافع و سود یا قراردادهای اجتماعی تفسیر کرده‌اند.

نکته دیگر، ضمانت فعل اخلاقی است که جنبه‌های دنیوی و اخروی آن از جانب خداوند تضمین شده است آموزه‌هایی مثل: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ»^{۱۴} یا آیاتی چون: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»^{۱۵} بیان کننده تضمین‌های دنیایی و آخرتی و متضمن جبران الهی این باب است. از سویی بر اساس مبانی دینی اسلام هر فعلی اثر وضعی خاص خود را دارد و تأثیرات آن در حیات فردی، اجتماعی و

۱۳۷، ج ۴.

۸. «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ». الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۱، بَابُ إِجْلَالِ الْكَبِيرِ.

۹. «مَنْ وَقَّرَ ذَا شَيْبَةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَمَّنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ فَرَعٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». همان، ص ۶۵۸، بَابُ وَجُوبِ إِجْلَالِ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ.

۱۰. «وَأَرْحَمَ مِنْ أَهْلِكَ الصَّغِيرَ وَوَقَّرَ مِنْهُمْ الْكَبِيرَ».

بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۳۶، ح ۱.

۱۱. «وَأَنْ تَكُونَ شَيْوَهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَبِيكَ...». بحار الأنوار،

۱. اسراء: ۷.

۲. انبیاء: ۷۳.

۳. اسراء: ۷۰.

۴. بقره: ۳۰.

۵. احزاب: ۷۲.

۶. صغیر اصفهانی.

۷. «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ». بحار الأنوار، ج ۷۲، ص

ج ۷۱، ص ۹، رساله حقوق امام سجاد.

۱۲. «ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْرُوفٌ بِالنَّفَاقِ...».

همان، ح ۴.

۱۳. «الْمَلِكُ يَبْقَى بِالْعَدْلِ مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى الْجَوْرُ مَعَ

الْإِيمَانِ». محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۱۹، فصل ۷۵.

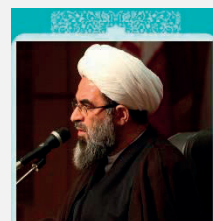
۱۴. اسراء: ۷.

۱۵. انعام: ۱۶۰.

۱۶. مولوی.



عاشورا از فقه و احکام جدا نیست!



آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی

هم این مسأله از یک طرف و مسأله برگزاری مجالس عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) از طرف دیگر به عنوان مسأله‌ای مهم مطرح شده است.

این مسأله نیز حائز اهمیت است که در این مدت روشن شد، بین علم و دین تعارضی وجود ندارد، چراکه بزرگان دین ما واقعیت‌های علمی را می‌پذیرند و به مقتضای آن مناسک دینی نیز تنظیم می‌شود؛ در چند ماه گذشته برای مراکز علمی، سیاسی و مدیران سراسر جهان ثابت شد که حوزه‌های علمیه منکر واقعیت‌های علمی و خارجی نیست بلکه به مقتضای وجود این واقعیت‌ها، مناسک دینی و اجتماعات مذهبی تنظیم شده است.

همچنین باید بار دیگر تأکید کنیم که این حرف زده نشود که کرونا یک دروغ است یا یک چیزی است که خواسته‌اند آن را بیش از اندازه بزرگ کنند؛ چراکه در خارج کشور هم وجود دارد و هر روز اخباری از آن به دست می‌رسد؛ همچنین گفته نشود که مثلاً این ویروس در برخی مکان‌ها مثل مساجد یا حرم‌ها یا مجالس عزاداری نمی‌رود، این حرف‌هایی که در فضای مجازی زده می‌شود و گاهی به

به گزارش شبکه اجتهاد، آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی، رئیس مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام) در نشست علمی «پرسش‌های فقهی عزاداری در دوران کرونا»، به بیان مباحثی در حوزه فقه عزاداری و کرونا پرداخت و نسبت میان لزوم سلامتی نفس با احیای شعائر حسینی را تشریح کرد. وی در این نشست که به همت مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی و هیأت اندیشه‌ورز دین و سلامت حوزه علمیه خراسان برگزار گردیده، بیان داشت:

به عنوان مقدمه چند جمله بگویم؛ اولاً کرونا یک قضیه‌ای است که چندماه است همه جهان را فراگرفته و همه امور را تحت الشعاع خود قرار داده است و این ویروس تنها مربوط به حوزه سلامت نمی‌شود بلکه اقتصاد، اجتماعات، سیاست و همه امور را تحت تأثیر خود قرار داده است.

مهم آن است که در نظام جمهوری اسلامی ایران در ماه رمضان بسیاری از مجالس و اجتماعات به دلیل شیوع این ویروس منحوس کرونا تعطیل شد؛ الان

نام حوزه علمیه نیز گفته می‌شود هیچ پایه و اساس و ریشه‌ای ندارد، همچنانکه بنابر نقل معتبر، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را به وسیله زهری که از سال‌ها قبل به ایشان خورانده بودند به شهادت رساندند،^۱ یا امام حسن مجتبیٰ ﷺ به وسیله زهر مسموم شدند و به شهادت رسیدند. اصلاً خود ائمه ﷺ فرموده‌اند: «همه ما یا مسموم می‌شویم یا به وسیله شمشیر به شهادت می‌رسیم». بنابراین نمی‌توان گفت این ویروس وارد مجالس اهل بیت ﷺ نمی‌شود یا کسی که مبتلا هست به این بهانه که به دیگران سرایت نمی‌کند، وارد مجالس بشود. در انتفاضه عراق همه به خاطر داریم زمانی که صدام و سربازان منحوس او به حرم امیرالمؤمنین ﷺ و امام حسین ﷺ حمله کردند، چگونه این حرم‌های مطهر را به گلوله بستند. پس اگر حرف شما درست باشد، این گلوله‌ها نباید بر حرم اثر می‌کرد؛ از این رو باید دانست که کرونا یک واقعیت است. البته از آن طرف به مجرد این که یک ویروس وجود دارد نباید مجالس امام حسین ﷺ که اساس اسلام و انقلاب و هویت شیعه است ترک شود و این که بگوییم همه تنها در پای تلویزیون عزاداری و گریه کنند؛ قابل قبول نیست.

از طرف دیگر برخی در فضای مجازی مطرح می‌کنند که مباحث مربوط به عزاداری امام حسین ﷺ و ائمه اطهار ﷺ نباید وارد حوزه فقه شود که این هم حرف درستی نیست. این که عزاداری و کربلا و عاشورا را از فقه جدا کنیم، یک تحریف بسیار بزرگ در قضیه عاشوراست؛ همچنان که وقتی ما بحث فقهی «جهاد ذبی»^۲ را مطرح کردیم، آن را از قضیه عاشورا و امام حسین ﷺ وام گرفتیم. حرکت امام حسین ﷺ و قیام عاشورا اساساً یک بحث فقهی عمیق است و فقه‌های قدیم و جدید ما همه راجع به عزاداری نکات فقهی دقیقی گفته‌اند.

آن آقایی که در فضای مجازی به فقها می‌تازد و می‌گوید: امام حسین ﷺ آقا بالاسر نمی‌خواهد، هیچ چیزی از فقه نفهمیده است. مگر فقها و مراجع و بزرگان دین ما خودشان را خادمِ خادم امام حسین ﷺ نمی‌دانند؟! بنابراین این یک حرف شیطانی است که می‌خواهند ذهن مردم را نسبت به حوزه‌های علمیه و علما خراب کنند. اساساً مشکل مردم این بود که امام حسین ﷺ تصریح کردند: مردم، بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آن‌هاست؛^۳ یعنی امام حسین ﷺ می‌فرمایند: مردم چون دین را کنار گذاشته‌اند بدبخت شده‌اند، حال ما بگوییم کاری به حلال و حرام در حوزه عزاداری نداشته باشیم؟! بله عشق به سیدالشهدا ﷺ بزرگ‌ترین و بالاترین محبت‌ها و عشق‌های جهان است؛ ولی عشق سرجای خود و رعایت همه جوانب دیگر نیز سرجای خود.

در پاسخ به این پرسش که اساساً برگزاری مراسم‌های عزاداری به خودی خود و در شرایط عادی چه حکم شرعی دارد؟ باید گفت: روایات فراوانی در ارتباط با زیارت امام حسین ﷺ داریم که مرحوم صاحب وسائل الشیعه در ابواب مزار، باب‌های متعددی را در مورد زیارت حضرت سیدالشهدا ﷺ مطرح کرده است.^۴ بنابراین هر فقیهی که به این ابواب مراجعه کند، تأکید استحباب زیارت امام

حسین ﷺ را متوجه می‌شود؛ از جمله روایتی که می‌فرماید: «هر کس به زیارت امام حسین ﷺ برود ملائکه تا لحظه‌ای که به خانه‌اش برگردد، او را مشایعت می‌کنند؛ اگر مریض شود به عیادت او می‌روند و اگر بمیرد در تشییع جنازه‌اش شرکت می‌کنند». ^۵ یا روایتی که می‌گوید: «هر کس امام حسین ﷺ را در کربلا زیارت کند گویا خدا را در بالای عرش الهی زیارت کرده است». ^۶ حتی صاحب وسائل جلوتر رفته و مسأله وجوب کفایی زیارت امام حسین ﷺ را نیز مطرح کرده است؛^۷ اصلی‌ترین روایتی که وجوب را می‌رساند حدیثی از امام محمدباقر ﷺ است که می‌فرمایند: «شیعیان ما را امر کنید به زیارت امام حسین ﷺ که این زیارت بر هر کسی که ولایت او را پذیرفته است، واجب است» ^۸ به همین جهت جمعی از بزرگان از جمله مرحوم آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله علیه قائل به وجوب کفایی زیارت هستند.

اما سؤال این است که آیا می‌توانیم عناوین زیارت را به موضوع مجلس عزاداری سرایت دهیم؟ در ارتباط با موضوع مجلس گرفتن یا احیای امر اهل بیت ﷺ یا عزاداری بر امام حسین ﷺ هفت عنوان مطرح می‌شود که اگر هم قائل به وجوب کفایی نشدیم باید استحباب مؤکد آن را بپذیریم:

عنوان اول مجموعه روایاتی است که ارزش و جایگاه «بکاء» و گریه بر امام حسین ﷺ را نشان می‌دهد.

عنوان دوم مربوط به این است که عزاداری امام حسین ﷺ از شعائر الهی و تعظیم شعائر هم واجب و لازم است.

عنوان سوم روایاتی است که تأکید می‌کند «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» و بدون شک مجلس امام حسین ﷺ از مصادیق امر ائمه ﷺ است که احیای آن



مستحب است.

عنوان چهارم روایاتی است که می‌فرماید: «... يَفْرَحُونَ لَفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»^۹ یعنی شیعیان ما کسانی هستند که در شادی ما اهل بیت ﷺ شاد و در عزای ما، اندوهگین هستند که این عنوان هم بر مجلس امام حسین ﷺ صدق می‌کند.

عنوان پنجم دستور خداوند به پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم است که «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، «وقتی از پیامبر ﷺ سؤال شد که قربای شما چه کسانی هستند، فرمودند: «آنها علی و فاطمه و فرزندان ایشان هستند».^{۱۳} بنابراین بدون شک گرفتن مجلس برای حضرت سیدالشهدا ﷺ از مصادیق مودت ذی القربی است.

عنوان ششم وفاء به عهد است؛ امام هشتم شیعیان جهان، در مورد عهد و پیمانی که هر امامی بر گردن رهروان خود دارد، فرموده است: «...لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدٌ فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغَبَهُ فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِّقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَثْمَتُهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۱۴} برای هر امامی به گردن شیعیان و هوادارانش پیمانی است؛ از جمله وفای به این

حسین ﷺ نرفت دچار معصیت شده یا واجبی را ترک کرده است؛ اما به عنوان ثانوی در دنیای امروز که قوام، هویت و وجود شیعه و بقای اسلام به عزاداری است، وجوب پیدا می کند ولی وجوب آن کفایی است؛ یعنی اگر من به الکفایه در مجلس عزاداری شرکت کنند از عهده دیگران ساقط می شود.

برخی اعتقاد دارند که کیفیت عزاداری در گذشته باید همچنان ادامه داشته باشد؛ یعنی اهمیت عزاداری بر امام حسین ﷺ تا حدی است که نباید از شکل و شمایل قبل عدول کرد؛ مثلاً آیا باید همچنان مجالس با شلوغی زیاد زیر فضای بسته برگزار شود؟! آنچه از کلمات فقها استفاده می شود این است که بر هر مسلمان و شیعه ای لازم است که عزاداری کند ولی کیفیت آن به اختلاف ازمنه و امکنه و شرایط و عرف هرجایی مختلف می شود. نمی توانیم بگوییم هرکسی به



photo : Hamed Jafarnejad

دلیل فرار از گرفتاری به کرونا وارد مجلس امام حسین ﷺ نمی شود، پس شور حسینی ندارد! امروز دین نمی گوید که شور حسینی یعنی تجمعات غیرصحیح برای عزاداری؛ بلکه باید ضوابط رعایت شود و خالصانه انجام شود و هرچه ادب و خضوع انسان بیشتر شود ارزش بیشتری دارد. البته در برخی روایات تا ۱۲ عنوان برای نوع عزاداری مطرح شده که نوحه، فریاد و گریه ترغیب شده است.

شکی نیست که عقلاً و شرعاً حفظ جان خود و دیگران واجب است، از طرف دیگر متخصصان امور بهداشتی دستوراتی در ارتباط با برگزاری مجالس عزاداری داده اند؛ حال آیا کسی می تواند به عنوان تعظیم شعائر حسینی و اموری از این

پیمان، زیارت قبور آنان است. پس هر کس از روی رغبت و پذیرش، آنان را زیارت کند، امامان در قیامت شفیع ایشان خواهند بود». و مجلس گرفتن و عزاداری برای امام حسین ﷺ بر اساس همین وفای به عهد است.

عنوان هفتم همین است که عزاداری بر سیدالشهدا ﷺ از مصادیق حبّ به امام حسین ﷺ است که فرمود: «أَحَبُّ إِلَهُ مِنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»^{۱۵}.

بنابراین از این هفت دلیل به روشنی استجاب مؤکد زیارت امام حسین ﷺ فهمیده می شود. اما نکته مهم آن است که به عنوان اولی عزاداری بر امام حسین ﷺ مستحب مؤکد است و نمی توانیم بگوییم اگر کسی به مجلس امام

دست جان خود و دیگران را با رعایت نکردن ضوابط و پروتکل‌ها به خطر بیندازد؛ به عبارت دیگر در تزامم بین وجوب حفظ جان و تحقق شعائر حسینی کدام یک ارجح است؟ اولاً باید بدانیم که در این حوزه خلط‌ها و اشتباهات زیادی صورت می‌گیرد.

عزاداری یک امر مستحب مؤکد است که گفتیم در زمانه ما به عنوان ثانوی وجوب کفایی هم دارد؛ از طرف دیگر وجوب حفظ نفس عقلی و شرعی است و هیچ شک‌ی در آن نیست و اساساً دین ما دینی است که کاملاً بر طبق ضوابط و ملاک‌های عقلی بنانهاده شده است و از این رو حفظ جان را جز در برخی موارد نظیر جهاد یا دفاع با شرایط خاص خودش، واجب شمرده است.

بحثی که این جا وارد شده است موضوع «نهی ضرر» است که در قالب قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» مطرح می‌شود، که می‌گویند: اگر می‌بینی با رفتن به مجلس امام حسین (ع) متحمل ضرر می‌شوی یا احتمال عقلایی می‌دهی که مرضی بر جان تو عارض می‌شود حق شرکت نداری؛ اما عرض می‌کنیم قاعده لا ضرر هرچند یک قاعده مسلم فقهی است ولی از این جهت که خود انسان متحمل ضرر شود، ارتباطی به موضوع ما ندارد؛ بلکه مربوط به جایی است که بخواهد به دیگری ضرر وارد کند. این قاعده می‌گوید: اگر حکمی از احکام الهی از وجوب یا حرمت مستلزم ضرر شد، از انسان برداشته می‌شود. بله در عبارت «لا ضرار» اگر آن را به معنای ضرر رساندن به دیگری بدانیم از این جهت به بحث ما ارتباط دارد، که در این صورت ما هم می‌گوییم اگر فردی مرض مسری مثل کرونا دارد و با حضورش در مجلس امام حسین (ع) باعث گرفتاری دیگران می‌شود، بدون شک حق شرکت ندارد و شرکت او در این مراسمات حرام است و اگر برود و موجب بیماری دیگران بشود ضامن است.

در قاعده لا ضرر بحث می‌شود که آیا علم به وقوع ضرر لازم است یا ظن معتبر لازم است یا و لو ظن غیر معتبر هم باشد کافی است؟ عده‌ای مثل مرحوم صاحب جواهر این مسأله را تقویت می‌کند که هر جا خوف ضرر هم باشد، هرچند علم و ظن هم نباشد، انسان نباید به سمت آن برود. اما باید توجه داشت که مسأله خوف ضرر با موضوع قاعده لا ضرر تفاوت می‌کند و یک مسأله دیگری است. مثلاً شما اگر احتمال هرچند خیلی ضعیف بدهید که در غذا سم ریخته شده است حق خوردن آن را ندارید و لازم نیست ک علم یا ظن به آن داشته باشید. از این رو عرض می‌کنیم که در فقه گاهی این مسائل با هم خلط می‌شود؛ الان از مراجع تقلید سؤال می‌کنند، جایی که احتمال عقلایی می‌دهیم که ویروس کرونا وجود داشته باشد، حق شرکت داریم؟ آن‌ها هم می‌گویند خیر. درست هم می‌گویند. ولی ما می‌گوییم اگر ضوابط و پروتکل‌ها رعایت شود این احتمال آن قدر ضعیف می‌شود که دیگر عقلایی نیست و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

مراجع تقلید اصلاً بر همین اساس تأکید زیادی بر رعایت مسائل بهداشتی دارند، بنابراین اسلام می‌گوید: در جایی که خوف ضرر می‌دهید وارد نشوید و

اجتناب کنید. ولی گاهی مقصود مهم است چون ما یک سری ادله‌ای آوردیم که ثابت شد عزاداری از افضل قُرَبات است و مستحب مؤکد بلکه به عنوان ثانوی واجب کفایی است، از طرف دیگر حفظ النفس هم لازم است. حال اگر پروتکل‌ها رعایت شود خوف ضرری وجود نخواهد داشت و این امر به این اندازه مهم یعنی عزاداری باید پابرجا باقی بماند. پس به طور کلی قاعده لا ضرر جریان ندارد و بحث خوف ضرر هم با وجود رعایت مسائل بهداشتی، منتفی است.

از طرف دیگر برخی می‌گویند: در موضوع مورد بحث ما تزامم مطرح است یعنی از یک طرف عزاداری را داریم که مستحب است و از طرف دیگر حفظ جان را داریم که واجب است و مستحب در برابر واجب تاب استقامت ندارد و کنار می‌رود. ما گفتیم که عزاداری امام حسین (ع) از عنوان ثانوی وجوب کفایی دارد؛ حال باز هم شاید گفته شود از طرفی القای نفس در تهلکه حرام است و حفظ نفس واجب است و یک طرف هم وجوب ثانوی عزاداری امام حسین (ع) وجود دارد؛ پس تزامم می‌شود و باید سراغ مرجحات باب تزامم برویم در حالی که این‌جا تزامم واقع نمی‌شود چون تزامم در جایی است که جمع بین این دو ممکن نباشد در حالی که این جا امکان دارد، یعنی یک فرد می‌تواند به خوبی عزاداری کند و رعایت ضوابط بهداشتی را بکند و جان خود را حفظ کند بنابراین اصلاً مرجحات باب تزامم مطرح نمی‌شود.



باز این نکته مطرح است که آیا این‌جا تعارض هست؟ برخی در کتب فقهی خود گفته‌اند مثلاً استحباب زیارت حضرت رضا (ع) آیا مقید به مسأله عدم وجود خوف می‌شود یا نه؟ در این‌جا تعارض و تقییدی وجود ندارد چون حفظ نفس و زیارت امام رضا (ع) یا عزاداری در عالم جعل تعارضی با هم ندارند که بخواهد یکی مقید در دیگری شود. این که می‌گویند «الجمع مهما امکن»، در باب تعارض است و ربطی به تزامم ندارد، بنابراین این‌جا نه تزامم است چون جمع ممکن است و نه تعارض است چون تنافی در عالم جعل ندارد. حال اگر کسی بداند یا احتمال عقلایی بدهد که اگر به مجلسی برود کرونا می‌گیرد یا به دیگری انتقال می‌دهد؛ اگر می‌داند که انتقال می‌دهد که قطعاً حرام است و ضامن است. اگر کسی گفت که من می‌روم و احتمال می‌دهم که مبتلا شوم و اگر خدایی ناکرده

مبتلا شد آیا ثواب عزاداری او کالعدم می‌شود؟ خیر در این جا هم ثواب عزاداری را برده و هم گناه کرده که می‌دانسته مرتکب می‌شود ولی رفته است مثل کسی که در حال نماز به نامحرم نگاه می‌کند که هم از ثواب نماز برخوردار شده و هم از باب نگاه به نامحرم اگر توبه نکند، عقاب می‌شود.

سؤال می کردند: «فلانی کجاست؟» یعنی از علم انسان عادی استفاده می کردند در حالی که اگر می خواستند، می توانستند از علم لدنی خودشان استفاده کنند و بدانند که کجاست. بنابراین ائمه اطهار علیهم السلام در زندگی شان مثل دیگران بودند، گرسنه و تشنه می شدند و حتی وقتی مریض می شدند سراغ پزشک می رفتند. تا جایی که خود امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی ضربت خوردند، دستور دادند که طبیب مسیحی بالای سر ایشان حاضر شود. بنابراین کسانی که می گویند: حرم، دارالشفاست، آیا خود ائمه علیهم السلام می گفتند وقتی مریض شدید نزد پزشک نروید و فقط سراغ ما بیایید؟! آیا اصحاب ائمه وقتی مریض می شدند اول سراغ طبیب می رفتند یا سراغ امام؟! این که بگوییم هرکس ویروس گرفته کافی است به حرم اهل بیت علیهم السلام برود و خود را قرنطینه نکند یا وارد مجلس اهل بیت علیهم السلام شود! این جز تحقیر اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام چیز دیگری نیست. ائمه علیهم السلام معدن علم هستند ولی شاگردان خودشان را نزد اساتید دیگری حتی از مذاهب دیگر می فرستادند؛ امام معصوم واسطه در توحید و قرب به خداست و نباید با مسائل کوچکی مقام آن ها را تحقیر کنیم. این ها دین را موهوم می کند و با ادله و منابع ما سازگاری ندارد. همچنان که فقهای ما دستور داده اند که اگر انسان بیماری با وارد شدن به جامعه موجب بیماری دیگران شد، ضامن است و اگر دیگران بمیرند باید دیه هم بپردازد. چون فقه به وضوح می گوید: اگر کسی مرض مسری دارد حق مبتلا کردن دیگران را ندارد.

٧. «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ × يَوْمَ عَرَفَةَ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ» كامل الزيارات، ص ١٧٢، ج ٩ باب ٩٠.

٨. وسائل الشيعه، ج ١٤، ص ٤٤٣، باب ٤٤ بَابُ وَجُوبِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى شِيعَتِهِمْ كِفَايَةً.

٩. «مُرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ إِيْتَانَهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُعْرِى لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ٣، ح ٨.

١. بحار الأنوار، ج ٢، ص ١٥١، ح ٣٠.

١. همان، ج ٤٤، ص ٢٨٧، ح ٢٦.

١. شوری: ٢٣.

١. «مَنْ قَرَّبَتْكَ الَّذِينَ اقْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْنَا مَوَدَّتَهُمْ؟ قَالَ: عَلَى وَ فَاطِمَةُ وَ وَلَدُهُمَا». بحار الأنوار، ج ٢٣، ص ٢٤١، ح ١٢.

١. همان، ج ٩٧، ص ١١٦، ح ١.

١. همان، ج ٣٧، ص ٧٤.

کتابشناسی دین و کرونا

دکتر ابوذر رجیبی

استادیار دانشگاه معارف اسلامی



کتاب «مسائل فرهنگی اجتماعی کرونا و پیامدهای آن در عرصه حکمرانی»

این اثر گفت‌وگوهای تحلیلی است که به کوشش مهدی مولایی آرانی، در اوائل تابستان سال جاری/۱۳۹۹ توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در ۳۹۱ صفحه به بازار نشر راه یافته است.

گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به همراه تعدادی از مراکز علمی از بدو شیوع بیماری کرونا، ویدئوهای را در چهار محور «دینداری اجتماعی»، «علوم اسلامی»، «خدمات اجتماعی» و «حکمرانی» با حضور ۳۶ نفر از صاحب‌نظران در بازه زمانی ۲۰ فروردین تا ۲۸ اردیبهشت سال ۹۹ برگزار کرد. سخنرانی‌های ارائه شده در این ویدئو بعد از پیاده شدن و ویرایش علمی، تبدیل به کتاب یادشده گردید.

در بخش اول اثر که ناظر به دینداری اجتماعی و کروناست، با این عناوین روبرو می‌شویم: تأثیر کرونا بر مناسک رمضان؛ آینده دینداری؛ تعطیلی و بازگشایی حرم‌های مطهر؛ چگونگی تعامل حوزه علمیه با ستاد ملی کرونا؛ مواجهه حوزه علمیه با علم پزشکی مدرن.

دو موضوع «فرصت‌ها و چالش‌های کرونا برای فقه» و «کرونا و مسئله شر» در عالم در بخش مربوط به علوم اسلامی در این اثر طرح شده اند. در بخش خدمات اجتماعی کرونا به مسائل مهمی از جمله فعالیت گروه‌های جهادی طلبه، تناسب خدمات اجتماعی و هویت طلاب اشاره می‌شود. شاید بتوان مهم‌ترین بخش کتاب را قسمت پایانی یعنی مسئله‌های حکمرانی به خصوص مسائل ناظر به فضای مجازی دانست؛ چراکه کمتر در آثار دیگر از این بحث می‌توان سراغ گرفت. چالش‌های حکمرانی در مواجهه با کرونا، انقلاب صنعتی چهارم، کرونا و نظام حکمرانی، فضای مجازی و مسئله‌های حکمرانی از جمله مسائل مطرح شده در این بخش هستند.

گرچه از زمان شیوع بیماری کرونا تاکنون کتاب‌های متعددی درباره آن و مسائل پیرامونی‌اش نوشته شده، اما چشم‌انداز مطلوبی از آثار ناظر به چالش‌های حوزه علوم انسانی و به خصوص الهیات در این زمینه وجود ندارد. البته تحقیق علمی، زمان بر بوده و انشاءالله این امر تا چندی دیگر جبران خواهد شد؛ اما با توجه به حجم شبهات ناظر به حوزه الهیات انتظار آن بود که متولیان امر و متفکران دغدغه مند، جدی‌تر از این پا به میدان گذاشته و عرصه پژوهش را با آثار فاخر زینت دهند.

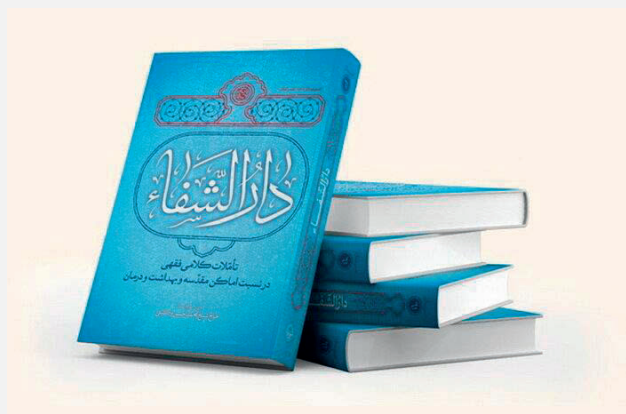
گفتنی است که یادداشت‌های کوتاه در فضاهای رسانه ای مکتوب و مجازی درخور تقدیر است و در این حوزه فعال بودن متألهان و کلام پژوهان جوان شایسته یاد و تشکر است. در این میان نباید از برگزاری همایش‌های مجازی و ویدئوهای صورت گرفته هم غافل بود. برخی از مراکز حوزوی و دانشگاهی گام‌های خوبی در این حوزه برداشتند و اتفاقاً پاره ای از آنان نیز با پالایشی تبدیل به اثر مکتوب شده که در ادامه گزارشی از آن‌ها ارائه خواهد شد.

هدف از این نوشتار صرفاً معرفی توصیفی و البته اجمالی از آثار پژوهشی مکتوب درباره کرونا و مسائل ناظر به الهیات است که با استقصای نویسنده تاکنون به حوزه نشر راه یافته است. البته در برخی از عناوین مستقیماً نام دین و الهیات نیامده، اما محتوای اثر ناظر به باورهای دینی در مواجهه با ویروس کروناست.



کتاب «کرونا و دل مشغولی‌های ذهنی»

این کتاب که از نوع کتاب‌های جیبی است به مهم‌ترین مسائل الهیاتی کرونا اشاره می‌کند. محمدباقر پورامینی، نویسنده آن و اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی به کمک مؤسسه بوستان کتاب آن را در تابستان سال جاری، روانه نشر کرده است. البته بیشتر مطالب کتاب به صورت تلگرافی و فشرده و در حد اطلاعات اجمالی به مخاطب به نگارش درآمده است. سرفصل‌های مهم مطرح شده در اثر عبارت است از: در این روزهای سخت، به دعا محتاجیم؛ چرا دامن گیر بلا شده ایم؟ چگونه دعا کنیم؟ مبارزه با کرونا با دعا یا دانش پزشکی، محرومیت از زیارت.



کتاب «دارالشفاء»: تأملات کلامی فقهی در نسبت اماکن مقدسه و بهداشت و درمان

این اثر که مربوط به دروس فقهی محمدحسن وکیلی است، به یکی از چالش‌های مهم در ایام کرونا درباره اماکن مقدسه و حرم‌های مطهر است. اثر یادشده، بهار سال جاری ۱۳۹۹ در ۲۵۶ صفحه به صورت الکترونیکی به چاپ رسیده است. می‌دانیم که ستاد ملی کرونا به صورت رسمی به تعطیلی مشاهد شریفه و اماکن امام زادگان نظر داد. آقای وکیلی در این اثر به نقد و بررسی نظری درباره رفتارهای ستاد کرونا در این باره می‌پردازد. این اثر به موضوعاتی از این قبیل اشاره می‌کند: آیا واقعاً بازبودن اماکن مذهبی، خطر جانی قابل توجهی دارد؟ بررسی ادله حرمت تعطیلی حرم‌های مطهر؛ ضریب اهمیت سلامتی چقدر است؟، «آیا اماکن مذهبی شفاعت‌بخش است؟؛ نظام اسباب و علل استثنایذیر است یا نه؟؛ ضریب اهمیت زیارت از منظر اسلام چه مقدار است؟؛ چالش‌های دانش پزشکی مدرن کجاست؟؛ اعتبار نداشتن آراء پزشکان در خارج از حیطه تجربه.



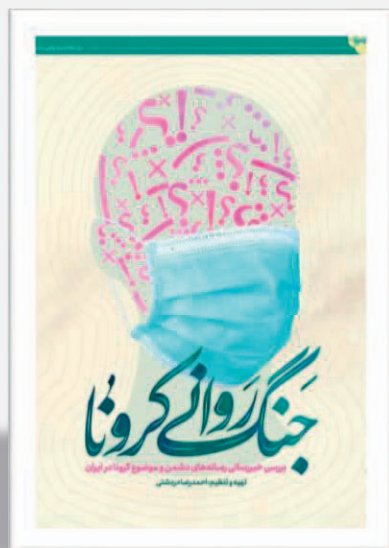
کتاب «فلسفه و بحران کرونا»

این اثر که توسط حمیدرضا آیت‌اللهی با همکاری «انتشارات پژوهشگاه فضای مجازی» و «انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)» گردآوری شد، تابستان سال ۱۳۹۹ در ۲۱۷ صفحه به چاپ رسید. کتاب با مقدمه نسبتاً طولانی از آقای دکتر آیت‌اللهی شروع می‌شود. مجموعه‌ای از فلسفه‌ورزی برخی اندیشمندان درباره بحران کرونا را می‌توان در این اثر مشاهده کرد. گردآورنده کتاب در مقدمه به چگونگی فلسفه‌ورزی درباره بحران کرونا اشاره می‌کند. اثر از دوازده فصل شکل گرفته که هر فصل را نویسنده یا نویسندگانی برعهده دارند.

عناوین فصول عبارت است از: کرونا و قدرت فلسفیدن؛ کرونا مجالی برای تفکر فلسفی؛ تعیین گستره بازی بود و نمود در دانش ابژکتیو و سوژکتیو؛ چالش کرونا و برجسته‌سازی پرسش‌های عمیق فلسفی؛ بحران کرونا و مواجهه با مرگ فلسفه؛ تحلیل هایدگری از تأثیر ویروس کووید ۱۹؛ کرونا و مطالعات علم و فناوری؛ چگونه یک غیر انسان جهان را تغییر می‌دهد؟!؛ بحران کرونا؛ بستری برای بازنگری در مسئله علم و دین از منظر «دین عامیانه»؛ فعل خداوند و بلای کرونا؛ کرونا؛ علم یا دعا؟؛ توصیه‌های رواقی برای روزگارِ کرونایی؛ تأملاتی درباره چالش‌های اخلاقی بحران ویروس کرونا؛ «شروع» مواجهه با ویروس کرونا کجاست؟

است که از سوی دختر از پدر درباره دین و کرونا مطرح شده است. برخی از پرسش‌های دختر از پدر از این قرار است: در قبال این ویروس چه باید کرد؟ آیا در تقابل علم و دین، دین شکست می‌خورد یا علم؟ چرا حرم‌های مطهر در ایام کرونا تعطیل شده‌اند؟

این اثر به همت انتشارات به نشر آستان قدس رضوی با شمارگان ۵۰۰ نسخه عرضه شده است.



کتاب «جنگ روانی کرونا»

این اثر نیز توسط مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه قم به چاپ رسیده است. رسانه‌های معاند و مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران همواره پس از وقوع هر حادثه انسانی یا طبیعی با بهره‌جستن از شگردهایی می‌کوشند مردم را به باورهای دینی و ارزشی خود بدبین کرده و پایه‌های اعتماد عمومی را ویران سازند.

کتاب «جنگ روانی کرونا» به بررسی و تبیین برخی از شگردهای خبررسانی رسانه‌های دشمن در روزهای شیوع بیماری کرونا می‌پردازد. هدف از این مجموعه بالا بردن سطح سواد رسانه و توانمندسازی خوانندگان در گزینش و پردازش اخبار است.

ساختار کتاب از یک مقدمه و ۵۸ عنوان ناظر به جنگ روانی شکل گرفته و در نهایت توصیه‌هایی برای رها شدن از دام جنگ روانی ارائه می‌دهد. کتاب در ۴۸ صفحه تنظیم شده است.

در این اثر ابتدا توضیح مختصری درباره برخی از شگردهای خبررسانی در جنگ روانی می‌آید و مخاطبان را با مهم‌ترین شگردهای به کارگرفته شده در خبررسانی مغرضانه این روزها در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای آشنا می‌کند. نویسندگان اثر با هدف کاربردی تر شدن مطالب، ابتدا هر یک از شگردهای خبررسانی توضیح داده و سپس با ذکر مثالی از میان انبوه خبرهایی که این روزها به بهانه شیوع ویروس کرونا در فضای رسانه‌ای منتشر شده و جز تخریب امنیت روانی مردم هدفی نداشته است، مفهوم مورد نظر را تبیین می‌کنند.



کتاب «پاسخ به شبهات کرونا»

در ایام کرونا چه از ناحیه ملحدان و چه روشنفکران دینی، و حتی برخی اذهان عمومی شبهاتی ناظر به باورها، ارزش‌ها و نمادهای دینی و مذهبی مطرح شده‌اند. اگرچه برخی از آن‌ها جدید نبوده و در تراث گذشته نیز متکلمان به آن‌ها پاسخ داده‌اند، اما کرونا بهانه‌ای برای طرح مجدد آن‌ها گردید. مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه قم در کتاب یادشده به مهم‌ترین این شبهات اشاره و پاسخ می‌دهد.

کتاب، تابستان امسال/۱۳۹۹ در ۱۱۹ صفحه و طی سه فصل توسط مرکز مطالعات حوزه به چاپ رسیده است. مبارزه با دین و مناسک مذهبی؛ قم‌هراسی و تقدس زدایی از حرم و حوزه؛ هجوم به نظام اسلامی، از عناوین سه فصل این کتاب هستند که ذیل هر فصل چندین بحث فرعی دیگر مطرح می‌شود.



کتاب «پرسش‌های دختر، پاسخ‌های پدر: پاسخ به شبهات دینی در روزگار کرونا»

درباره شبهات دینی ناظر به کرونا غیر از کتاب مرکز مطالعات حوزه علمیه قم، کتاب دیگری به کوشش جمعی از طلاب حوزه علمیه مشهد و انتشارات به نشر، در تابستان سال جاری/۱۳۹۹ روانه بازار نشر گردید. کتاب به شکل پرسش‌هایی

دنیاشناسی است که در روایات آمده بود که دنیا موقت و بد است.

وقتی انسان ضعیف و موقتی بودن خودش را در این دنیا به صورت عینی مشاهده کرد، باید به سمت جایی برود که خلأ وجود ندارد و به خدایی مرتبط شویم که همه خلأها و ضعف‌ها را جبران کند و وقتی به خدا مرتبط شدیم مرگ و حیات برایمان فرقی ندارد. منبع: ایکنا



شجاعت اخلاقی و عقلانی پزشکان

دکتر صادق میراحمدی، (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهرکرد) در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلائی فراگیر» که به همت دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی در ۱۸ شهریورماه به صورت آنلاین برگزار شد، با ارائه بحثی پیرامون «بررسی شجاعت اخلاقی و عقلانی پزشکان در مواجهه با بیماران کرونا» اظهار کرد: کرونا، ویروسی جدید با سرعت انتقال بسیار بالاست که هیچ انسانی در برابر آن ایمن نیست، اما از برخی از افراد به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر یا بیشتر در معرض خطر ابتلا به این ویروس نام برده می‌شود. یکی از این گروه‌ها پزشکان و مراقبان سلامت‌اند که از بیماران کووید ۱۹ مراقبت می‌کنند.

فضیلت شجاعت یکی از موضوعات حائز اهمیت در مراقبت‌های پزشکی از این نوع بیماران است. دلیل تفکیک فضیلت شجاعت، به دو قسم اخلاقی و عقلانی، قوای مختلف نفس، انگیزه و غایت است. بحث درباره شجاعت، تاریخچه‌ای به اندازه تاریخ فلسفه دارد. در فلسفه ارسطویی، شجاعت به عنوان حد وسط بین جبن و تهور تعریف می‌شود. بر اساس این تعریف، پزشکی که در مواجهه با بیماران کووید ۱۹ قرار دارد و آن را جدی نمی‌گیرد، این فرد بی‌باک و بی‌پرواست. در مقابل نیز آن پزشکی که به درمان و معاینه بیمار مبتلا به کرونا امتناع می‌کند و در بیمارستان حاضر نمی‌شود، از شجاعت اخلاقی بی‌بهره است. اگر پزشکی هدف شجاعت خود را یک غایت عقلانی قرار دهد؛ یعنی به دنبال به دست آوردن معرفت و دانشی درباره بیماری ناشناخته و اگیردار باشد، در این صورت وی دارای شجاعت عقلانی است. شخصی که دارای فضیلت شجاعت عقلانی است، انگیزه‌هایی جهت رسیدن به معرفت و حقیقت دارد که باعث تمایز از دیگر شجاعت‌ها می‌شود. پزشکان زیادی هستند که سلامتی و جان خود را به خطر می‌اندازند و دغدغه آن‌ها تنها رسیدن به حقیقت است. کسی که دارای شجاعت عقلانی است، انگیزه کسب معرفت دارد. این نوع شجاعت

تأملاتی بر

دینداری در روزگار کرونایی

گزیده خوانی نقطه نظرات اندیشمندان

ایمان باید تجلی عملی داشته باشد

حجت‌الاسلام دکتر ادگاردو اسعد معروف به شیخ سهیل، (مبلغ مسلمان آرژانتینی و فعال عرصه تبلیغ دین اسلام) در پنجاه و نهمین نشست از سلسله نشست‌های مجازی کرونا و زندگی مؤمنانه که ۱۶ شهریور به همت دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران و جهاد دانشگاهی واحد قم برگزار شد، به مبحث صبر و استقامت در برابر سختی‌ها و نامایمات در دوران کرونا پرداخت و تأکید کرد: یکی از صفات زندگی مؤمنانه این است که تحلیل و تفسیر واقعی از بلا داشته باشد و بداند زندگی دنیا برای امتحان است. وی گفت: متأسفانه آنچه با عنوان ایمان، در تصور مردم است این است که ایمان را یک بحث صرف قلبی، تفکری یا ذهنی و عقلی می‌دانند. این تعاریف که ایمان معرفت و ادراک حقیقت و یقین در قلب و تعهد انسان در مقابل واقعیت است، درست است اما آنچه ایمان به عنوان یک ارزش در تجربه بشری می‌تواند معرفی شود، زندگی با ایمان است یعنی ایمانی که اقتضائات و تجلیات عملی دارد. ایمان باید تبدیل به عمل صالح شود و به همین دلیل قرآن کریم هنگام سخن گفتن از ایمان در کنار آن عمل صالح را آورده است.

ما مسلمانان که ادعای ایمان و زندگی مؤمنانه داریم باید چگونگی رفتار با واقعیت‌ها را بدانیم؛ موضع‌گیری انسان مؤمن در برابر بلا و مصیبت منفی و زشت نیست و در مقابل هر واقعیت باید به گونه‌ای مدیریت کنیم که آن را به صورت منفی تفسیر نکنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما می‌آموزد: «بنده در مقابل نعمت‌ها شکر، در مقابل قضا و تقدیر الهی تسلیم، و در مقابل بلا صبر باشد»؛ چون اسلام یک منظومه فکری و عملی است که قوانین و ارزش‌هایی دارد و برای هر لحظه زندگی، تعلیمی آورده است.

مبلغ مسلمان آرژانتینی با اشاره به اینکه صبر برای تعالی، تکامل و رشد انسان مفید است، ادامه داد: صبر از مفاهیم مهم زندگی مؤمنانه است و روایت است که نصف ایمان صبر و نصف آن شکر است! انسان باید درک کند که وجودش برای امتحان است و آسایش کامل در این دنیا وجود ندارد. صبر همان انضباط نفس است. بلا، فقر و مرگ جزئی از تجربه بشری است و خلق حیات و این زندگی دنیایی امتحان است. به نظر بنده دوره انسان‌شناسی عملی و فرصت تأمل و ذکر موت است؛ مرگ در این ایام آن قدر طبیعی شده که ما هر روز مجبوریم به آن فکر کنیم. فکر و خیال ما این بود که دنیا زیبا و جذاب است اما با آمدن کرونا زشتی دنیا برای همه انسان‌ها ملموس شده است که این درس عملی

تسهیل‌کننده دیگر فضایل نیز هست.

شجاعت اخلاقی و عقلانی برای کسانی که با سلامت مردم سروکار دارند، در مواجهه با بیماران ناشناخته بسیار ضروری است و برخورداری از آن‌ها ضرورت دارد. پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی برای پزشکان برگزار شود و نگاه آنان را به مفهوم شجاعت عقلانی و اخلاقی جلب کند. منبع: ایکنا



تنگنای وحشتناک اخلاق پزشکی

دکتر شقاقی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی) در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» با بیان تنگناها و چالش‌های اخلاقی بسیاری که با ورود این ویروس به وجود آمده، اظهار کرد: افشای راز بیماران و رسیدگی به بیمار از جمله چالش‌هایی هستند که بین نقش حرفه‌ای و اصول عام اخلاقی قرار می‌گیرند. اینکه در موقعیت‌های دشوار چگونه سیاست‌گذاری شده و در بیمارستان‌ها چگونه به آن‌ها عمل می‌شود، جهت‌گیری‌های اخلاقی در استفاده از فرصت‌ها را برای ما مشخص می‌کند.

رویه‌هایی که پزشکان برخی کشورها برای نجات بیماران اعلام کرده‌اند، این است که همیشه اولویت رسیدگی با بدحال‌ترین بیماران است؛ اگر دو فرد بدحال وجود داشته باشند، اولویت با بیماری است که از شانس نجات بیشتری برخوردار باشد و در واقع شانس زنده ماندن و مقاومت بیشتری داشته باشد. این موضوع یک تنگنای اخلاقی بوده و قرار گرفتن در چنین موقعیتی، برای هر پزشکی وحشتناک است.

منطق این تنگنا شبیه منطق بقای اصلح است؛ که عامل زنده ماندن در آن به استعدادها و نقشه ژنتیکی افراد بستگی دارد. متأسفانه منطق بیماری کرونا نیز بسیار شخصی بوده و به نقشه ژنتیکی فرد وابسته است و هر فردی که از استعداد مقاومتی بیشتری در برابر بیماری برخوردار باشد، شانس بیشتری برای زنده ماندن دارد!

در جوامع پادشاهی، افراد از فرصت‌های مساوی برخوردار نیستند و اصولاً استعداد هم در آن‌ها نقشی ایفا نمی‌کند، بلکه این موقعیت‌های تاریخی هستند که به افراد شانس بقا و ادامه می‌دهد؛ لذا در این جامعه نیز عدالت وجود ندارد.

در جوامعی هم که اقتصاد بازار حاکم بوده و مالکیت فردی را به رسمیت می‌شناسند، به همه افراد فرصت‌های یکسانی داده می‌شود، اما در این جامعه همه افراد نیز نمی‌توانند از شانس برنده شدن برخوردار شوند؛ چرا که از استعدادها مناسبی برخوردار نیستند و این تفاوت استعدادها موجب ناعدالتی می‌شود. نقشه ژنتیکی افراد در برابر بیماری نیز چنین است و این وضعیت در واقع یک چالش اخلاقی محسوب می‌شود. منبع: ایکنا

ترابط طب و حکمت الهی

دکتر غلامرضا اعوانی، (چهره ماندگار و استاد برجسته فلسفه)، در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» به ایراد سخن با موضوع «ترابط طب و حکمت



قرنطینه در اسلام

دکتر مریم خوشدل روحانی، (استادیار دانشگاه شهید بهشتی) نیز در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای فراگیر» در باب «اخلاق قرنطینه» و بیان داشت: انتهای سال ۲۰۱۹ جهان با بیماری کرونا درگیر می‌شود و پروتکل‌های جدیدی از سوی دولت‌ها مطرح می‌گردد. ابتدا قرنطینه و سپس فاصله‌گذاری اجتماعی. کلمه و مفهوم قرنطینه اصطلاحاً به شرایطی گفته می‌شود که بیماران یا کالاهای در جای مشخصی دور از افراد سالم قرار بگیرند و در لاتین در مفهوم چهل روز، کاربرد دارد. اواسط قرن ۱۴ که مسافران و کشتی‌های مشکوک به طاعون (مرگ سیاه) خواستند وارد کرواسی شوند، با این مفهوم مواجه شدند که باید به مدت ۳۰ روز در منطقه‌ای قرنطینه شوند. در آن سال، ۳۰٪ جمعیت جهان به دلیل ابتلا به طاعون جان خود را از دست دادند. بارزترین شکل قرنطینه را در قرن ۱۷ میلادی مشاهده می‌کنیم که انگلستان به واسطه شیوع طاعون تحت تأثیر بیماری قرار گرفت و دچار بحران شد و بارزترین بیماری نیز همزمان با قرن ۱۹ آغاز شد و آن بیماری آنفولانزا بود که موجب مرگ و میر در کل جهان شد. در سال ۲۰۰۳ هم که بیماری سارس فراگیر شد میزان کشندگی بیشتری داشت، اما به دلیل مقابله سریع گسترش نیافت.

قبل از میلاد مسیح، دانشمندانی توصیه به قرنطینه‌های هفت روزه متناوب می‌کردند که مرتب تکرار می‌شد. درباره قرنطینه در جهان اسلام، مستمسک خوبی مشاهده می‌شود که آمریکایی‌ها نیز از آن استفاده کرده‌اند. پیامبر اکرم ﷺ توصیه می‌کنند که اگر طاعون (مرض مسری) در شهر و منطقه شما شیوع پیدا کرده، از آنجا خارج نشوید! در بین دانشمندان مسلمان هم ابن‌سینا توصیه‌هایی برای قرنطینه بیماران مبتلا به سل داشته است. منبع: ایکنا

وقتی می‌گوییم زید انسان است، تمام حقیقت انسانیت در آن تحقق دارد. قرآن جامع‌ترین تعریف را از انسان دارد، تعریفی که در هیچ کتاب فلسفی هم نیامده است و آن اینکه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^۸ انسان مظهر تمامی اسماء و صفات الهی است و این تعبیر یعنی انسان مظهر همه اسماء است. بنابراین حقیقت الهی



است و کشتن ناحق یک نفر مخالفت و منازعت با مقام ربوبیت است و مانند این است که او مقام ربوبیت را زیر سؤال برده است.

اما در مورد کرونا هم باید بگوییم که از جنود خداست. فرمود: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَزِيرًا حَكِيمًا»^۹ انسان امروز چنان در برابر خدا سرکش شد که لازم شد یک زنگ خطری برای او به وجود آید تا متوجه باشد که خدا و آخرت را فراموش کرده و آنچنان به علوم زمینی روی آورده که باعث نسیانش شده است. اما خداوند فرمود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۱۰} یعنی مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم کاری کرد که خودشان را فراموش کنند. منبع: ایکننا

اخلاق مواجهه با شر

دکتر محسن جوادی، (استاد دانشگاه) در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلائی» فراگیر» با موضوع «اخلاق مواجهه با شر» اظهار کرد: دو نوع شر داریم؛ شر اختیاری و شر طبیعی، اما در هر نوع از این شرور، انسان دو وظیفه اخلاقی دارد اول اینکه نگذار شری رخ دهد و دوم اینکه اگر شری به وجود آمد، نسبت به دفع آن بی‌تفاوت نباشد.

در مورد چستی شر بحث‌های زیادی شده است. شر مفهومی است که در تقابل با خیرات قرار دارد. اگر جایی به هر دلیلی، عاملی یک خیری را از زندگی انسان حذف کند، می‌گوییم شر واقع شده است و برخی که در مورد انسان خیری را مطرح می‌کنند، شر عبارت از درد و رنج و الم می‌شود؛ اما چون معمولاً دیدگاه‌های مذهبی و اسلامی نگاه متنوع و متکثری به خیرات آدم دارند که می‌توان به سلامت، دین، اخلاق، عزت و کرامت اشاره کرد، هر چیزی که در تقابل با اینها باشد، شر است. هر کجا خیری برای انسان وجود داشته باشد، از آن زاویه، شری هم برای او وجود دارد.

الهی» پرداخت و اظهار داشت: همان‌گونه که روح انسان مظهر تمام اسماء حسنای الهی است، بدن او نیز با آن روح مطابقت دارد. لذا این جامعیت وجود انسان، در بدن او هم پیداست بنابراین طب، شریف‌ترین علم است.

قدما هرگونه علمی را حکمت می‌دانستند، اما طب را به صورت خاص حکمت تلقی می‌کردند؛ برای اینکه هر علمی موضوعی دارد، مثلاً موضوع علم ریاضی، کمیت است. اما علم پزشکی علمی است که موضوع آن شریف‌ترین موجود یعنی بدن و نفس انسان است.

ایثار یعنی ترجیح دادن چیزی بر چیز دیگر. ایثار حقیقی این است که قرآن می‌فرماید: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَخَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۱۱} یعنی کسانی که دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند. در اینجا هم این ایثار مراتبی دارد و بالاترین مرتبه‌اش فدا کردن جان برای دیگری است که انصافاً پزشکان و پرستاران ما، این کار را به درستی انجام داده‌اند و آنچه ما به زبان می‌گوییم آن‌ها به عمل انجام می‌دهند.

آیه‌ای در قرآن است که در تورات هم آمده و قرآن آن را از تورات نقل می‌کند که تمام انبیاء علیهم‌السلام بر این بودند: «مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ»^{۱۲} ما بر بنی اسرائیل واجب کردیم که اگر کسی را بکشند، بدون اینکه فساد در زمین کرده باشد، در حقیقت کشتن یک فرد بی‌گناه مانند کشتن همه نوع بشر است و زنده کردن یک نفر هم به منزله زنده کردن تمام بشر است. تمام فرستاده‌ها/ پیامبران ما با بی‌توجهی آمدند. پس این یک اعتبار جهانی دارد و اختصاص به تورات و قرآن هم ندارد، بلکه آموزه انبیاء علیهم‌السلام است.

اما علت فلسفی این که قتل یک نفر به منزله قتل جمیع افراد است، چیست؟ در قرآن فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» یعنی ای مردم تقوا پیشه کنید نسبت به پروردگاری که شما را از یک نفس و حقیقت واحد خلق کرده است و فرمود: «مَا خَلَقَكُمْ وَلَا يَتَعَلَّكُمْ إِلَّا كَتَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ»^{۱۳} بنابراین ما یک حقیقت هستیم.



همچنین یک دلیل منطقی هم داریم که معنای انسان تقسیم‌پذیر نیست و



فراگیر» با موضوع «اثر در حرفه پزشکی» به ایراد سخن پرداخت و اظهار کرد: عملیات پزشکی که به درمان منتهی می‌شود، مقدمات فعل الهی است. لذا یکی از وجوه قدسیت حرفه پزشکی این است که همه دست‌اندرکاران امور پزشکی، انجام‌دهنده مقدمات فعلی هستند که خدا مستقیم به دست خود انجام می‌دهد و آن شفاست.

پزشکی یکی از حرفه‌هایی است که متصف به وصف قدسیت می‌شود و می‌توان آن را حرفه مقدس پزشکی خواند. قدسیت پزشکی به دلیل جهات عدیده‌ای است؛ اولین جهت آن است که یکی از اسماء فعلی حق تعالی یعنی نام شافی، به دست طبیب تحقق پیدا می‌کند. در قرآن مجید و داستان حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است که وقتی طرف مقابل از او پرسید که خدای تو کیست؟ ایشان در مقام تعریف حق متعال فرمود خدای من صفاتی دارد، یکی از آن‌ها این است که «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ»؛ یعنی فعل شفای بیمار از افعالی است که بدون واسطه به دست حق تعالی انجام می‌شود. البته همه افعال در جهان افعال الله است، اما رابطه خدا و جهان این‌گونه است که افعال الهی با واسطه انجام می‌شود، اما شفا و چند فعل دیگر است که مستقیماً خدا به خودش نسبت می‌دهد. بنابراین عملیات پزشکی اعم از دارو دادن یا سایر تلاش‌های کادر پزشکی که به شفا و درمان منتهی می‌شود، انجام مقدمات فعل الهی است. لذا جهت اول قدسیت حرفه پزشکی این است که دست‌اندرکاران امر پزشکی اعم از طبیب، پرستار، خدمت‌گزار، محقق دارو و هر کسی که به نحوی در کار پزشکی خدمت می‌کند، دست‌اندرکار مقدمات فعلی است که خدا مستقیم به دست خود انجام می‌دهد و آن شفاست.

جهت دیگر این است که کادر پزشکی با حیات انسانی سر و کار دارد. همه جانداران، موجودات زنده هستند، اما دارای روح الهی نیستند و حیاتشان غیر از روح الهی است. حیات بشری تنها حیاتی است که خداوند خطاب به ملائکه در موردش آورده است: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛ ای فرشتگان، چون آفرینش انسان را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او سجده کنید. بنابراین کادر پزشکی حامی روح الهی است و با روح الهی سروکار دارد. تا اینجا معلوم شد دست طبیب که مشغول دارو و درمان می‌شود، دست خداست که از آستین طبیب بیرون می‌آید.

از همه اینها که بگذریم جسم انسانی با سایر موجودات متفاوت است. همه

در زندگی با شرور زیادی اعم از طبیعی، اخلاقی و ... درگیر هستیم. معمولاً شرور را دو دسته می‌کنند و آنجایی که یک اختیار و مداخله اختیاری انسان منشأ شر می‌شود، ولو از جنس بیماری باشد، به آن شرور اختیاری و اخلاقی می‌گویند؛ اما جایی که مداخله‌ای از ناحیه انسان نیست، شر طبیعی نام‌گذاری می‌شود.

وقتی شر اختیاری رخ می‌دهد که منشأ اصلی آن نیز سوءاختیار است و کسی سلامت کسی را می‌گیرد، حتی اگر به عمد هم نباشد و خطا و سهل‌انگاری رخ داده باشد. اما سؤال این است که در مواجهه با این مسئله وظیفه ما چیست؟ نمی‌توان گفت اتفاقی افتاده و تمام شده یا بگوییم همه به اراده خدا بستگی دارد و من در مسیر خدا بوده‌ام و تمام. بلکه در مقابل شرور اختیاری یا شروری که منشأ آنها اختیار و سوءاختیار انسان است دو وظیفه اخلاقی یاد شده را داریم. سپس قبل از وقوع شر نباید اجازه بدهیم که اتفاقی بیفتد. وقتی شر رخ داد، باید آن را جبران کنیم و به وضعیت خیر اولیه برگردانیم و اگر ضرر زدیم جبران کنیم.

در فقه اسلامی می‌گویند عاقله باید جبران کند. یعنی اصل جبران ضرر وجود دارد. فلسفه احکام دیه و قصاص نیز این است که خیری فوت شده است لذا این خیر به این اندازه ارزشمند است و باید جبران شود و برگردد که یک اصل مهم اخلاقی و برای حفظ خیرات انسانی است.

اما در شرور طبیعی فرض را بر این می‌گذاریم که مداخله انسانی در کار کرونا نیست و یک پدیده کلان طبیعی است که فراگیر شده شری برای همه انسان‌ها به وجود آورده و سلامت و جان انسان را تهدید می‌کند. در حقیقت ما شر را طبیعی فرض می‌کنیم. اما نکته‌ای که در بحث مقابله با شرور اختیاری وجود داشت، اینجا هم هست. یعنی نمی‌توان گفت چون دخالتی نداشتیم وظیفه اخلاقی هم ندارم. اتفاقی که در کرونا افتاده و ممکن است سوءبرداشتی از آموزه‌های دینی شود، این است که می‌گویند مداخله انسانی نبوده و لذا وظیفه اخلاقی نداریم تلاشی هم برای برطرف کردن آن نباشد و باید رضا به قضای الهی داد! که در اینجا ممکن است، برخی از آموزه‌ها برداشت شوند و عده‌ای بگویند صرفاً باید راضی باشیم یا بگویند این عذاب الهی است و فقط باید عبرت بگیریم، ولی نباید کاری کنیم.

قبول دارم که در کل شرور یکی از آموزه‌های اصلی اسلام این است که انسان تند نرود و صبر داشته باشد؛ اما چنین نیست که باید با این قطعه کنار آید تا زمانی که خود به خود گشایشی ایجاد شود و فرج رخ دهد! ما وظایف پیشگیرانه‌ای داریم که کفایی هم هست و وظایف محققان است. لذا این یک وظیفه اخلاقی است و باید جلوی شیوع را بگیرند. اما یک وظیفه اخلاقی هم بعد از این است و منافاتی هم با صبر و تحمل و درس آموختن از این حادثه ندارد؛ چه اینکه همه حوادث ممکن است عذاب الهی باشند، اما نباید نشست و گریه کرد که عذاب است و وظیفه‌ای شامل حال ما نمی‌شود. لذا باید در گام اول، وظایف مقدم بر وقوع را انجام دهیم یعنی جلوی ادامه این مشکل را بگیریم و جبران کنیم. بنابراین مواجهه با کرونا با فضیلتی مانند صبر و تحمل منافاتی ندارد. منبع: ایکنا

اقدامات پزشکی انجام مقدمات فعل الهی

آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد در کنفرانس «اخلاق، الهیات و بلایای

جهان مخلوق خداست، اما انسان به قدرت مستقیم خدا و به تعبیر قرآن به دو دست او آفریده شده است. «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» ای ابلیس، چه چیز تو را از سجده کردن در برابر آنچه من با دو دست خود آفریدم منع کرد؟ ولی می‌خواهم عرض کنم اینها یک طرف است و جهت دیگری که شاید از جهات دیگر اهمیتش کمتر نیست، موضوع ایثار کادر پزشکی و خدمت‌گزاران پزشکی در انجام وظیفه خویش است. منبع: ایکنا

کرونا از مناسک جمعی تقدس‌زدایی نکرد

حجت‌الاسلام دکتر مجتبی سپاهی (عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان)، در گفت‌وگویی درباره تأثیر کرونا بر دینداری اظهار کرد: دین عرصه‌های مختلفی دارد. انسان‌ها وقتی دینی را انتخاب و به مناسک آن عمل می‌کنند و خود را مقید به دستورات و شرایع آن می‌دانند، این جزء درون‌مایه اصلی دین است. علاوه بر این، هر دینی علاوه بر آداب فردی، یک سری مناسک جمعی و اجتماعی نیز دارد.

کرونا در عرصه دینداری فردی نمی‌تواند ضربه‌ای به دینداران وارد کند، چون ویروسی ضد اجتماع است و فرقی ندارد که این اجتماع برای مناسک دینی باشد یا برای هر اجتماع دیگری. در واقع کرونا جنبه‌های زندگی اجتماعی را مورد حمله قرار داده است و نمی‌تواند در عرصه‌های فردی دینداری خللی ایجاد کند؛ یعنی هر کس می‌تواند جنبه‌های فردی دین را به نحو احسن انجام دهد. اگر برگزاری مناسک اجتماعی با حفظ جان تعارض پیدا کند، آموزه‌های دینی به ما می‌گویند که حفظ جان انسان واجب‌تر است.

با شیوع کرونا بسیاری از مناسک دینی مثل نماز جماعت و نماز جمعه تحت‌الشعاع قرار گرفته است. کرونا در حوزه اجتماعی و تأثیرپذیری افراد از یکدیگر و بیان احکام و معرفت‌افزایی چهره به چهره و جنب و جوش مراسم عبادی در اجتماعات حضوری، تأثیر منفی از خود به جا گذاشته و قطعاً جامعه دینی از این منظر دچار زیان فوق‌العاده‌ای شده است. بر این اساس اگر دینداری را صرفاً در حوزه اجتماعی آن معنا کنیم، طبیعتاً با وجود کرونا با یک سری سستی‌ها مواجه شده‌ایم؛ ولی فراموش نکنیم دین ساحت‌های مختلفی دارد که یک ساحت آن دینداری فردی است و چه بسا انسان در این عرصه بتواند قوی‌تر ظاهر شود.

اگر دینداری انسان آگاهانه و عمیق باشد، قطعاً به آموزه‌های آن نیز آگاهانه عمل می‌کند، ولی برخی انسان‌ها دینداری خود را از اجتماعات گرفته‌اند. به همین دلیل با وجود کرونا بین آن‌ها و اجتماع قطع ارتباط شده است.

این سؤال که آیا کرونا و محدودیت‌های ناشی از آن باعث تقدس‌زدایی از مناسک دینی نمی‌شود؟ باید گفت نه چنین اتفاقی نمی‌افتد، زیرا دین نیز هیچ‌کدام از این مراسم و اجتماعات را مقدس ندانسته است. دین برای اینکه ترویج پیدا کند، از عرصه اجتماعات استفاده می‌کند، ولی اجتماع به‌ما هو اجتماع، هیچ‌گاه به عنوان امر مقدس تلقی نمی‌شود. اگر اجتماعی باعث شود که

بیماری‌ای مثل کووید ۱۹ شیوع پیدا کند و بخشی از جامعه دچار بیماری شوند و فوت کنند، قطعاً هیچ عالم دینی و گزاره دینی آن را تأیید نمی‌کند. حتی در گزاره‌های دینی ما در قرآن و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما گفته نشده است در هر شرایطی باید اجتماعات را برگزار کنید. بنابراین اجتماعات، مقدس نیستند بلکه حقیقت و حرکت به سوی حق و دریافت آن و عمل به فرمان خداوند آن هم به صورت صحیح، امر مقدسی است.

امام عمل ما را در نظر می‌گیرد و انتظار رفتار عاقلانه از ما دارد. حب خدا، پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) نسبت به انسان‌ها بر اساس یک چارچوب است، ولی ما برداشت‌های غلط و سهل‌انگارانه در این خصوص داریم و توجه نمی‌کنیم که دعوت اهل بیت (علیهم‌السلام) به عاقلانه فکر و رفتار کردن، زیرک بودن و معرفت صحیح است. آنها اصلاً دوست ندارند که ما احساساتی شویم و بر اساس احساسات عمل کنیم، مثل اینکه چون کسی می‌خواهد به مجلس امام حسین (علیه‌السلام) برود، بگوید کرونا نمی‌تواند کاری کند یا سردر هیئت اطلاعیه بزنند که بدون ماسک وارد شوید یا فردی روحانی بگوید که ما باید فدایی شویم! هیچ منطق عقلی و دینی پشت این سخنان و حرکات نیست و ناشی از جهالت جامع‌الاطراف یا عناد و لجابت است. منبع: ایکنا

مسئولیت کیفری و مدنی ناقلان ویروس کرونا



پنجاه و ششمین نشست از سلسله نشست‌های علمی فرهنگی چالش کرونا و زندگی مؤمنانه با موضوع "مسئولیت کیفری و مدنی ناقلان ویروس کرونا" به همت دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران و جهاد دانشگاهی واحد استان قم با حضور دکتر سید محمد حسینی، عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. وی اظهار کرد: مسئله، التزام شخص به پاسخ‌گویی اعمال و رفتار زیانبارش در قبال دیگران است و اگر رفتاری انجام داد که به دیگران ضرر و زیانی وارد کرد باید پاسخ‌گو باشد؛ به عنوان مثال ساختمانش را بدون رعایت مسائل ایمنی گودبرداری کرده و باعث ریزش ساختمان دیگری شده است ضامن است و باید جوابگوی ضرر و زیان وارده باشد و اگر مسئله کیفری شد مجازات مطرح می‌شود و جبران خسارت نیز در بحث‌های مدنی مطرح می‌شود.

فعل یا ترک فعل در شرایط تخلف از یک قرارداد یا ناقض قوانین است و مسئولیت مدنی ساختمان‌سازت وارده بر شخص است و باید این خسارت یا توسط خود فرد یا توسط دیگری جبران شود؛ اما در مسئولیت کیفری اصل بر

شخصی بودن مسئولیت می باشد یعنی خود فرد مطرح است و او را محاکمه و مجازات می کنند نه فرد دیگری. در امور کیفری نیت متهم و هدفش مهم است یعنی باید سوء نیت و قصد داشته باشد اما در مسئولیت مدنی سوء نیت نیست اما ضرری وارد کرده است و باید جبران کند و ضرر رسانی فرد صغیر یا مجنون را نیز باید دیگری به عنوان مسئول او جبران خسارت کند.

در مسئله کرونا قراردادی میان افراد وجود ندارد. در مباحث زیان و جبران زیان غیر قراردادی، چهار مسئله: فعل زیان آور، ضرر وارد شده، فعل باید موجب خسارت شده باشد یعنی رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد و مورد چهارم احراز مقصر بودن فرد، مورد توجه است. به عنوان مثال در اداره ای اعلام می شود طبق قانون ستاد مقابله با کرونا، فردی که به بیماری کرونا مبتلا شده در محل کار حضور پیدا نکند، اما شخص برخلاف آن عمل کرده و با حضورش موجب ابتلای دیگران و همکارانش می شود. فردی که باعث تسری این ویروس به دیگری شده آسیب زده و حتی در مواردی ممکن است باعث مرگ دیگری شود مسئولیت مدنی دارد اگر باعث مرگ او شده باید دیه بپردازد، یا خساراتی که مازاد بر دیه است. مثلاً فرد بیمار چند روز در بیمارستان بوده و هزینه ای پرداخت کرده.

باید فرد عامل انتقال ویروس کرونا این موارد را جبران کند. قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام معروف است و در این شرایط بیماری کرونا طبق این قاعده یعنی باید مراقبت شود.

جبران خسارت در مورد فردی است که از بیماری خودش اطلاع دارد؛ البته این سخن به این معنا نیست فردی که اطلاع از بیماری خود ندارد هیچ مسئولیتی نیز ندارد، بلکه باید به توصیه های ستاد مقابله با کرونا گوش دهد. برای تحقق جرم انتقال ویروس کرونا غفلت هم کافی است که منظور از غفلت، بی احتیاطی است و این فرد باید مجازات شود.

ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که در آن گفته شده هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دام، ریختن مواد سموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان، کشتار غیرمجاز دام و دیگر مسائل ممنوع است و مرتکبین طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. منبع: ایسنا

۱. فَعَلَيْهِ فِي الْبَلَاءِ مِنَ اللَّهِ الصَّبْرُ فَرِيضَةٌ، بحارالانوار، ج ۸ ص ۴۳، ح ۴۱.

۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۱، ح ۹۹.

۳. بحارالانوار، ج ۶ ص ۱۲۲، ح ۵.

۴. حشر: ۹.

۵. مائده: ۳۲.

۶. نساء: ۱.

۷. لقمان: ۲۸.

۸. بقره: ۳۱.

۹. فتح: ۷.

۱۰. حشر: ۱۹.

۱۱. شعراء: ۸۰.

۱۲. حجر: ۲۹ و ص ۷۲.

۱۳. ص: ۷۵.

توصیه های رهبرانقلاب درباره

مقابله با کرونا

رهبرانقلاب اسلامی، در تاریخ ۹۸/۱۲/۱۳ با توجه به شیوع بیماری کرونا، توصیه هایی در این زمینه نمودند که پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR در این اطلاع نگاشت، آنها را مرور می کند.

KHAMENEI.IR
دفتر مطبوعاتی رهبریتعالیه اعظمی خامنه ای



عمل به توصیه های مجموعه های مسئول

- هر چیزی که کمک کند به سلامت جامعه یک حسنه است و هر چیزی که کمک کند به شیوع این بیماری، یک سیئه است



همکاری همه ی دستگاه های کشور با وزارت بهداشت و در اختیار آنها گذاشتن همه ی امکانات



توسل به پروردگار و درخواست کمک الهی

- طلب شفاعت و وساطت از نبی مکرم اسلام و ائمه ی اطهار (علیهم السلام)
- خواندن دعای هفتم صحیفه ی سجادیه



مسئله را کوچک نگیریم اما خیلی هم بزرگش نکنیم

ان شاء الله خیلی طولانی نخواهد بود، تجربیاتی که به دست می آوریم میتواند یک دستاورد باشد و بلا را تبدیل کند به نعمت

بدتر از کرونا

Covid1948

امروز دنیا یک به یک تعداد قربانیان کرونا را در سراسر جهان می‌شمارد، اما هیچ‌کس نپرسیده و نمی‌پرسد قاتل و مسئول صدها هزار شهید و اسیر و مفقود در کشورهای آمریکا و اروپا در آن آتش جنگ را روشن کرده‌اند کیست؟ نهادهای به اصطلاح حقوق بشری مُرده‌اند.

۹۹/۳/۲
رهبران انقلاب

KHAMENEI.IR

